



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آسیب شناسی مسائل مہدویت سیرۂ حکومتی حضرت مہدی علیہ السلام

علی اکبر مہدی پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آسيب شناسی مسائل مهدويت سيره حكومتی حضرت مهدی عليه السلام

نويسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپي:

مolf

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	آسیب شناسی مسائل مهدویت سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	جلسه اول
۱۱	سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام
۱۴	احادیثی در مورد عدل مهدوی
۲۸	جلسه دوم
۲۸	اشاره
۴۵	پرسش و پاسخ جلسه دوم
۴۸	جلسه سوم
۴۸	اشاره
۶۲	پرسش و پاسخ جلسه سوم
۷۰	جلسه چهارم
۷۰	اشاره
۸۳	پرسش و پاسخ جلسه چهارم
۹۰	جلسه پنجم
۹۰	اشاره
۱۰۰	پرسش و پاسخ جلسه پنجم
۱۰۶	جلسه ششم
۱۰۶	سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام
۱۲۳	پرسش و پاسخ جلسه ششم
۱۲۹	جلسه هفتم
۱۲۹	اشاره

۱۴۶	پرسش و پاسخ جلسه هفتم
۱۵۲	جلسه هشتم
۱۵۲	اشاره
۱۶۵	پرسش و پاسخ جلسه هشتم
۱۶۹	جلسه نهم
۱۶۹	اشاره
۱۸۲	پرسش و پاسخ جلسه نهم
۱۸۶	جلسه دهم
۱۸۶	اشاره
۱۹۶	تشریح سید بحر العلوم
۲۰۱	پرسش و پاسخ جلسه دهم
۲۰۴	منابع
۲۰۵	درباره مرکز

آسیب شناسی مسائل مہدویت سیرہ حکومتی حضرت مہدی علیہ السلام

مشخصات کتاب

آسیب شناسی مسائل مہدویت

سیرہ حکومتی حضرت مہدی علیہ السلام

علی اکبر مہدی پور

ص: 1

اشارہ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

فرا رسیدن ایام مبارکه دهه مهدویه، در آستانه میلاد مسعود آقا بقیه الله علیه السلام و شب میلاد شاهزاده علی اکبر علیه السلام را تبریک عرض می نمایم و به مناسبت تقارن میلاد فرخنده این دو بزرگوار در این ایام، ابتدا نکته لطیفی را بیان می دارم.

از امام حسین علیه السلام در روز عاشورا جمله معروفی است که فرمودند: هر وقت مشتاق دیدار جد بزرگوارم رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، با دیدار این جوان، خود را تشفی می دادیم چرا که او « أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَمَنْطِقًا بِرَسُولِ اللَّهِ » بود.

شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله در احادیث فراوانی از حضرت بقیه الله علیه السلام، اینگونه تعبیر فرمودند که: « أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا » فرزندم بقیه الله شبیه ترین مردم است به من از لحاظ خلقت و خُلق؛ یعنی هم از لحاظ صورت و هم از لحاظ سیرت و شیوه عملی.

عنوانی که در این ده شب در مورد آن بحث خواهیم نمود نگاهی است به سیره حکومتی آقا بقیه الله علیه السلام، امشب به عنوان مقدمه و پایه مطالب شبهای آینده - که شبهات عدل مهدویت است - مبحث عدل، عدالت و عدالت مهدوی را مورد بررسی قرار می دهیم.

روایت بسیار معروفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه معصومین در مورد عدالت مهدوی علیه السلام نقل شده است که می فرماید: « يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا » یعنی خداوند به وسیله حضرت بقیه الله جهان را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از جور و ستم پر شده است.

مضمون این حدیث 148 بار از طریق معصومین علیهم السلام به ما رسیده است (1) و لذا روشنترین نماد حکومتی حضرت بقیه الله است.

با توجه به این حدیث و دیگر احادیث، بر می آید که سیره آن حضرت عدالت است آنهم نه اینکه منحصر به یک شهر و یا کشور و یا قاره باشد بلکه کل جهان هستی را در بر می گیرد یعنی منحصر به کره زمین هم نیست، و آثار عدل مهدوی در جهان هستی ظاهر و روشن خواهد شد.

ص: 6

1- . فهرست این احادیث در کتاب « منتخب الاثر »، ج 2، ص 222 - 235 آمده است.

در مورد عدل تعبیرات ظریف و زیادی به ما رسیده است اما از آنجا که علی علیه السلام منادی و حاکم بر عدل و شهید راه عدل بوده است و به قول آن دانشمند مسیحی که گفته است: قتل علی فی محراب عبادته لشدت عدله یعنی علی علیه السلام به خاطر شدت عدالتش در محراب عبادت خود شهید شد؛ در اینجا به چند مورد از احادیث کوتاه مولا علی علیه السلام در مورد عدل اشاره می کنیم: (1)

- العدل ملاک: عدل معیار و میزان است .

- العدل حیاة: عدالت زندگی است یعنی زندگی در فضای عادلانه میسر می شود و در فضای ظلم زندگی به معنای واقعی وجود ندارد .

- العدل رأس الايمان و جُمَاء الاحسان: عدالت قله و اوج ایمان است؛ و ایمان عبارتست از عدالت، و پایه و اساس نیکی ها عدل است؛ یعنی اگر تمام نیکی ها یکجا جمع شود، عدالت را تشکیل می دهد .

- ملاک السياسة العدل: عدالت الگوی سیاست است .

- العدل اقوی اساس: عدالت استوارترین بنیاد است .

- الرعية لا یصلحها الا العدل: رعیت را هیچ چیز جز عدالت استوار نمی کند .

- السیرة العادل یقهر المناوی: سیره عادلانه، رقیب را از میدان بیرون می کند . یعنی اگر کسی بخواهد رقیب را از میان بردارد راهش اجرای

ص: 7

1- . این موارد از کتاب شریف غررالحکم که در 7 مجله به چاپ رسیده، به طور پراکنده انتخاب شده است .

عدالت است و نه ظلم و تعدی .

- آفة العدل الظالم القادر : آفتِ عدالت این است که قدرت به ستمگر برسد .

- من عدل فی سلطانه استغنی عن اعوانه : کسی که در درون حکومت خود عدالت را پیشه کند از یار و یاور بی نیاز خواهد بود . یعنی عدالت کافی است که سلطان را قدرتمند کند و در کارش پیروز و کامیاب گرداند .

- من عدل فی البلاد نشرالله علیه الرحمة : کسی که در کشور عدالت را اجرا کند خداوند رحمت را بر او جاری می سازد .

- ما عمّرت البلدان بمثل العدل : هیچ چیز کشورها را همانند عدالت آباد نمی کند . یعنی عاملی درجه اول آبادانی ، عدالت است .

- زمان العادل خیر الازمنه : زمان زمامدار عادل بهترین زمانهاست .

- ان الناس يستغنون اذا عدل بينهم : اگر عدالت اجرا شود مردمان بی نیاز می شوند و فقر از بین می رود .

کارشناسان غیرمسلمان زیادی نقل کرده اند که علی علیه السلام عدل و حقی را در زمان حکومت خود پیاده کرد که جامعه آن روز قدرت تحمل آن را نداشت . لذا یکی از علل ادامه دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام مهیا شدن جهان برای پذیرش عدالت مهدوی است ؛ یعنی ظلم و جنایت آنقدر فراگیر شود که همه به دنبال عدل و مهبای پذیرش باشند . اکنون که سخن بدینجا رسید ، چند حدیث در مورد عدالت مهدوی نقل می نمائیم .

احادیثی در مورد عدل مهدوی

ص: 8

در احادیث فراوانی اشاره شده است که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دنیا پر از هرج و مرج می شود، ظلم و فقر بیداد می کند، کشت و کشتار به حدّ اعلی می رسد، و کار به جایی می رسد که وقتی مردم به زیارت اهل قبور می روند به پدران و مادران و ارحام خود که مدفون هستند، می گویند که ای کاش ما به جای شما بودیم.

در حدیثی فرموده اند که این آرزوی مردم به جهت فقر آنها نیست بلکه به جهت ظلم و فساد است که بر جهان حاکم می شود؛ در چنین موقعیتی است که دنیا پذیرای عدل می شود، و آن زمان است که خداوند اذن ظهور را صادر می فرماید. آنگاه آقا بقیه الله می آیند و بر همه مشکلات و فقر و فلاکت و تبعیض و هر مشکل دیگری خاتمه می دهند و همه جا را پر از عدل و داد می کنند.

احادیثی که مهدویت علوی را بررسی می کنند، مطالب را بسیار ظریف مطرح می نمایند؛ به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می نمائیم:

- یظهر من العدل ما یتمنی الاحیاء امواتهم.

حضرت مهدی علیه السلام عدالت را آنگونه در جهان حاکم می سازند که زنده ها آرزو می کنند که ای کاش پدران و مادران زنده بودند و این ایام مبارک را می دیدند.

این مطلب دقیقاً عکس مطلب قبلی است. آنجا سخن از قبل از ظهور بود و آرزوی مردم که ای کاش ما به جای پدران و مادران در قبور مدفون بودیم، اما اینجا سخن از بعد از ظهور است و آرزوی مردم که ای کاش گذشتگان ما نیز زنده بودند؛ چرا که جهان در آن زمان پر از رفاه و آسایش و آرامش می شود.

- « يحييها الله بالمهدى فيعدل فيها فيحي الارض بالعدل بعد موتها بالظلم » خداوند زمین را به وسیله مهدی علیه السلام احیا می کند و سپس عدالت را در آن اجرا می کند؛ و زمین را به وسیله عدالت زنده می کند پس از اینکه به وسیله ظلم از بین رفته باشد.

این حدیث ذیل آیه:

« اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا » (1)

« بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند »

نقل شده است.

- « اما والله ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر » (2).

« به خدا سوگند عدالت او در درون خانه ها به آنها می رسد همچنانکه گرما و سرما به داخل خانه ها می رود ».

عدالت حضرت مهدی علیه السلام آنچنان جهان را پر می کند که از در بسته وارد می شود و خانه را مظهر عدالت قرار می دهد و آنها را از لوٹ ظلم و ستم رها می سازد.

- « فاذا خرج وضع ميزان العدل بين الناس ، فلا يظلم احدٌ احداً و يعدل في الرعية » (3).

ص: 10

1- . حدید / 17 .

2- . نعمانی ، الغيبة ، ص 297 .

3- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 372 .

« هنگامی که حضرت خروج می کنند میزان و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می دهند و احدی در صدد ظلم به شخص دیگری بر نمی آید ، و در میان رعیت عدالت را برقرار می کنند » .

عبارت « فلا یظلم احدٌ احداً » یعنی تمام انگیزه های ظلم از بین می رود و نه تنها ظلم نمی کنند بلکه درصدد آن هم بر نمی آیند .

- « اذا قام مهدینا اهل البیت قسم بالسویه و عدل فی الرعیة »

« هنگامی که مهدی ماقیام کند ثروت را به تساوی قسمت کرده ، و عدل را در رعیت برقرار می کند » .

تساوی ثروت به این معنی نیست که ثروتمندان را مفلس و بی چیز می کند تا همه در یک سطح قرار گیرند ، بلکه ثروت سالم کسی را از او نمی گیرد و تنها فقیران را به درجات بالاتری از ثروتمندی می رساند ، و بدینوسیله همه را بی نیاز می کند .

این مطلب ثابت شده است که اگر زکات به طور صحیح داده شود یک نفر انسان فقیر در روی زمین نخواهد ماند . در تاریخ اسلام مواردی اینگونه بوده است ، یکی از آنها داستان معروفی است که در زمان هارون الرشید اتفاق افتاد . یکی از والیان او ، برایش نامه نوشت که آنقدر زکات جمع شده است که کسی حاضر به استفاده از آن نیست و این اموال در حال ضایع شدن است . هارون دستور داد که در کنار هر مسجدی یک کتابخانه بسازند .

هارون از خلفای جور و قاتل امام موسی بن جعفر علیه السلام است لذا مورد

احترام ما نیست ؛ اما نکته قابل توجه در داستان این است که چون به ظواهر اسلام عمل می شده او زکات را می گرفته و به فقرا می داده است .

کشور پهناور اسلامی که تحت نفوذ هارون بوده هم اکنون به شصت کشور تبدیل شده است ، و وسعت آن سرزمین آنقدر بوده است که به قول سعدی وقتی ابرها می باریدند و از بالای سر هارون عبور می کردند می گفت : بروید و ببارید که هر جا بروید بر خاک خودم می بارید ؛ و این کنایه از وسعت سرزمین اسلام بوده است . در آن زمان متجاوز از شصت هزار مسجد در روی زمین بود که در کنار هر یک از آنها کتابخانه ای ساخته شد تا زکات به مصرف برسد .

در خصوص حکومت حضرت مهدی علیه السلام غیر از زکات و عمل به احکام اسلامی آمده است که زمین برکاتش را بیرون می ریزد و آسمان نیز برکاتش را نازل می کند .

حضرت بقیه الله ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و در زیر آسمان یک نفر محتاج پیدا نمی شود به طوری که در احادیث فراوان آمده است که شمش های طلا را در طبق و در کنار جاده ها می گذارند اما کسی از آنها بر نمی دارد ؛ حتی انسانهای طمع کار نیز بر نمی دارند زیرا دلها نیز بی نیاز می شود .

هم اکنون در زمان ما اگر هر چیزی به قیمت مناسب به فروش برسد غیر نیازمندان هم از آن می خرند چرا که دلها بی نیاز نشده است . آمده است که منادی حضرت ندا می دهد که هر کس نیازمند است هر چه که می خواهد بردارد ، اما کسی بر نمی خیزد جز یک نفر . حضرت نیز او را نزد خزینه دار می فرستد .

خزینه دار به او می گوید که برای بردن مورد نیاز خودت چه آورده ای؟ او هم می رود گونی بزرگی می آورد و آن را آنقدر پر می کند که توانایی حمل آن را ندارد. سپس پشیمان می شود و می گوید آیا در زیر این آسمان، انسان طمع کاری غیر از من نبود؛ و سپس می خواهد آنچه را که گرفته پس دهد اما می گویند ما چیزی را که به کسی دادیم پس نمی گیریم.

- « اول ما يُظهر المهدى من العدل ان ينادى مناديه ان يسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة الحجر الاسود و الطواف »(1)

« اولین چیزی که از عدالت حکومت مهدوی ظاهر می شود اینست که منادی حضرت ندا می دهد کسی که طواف مستحبی انجام می دهد، مطاف را خالی کند ».

در ایام حج و یا در وقفه های عمره، دور خانه کعبه بسیار ازدحام است و کسی که می خواهد طواف را با شرایط صحیح انجام دهد واقعاً با مشکل مواجه است. در این بین کسانی هستند که می باید طواف واجب انجام دهند و می باید در مطاف طواف کنند اما عده ای هم هستند که طواف مستحبی انجام می دهند و لزومی ندارد که حتماً در مطاف باشند.

حضرت بقیه الله دستور می دهند که مطاف را برای کسانی که می خواهند طواف واجب انجام دهند، خالی کنند. یکی دیگر از مستحبات در هنگام طواف استلام حجر است. از آنجا که در اطراف حجرالاسود ازدحام بسیار زیادی است بسیاری از مردم توفیق استلام را پیدا نمی کنند اما

ص: 13

در موقع ظهور حضرت، ایشان دستور می دهند که حجرالاسود را خالی بگذارند برای کسانی که طواف واجب دارند. این مطالب بدین معناست که جزئیات بسیاری وجود دارد که تنها در حکومت مهدی علیه السلام اجرا می شود.

- « اذ قام المهدی حکم بالعدل وارتفع فی ایامه الجور » (1)

« هنگامی که مهدی علیه السلام قیام نماید به عدالت حکم می کند و ظلم برداشته می شود ».

یعنی دیگر اثری از ظلم زیر آسمان پیدا نمی شود؛ در هیچ خانه کسی به همسرش ظلم نمی کند؛ در هیچ کارخانه ای، کارفرمایی به کارگرش ظلم نمی کند؛ احدی در امر شراکت به شریکش ظلم نمی کند؛ یعنی ظلم های فردی هم از روی زمین رخت برمی بندد.

اگر کسی نویدهایی که در انجیل و تورات است ببیند، خواهد دید که صدها بار این جمله آمده است که: شرّ یافت نمی شود، در جای آن می نگری و آن را نمی بینی. یعنی آنقدر جهان پر از عدل می شود که هیچ نشانی از ظلم، جهل، فقر، تبعیض و... یافت نمی شود.

در ادعیه فراوانی بدین نکات اشاره شده است، مثلاً در دعایی که در دوران غیبت آمده است می فرمایند:

« لایبقی حق الا ظهر، لا عدل الا زهر » (2)

« هیچ حقی نمی ماند جز اینکه آشکار می شود و هیچ عدالتی

ص: 14

1.-

2.-

نمی ماند جز اینکه شکوفا می شود» .

یعنی تمام اقسام حق و تمام اقسام عدالت ، خود را در عالم نمایان می سازد .

در زیارت آل یس می خوانیم :

« السلام علی المهدي المنتظر والعدل المشتھر »

« سلام بر مهدی که جهان او را انتظار می کشد و آن عدالتی که شهره جهان می شود » .

یعنی عدالت حضرت در تمام جهان جاری می شود .

همچنین در دعای ندبه آمده است :

« این المنتظر لاقامة الامت والعوج »

« کجاست آن آقایی که تمام کجی های عالم را اصلاح کند » .

البته ما باید از این مطالب یک نتیجه اخلاقی - احکامی بگیریم . طبق جمله معروفی که می گویند : منتظر صالح ، باید خودش نیز صالح باشد ، اگر ما منتظر آقایی هستیم که تمام کجی ها را از عالم برمی دارد ، باید خودمان نیز سعی کنیم تمام کجی ها در اعمال ، رفتار و محیط خانواده یا محیط کار و زندگی خود اصلاح کنیم ، تا بتوانیم بگوئیم که در مسیر آن مولای منتظر هستیم . اگر این کار را انجام ندادیم نمی توانیم مدعی انتظار حضرت باشیم ، زیرا انتظار باید حتماً سازنده باشد و آثارش را نیز داشته باشد .

اما این که در سرتاسر دنیا جاری می شود طبعاً آثاری دارد . یکی از آثارش این است که برای اولین بار حکومتی بر سر کار می آید که همه دنیا از او راضی خواهد بود . در گذشته اینچنین حکومتی نبوده است ؛ حتی در

زمان علی علیه السلام نیز اینگونه نبوده که تمام دنیا راضی باشند ؛ حتی تمام آنها که در پایتخت بودند نیز راضی نبودند .

لذا به دلایل مختلف و مشکلات فراوان ، این حکومت هیچوقت فراهم نبوده است ؛ اما پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آنگونه می شود که : « یرضی بخلافته ساکن السماء و ساکن الارض » (1) یعنی برای خلافت ایشان هم آسمانی ها خوشنودند و هم زمینی ها .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مورد تعبیر ظریفی دارند و می فرمایند :

« لایبقی میت الا دخل علیه فرحة فی قبره » (2)

« هیچ مرده ای در قبر نمی ماند مگر اینکه در قبر به او شادی می رسد » .

عین این عبارت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز نقل شده است . یعنی نه تنها مردم روی زمین از خلافت حضرت مهدی علیه السلام خوشبختند ، بلکه به تمام مردگان نیز آثار شادی و شادمانی می رسد .

در ادامه می فرماید : « و هم یتزاورون فی قبورهم و یتباشرون بقیام المهدی علیه السلام » (3) یعنی مرده ها در قبر به زیارت همدیگر می روند و به قیام آقا بقیه الله همدیگر را بشارت می دهند و می گویند خوشا به حال زنده ها که آقا ظهور و قیام نموده است .

ص: 16

1- .

2- .

3- . همان .

در حدیثی دیگر آمده است که می فرماید: « ثم لادمَنَّ ملکه » خداوند می فرماید من سلطنت او را طولانی می گردانم؛ تا آنجا که مدت حکومت حضرت 309 سال خواهد بود آنهم با آن تعبیر که هر روزش به اندازه ده روز و هر سالش به اندازه ده سال برکت دارد.

شما عزیزان اگر به ده یا بیست سال قبل نظری بیفکنید به خاطر می آورید که در آن زمان ساعتها با امروز فرق داشت، با آنکه هر ساعت همان شصت دقیقه، و دقیقه همان شصت ثانیه است اما زمان هر روز بی برکت تر می شود. ولی در زمان ظهور حضرت بقیه الله، آنقدر عمر با برکت می شود که می فرماید: 309 سال حکومت ایشان به جای 3090 سال است. این طولانی بودن حکومت از آثار عدالت است.

سپس در ادامه حدیث می فرماید: « ولاداولنَّ بین اولیائی الی یوم القیامة »⁽¹⁾ یعنی نه تنها ملک او را طولانی می گردانم بلکه این حکومت را بین دوستان خودم تا روز قیامت قرار می دهم.

- « تصطلح فی ملکه السباع »⁽²⁾

« در سلطنت و دوران فرمانروایی او درندگان با یکدیگر آشتی می کنند ».

این مضمون در صدها حدیث آمده است و جالب تر اینکه در بسیاری از کتب آسمانی نیز بر آن تصریح شده است که تنها به یک مورد اشاره می کنیم:

ص: 17

-1.

-2. طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 291.

« مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد ؛ برای مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد ؛ گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله پرواری و شیر با هم ، و طفل کوچک آن ها را خواهد راند ... در تمام کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد ؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد . » (1)

برای ما این مطلب نامفهوم است که روزی پلنگان خوی پلنگی را رها کنند اما احادیثی داریم که این معنا را برای ما توضیح می دهد .

معروف است که در دوران ولایت امام رضا علیه السلام زنی پیدا شد که مدعی شد زینب کبری است . همین داستان در زمان امام هادی علیه السلام نیز اتفاق افتاده بدینصورت که زنی به متوکل رجوع کرد و ادعا نمود که زینب کبری است . متوکل از امام هادی علیه السلام در این مورد پرسش نمود . ایشان فرمودند کسانی که از بطن فاطمه زهرا علیها السلام متولد شدند یعنی زینب و حسنین ، گوشت آنها بر حیوانات درنده حرام است . اگر او راست می گوید او را در برکة السباع بیندازید ، که در اصطلاح امروز باغ وحش گفته می شود .

این زینب که در تاریخ به زینب کذابه معروف شده است گفت که اگر ایشان راست می گوید خودش در آنجا وارد شود . متوکل نیز چون راهی برای ایدای حضرت به دست آورد از این قضیه خوشحال شد . امام علیه السلام فرمودند ایرادی ندارد و سپس برای ورود به آن محل - که پائین تر از سطح

ص: 18

زمین بود - نردبانی قرار دادند . امام علیه السلام به آنجا وارد شد و تمام حیوانات دور حضرت حلقه زدند به طوری که همگان درک نمودند که این حلقه زدن و نشستن از روی تعظیم و تکریم است و نه اینکه با ایشان کاری نداشته باشند . وقتی حضرت بیرون آمدند زینب را به آنجا وارد کردند اما قبل از اینکه پایش به زمین برسد درندگان او را تکه تکه نمودند .

این داستان چون در حضور متوکل انجام شد ، در تمام تواریخ شیعه و سنی نوشته شده است . و با توجه به این داستان و دیگر مواردی که در طول تاریخ ثبت شده است - اگر از علوم جدید و مطالب کشف شده در مورد فهم و شعور حیوانات بگذریم - همگی مؤید حدیث فوق خواهند بود .

پس به همین صورت که خدای منان امکان دارد که غرایزی که در نهاد حیوانات قرار داده به دلایلی از آنها بگیرد ، به همین دلایل هم در زمان بقیه الله طمع ، حرص ، حسد و کینه را که در نهاد انسانها قرار داده ، از آنها می گیرد ، تا اینکه جهان روی خوشی ببیند .

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

« لو قد کان ذلک کنا نحن و انتم فی العدل سوی »⁽¹⁾

« وقتی حضرت ظهور کند ما و شما در مقابل عدل او مساوی هستیم » .

یعنی این عدالت مخصوص شیعیان و اهل بیت نیست بلکه شامل همه فرقه ها و تیره ها و همه نوع بشر خواهد بود .

ص: 19

در مورد عدالت تعبیرات فراوان دیگری وجود دارد که از آنها می‌گذریم و فقط به یک مورد آن اشاره می‌کنیم که آن عدالت قاضی است .

عدالت قاضی خیلی مهمتر از عدالت یک امام جماعت است ، حتی از عدالت مرجع تقلید که با قلم او همه چیز دگرگون می‌شود . نیز مهمتر است لذا عدالتی که از قاضی خواسته شده است این است که مساوات را بین دو طرف مرافعه رعایت کند ، در حدی که هیچ یک را بر دیگری برتری ندهد ، حتی در نگاه کردن .

قاضی حق ندارد مترافعین را در محل‌هایی بنشانند که حق اعتباری دارد مثلاً یکی را در سمت راست خود و دیگری را در سمت چپ ؛ مبادا کسی بر کسی مقدم شود .

قاضی حق ندارد یکی را با نام و دیگری را با نام فامیلی بخواند . در زمان علی علیه السلام معروف است که ایشان با یک یهودی به جهت اختلافی نزد شریح قاضی رفتند . شریح علی علیه السلام را با کنیه اباالحسن - که در حکم نام فامیلی و اعتبارش بیشتر بوده است - خواند ، ولی آن یهودی را با نام صدا زد . حضرت غضبناک شد و فرمود شما حق قضاوت ندارید زیرا او را با نام و مرا به کنیه خواندید .

قاضی نباید هیچکدام از طرفین مرافعه را به عنوان نفر اول که سخن بگوید تعیین کند چرا که معمولاً آن کسی که آغاز به سخن می‌کند از دیگری پیشتر می‌افتد . بلکه باید سرش را پائین بیندازد تا هر کدام خواستند سخن را آغاز کنند .

عدالت اسلام تا این اندازه موشکافانه و ظریف و باید بسیار آگاهانه

باشد . حدیثی داریم که می فرماید : قاضی ها چهار دسته اند که سه دسته آنها در آتش اند :

- آن قاضی که حکم کند به ظلم به صورت آگاهانه .

- آن قاضی که حکم کند به ظلم به صورت ناآگاهانه .

- آن قاضی که حکم کند به عدل به صورت ناآگاهانه یعنی قدرت تشخیص نداشته باشد و تصادفی به عدالت داوری کرده باشد .

- اما آن قاضی که از روی آگاهی به عدل حکم کند جایش در بهشت است .

پایان جلسه اول

ص: 21

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلوة والسلام على اشرف انبيائه وفضل سفرائه وعلى آله الهداة المهديين

وبعد قال عليه السلام: « يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا »

در جلسه گذشته مقدمه ای درباره عدالت ، و احادیثی نیز در مورد عدل مهدوی ، خدمت عزیزان تقدیم نمودیم . امروز با اشاره کوتاهی به مطالب گذشته وارد بحث شبهات عدل مهدوی می شویم .

همه می دانیم که عدالت در انسان فطری است یعنی همان گونه که ایمان به خدا و اراده و میل برای رفتن به سوی کمال ، در انسان فطری است عدالت نیز در انسان فطری است ؛ یعنی انسان با فطرت خود تشنه عدالت است و عدالت یک قانون فراگیر است . لذا از یک بُعد و زاویه خاص نیست بلکه

تمام زندگی انسان را دربردارد، هم زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی .

عدالت اجتماعی یک مسئله بسیار گسترده است که همه ابعاد روحی، جسمی، اقتصادی، سیاسی و جهات مختلف جامعه بشری را دربردارد؛ اما با کمال تأسف از آغاز خلقت بشر این عدالت بر روی زمین اجرا نشده است، بلکه به طوری که ملائکه پیش بینی کردند و گفتند: خدایا « أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ »⁽¹⁾ « آیا می خواهی انسانی بر روی زمین بیافرینی که زمین را به فساد بکشد و خون بر آن جاری سازد؟ » این پیش بینی واقع شد و تا آدم بر روی زمین آمد قبیله پسر آدم، برادرش هابیل را کشت و اولین خون به ناحق، بر زمین ریخته شد؛ و این تقابل حق و باطل در تمام دوران ها ادامه یافت، و با کمال تأسف این تقابل در تمام قبایل و انسانهای طول تاریخ ادامه داشت و هر روز هم از روز قبل گسترده تر شد .

اگر در محدوده خاصی مثل زمان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز عدالتی بر روی زمین برپا شده است با توجه به محدودیت زمانی - که تنها 5 سال بود - و با توجه به محدودیت مکانی - که مرکزش کوفه بود - این اجرای عدالت در مقابل تمام اعصار و جهان هستی سهم ناچیزی است و به حساب نمی آید . پس اگر تعبیر کنیم که از زمان آدم ابوالبشر تا اکنون همه جا پر از ظلم و فساد بوده است، تعبیر درستی است، و یک محدوده خاص زمانی و مکانی حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایجاب نمی کند که آن را استثنا کنیم چرا که در مقابل خون های ریخته شده و ظلم های انجام شده در طول تاریخ بسیار

ص: 23

حال آنکه این همه پیامبران طبق فرمایش قرآن کریم برای این آمده اند که : « لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ »⁽¹⁾ یعنی مردم زندگی خود را بر اساس قسط و عدالت بنا سازند و اینکه قوام و استخوان بندی زندگی بشر بر اساس قسط و عدالت باشد . آیا این هدف در طول زمان تأمین شده است ؟ خیر . آیا این هدف در زمان حکومت علی علیه السلام تأمین شده است ؟ خیر . زیرا هنوز حرص و آز و طمع و دیگر رذایل اخلاقی در میان مردم ، حتی اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام هم بود ، بجز افراد اندک . لذا رسالت پیامبران و هدف خداوند متعال در فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی واقع نشده و واقع نخواهد شد تا روزی که وجود اقدس آقا بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور فرماید .

آنگاه که حضرت ظهور فرماید عدالت به معنای کامل آن و به تعبیری که هنوز در فهم واقعی ما نیست به اجرا در خواهد آمد .

دیشب یک جمله را در مورد حیوانات اشاره کردیم که امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید : « تصطَلح فی ملکه السباع »⁽²⁾ حیوانات درنده در حکومت حضرت مهدی علیه السلام با هم آشتی می کنند . این تعبیر را فقط می خوانیم و مطرح می نمائیم اما اینکه چگونه این شرایط پیش می آید ، برای ما قابل فهم نیست .

تشخیص و برداشت ما نسبت به اینگونه موارد در حکومت آقا بقیه الله علیه السلام دقیقاً همانند برداشت یک جنین در شکم مادر نسبت به این

ص: 24

1- . حدید ، 25 .

2- . طبرسی ، احتجاج ، ج 2 ، ص 291 .

دنیاست . یعنی اگر به جنین بگویند که خارج از این محیط ؛ دنیایی وجود دارد با برق و خیابان و این همه امکانات و رفاه ؛ برای او قابل فهم نیست . مثل ما هم اینگونه است چون هیچ وقت در دنیا حکومتی شبیه به این حکومت وجود نداشته است . حکومتها با هم متفاوت بوده اند ولی با اختلاف اندک ، نه صددرصد مخالف . لذا درک و فهم حکومتی که حضرت بقیه الله در زمین برقرار می کند برای ما آسان نیست . از جمله همین تعبیر امام حسن مجتبی علیه السلام که لازم است اندکی در مورد آن توضیح دهیم .

همانطور که دیشب هم بیان شد این مسئله در کتب آسمانی گذشتگان نیز مطرح شده است ، مثلاً در تورات آمده است :

« گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و ... »⁽¹⁾

این مطالب برای ما قابل فهم نیست که چگونه گرگ با بره سکونت می کند و یا پلنگ با بزغاله . البته شبیه به این عبارت در کتب دیگر آسمانی و یا در بخشهای دیگر انجیل و تورات آمده است .

در کلام قدسی پروردگار خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که در زمان حکومت فرزند دوازدهم تو :

« امنیت و آسایش را در روی زمین حکم فرما می کنم ؛ چیزی به چیزی صدمه نمی زند ؛ چیزی از چیزی نمی ترسد ؛ حشرات و حیوانات به

ص: 25

1- . عهد عتیق ، کتاب اشعیای نبی ، فصل 11 ، بندهای 1 - 10 .

مردمان و یکدیگر آسیب نمی رسانند» (1).

امام رضا علیه السلام فرمودند: « لا يُظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا » احدی به احدی ظلم نمی کند . این بدین معناست که نه تنها کارگزاران و فرمانروایان حکومتی بر کسی ظلم نمی کنند بلکه هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند ؛ و این بیان بسیار جامعی است که همه طبقات جامعه را در بر می گیرد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در بیان اوضاع ظهور حضرت بقیه الله حدیثی هست که می فرماید اگر زنی از حجاز راه بیفتد و تنهایی تا عراق برود احدی متعرض او نمی شود و او از چیزی خوف ندارد . یعنی در آن زمان نه تنها اینگونه مسافرت ها مشکلی ندارد بلکه ترس از مشکل هم برای احدی وجود ندارد ، و امنیت در حد اعلای خود وجود دارد ؛ آن هم در کشوری که به وسعت همه جهان است ، با یک قانون اساسی که قرآن است و یک فرمانروا که بقیه الله است .

ابن عباس نقل می کند :

« لا ینتطح فیه عنزان جماء وذات قرن » (2)

« در عهد ظهور حضرت بز شاخ دار ، بز بی شاخ را شاخ نمی زند » .

یعنی تایید همان مبحث آشتی حیوانات ، که اگر حیوانی وسیله ظلم و آزار دارد از آن وسیله برای ایدای دیگران استفاده نمی کند و طرف مقابلش را مورد ظلم قرار نمی دهد.

ص: 26

1- . سعد السعود ، ص 34 .

2- . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص 266 ، ح 1054 .

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

« حتی لایری اثر من الظلم »⁽¹⁾

« تا جایی که نشانی از ظلم دیده نشود » .

همچنین دیشب این حدیث شریف را خواندیم که امام صادق علیه السلام فرمودند :

« اما واللّه لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر »⁽²⁾

« به خدا سوگند عدالت آقا بقیه الله به داخل خانه هایشان می رسد همانگونه که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند » .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان ظریفی دارند و می فرمایند : آقا بقیه الله فرماندهان لشکری و کشوری خودش را به تمام نقاط عالم می فرستد و عدالت را آنگونه برقرار می کند که هرگز گرگی به گوسفندی لطمه نمی زند .⁽³⁾

در مورد این مطلب سؤال شده بود که اینها پس چگونه تغذیه می کنند؟ پاسخش این است که آیا مگر قرار است اینها همیشه از همدیگر تأمین معاش کنند؛ بلکه ممکن است برای اینها غذایی فراهم شود طوری که اصلاً نیازی نباشد که به یکدیگر لطمه بزنند .

در ادامه علی علیه السلام می فرماید : آنگونه عدالت او در جهان جاری می شود

ص: 27

1- . تفسیر مجمع البیان ، ج 7 ، ص 88 .

2- . نعمانی ، الغیبة ، ص 297 .

3- . عقد الدرر ، ص 159 .

که گرگ و گوسفند در کنار هم ، و کودکان در کوچه و بازار با مار و عقرب بازی می کنند .(1)

هم اکنون گاهی اوقات در برنامه های سیما افرادی نشان داده می شوند که مدتها با عقربها یا مارها در یک فضای بسته زندگی می کنند . این سخن را دلیل مشابهت نمی گذاریم بلکه می خواهیم درک کنیم که این امر امکان پذیر است . در واقع این موارد به ما کمک می کند که تعبیرات موجود در احادیث را بهتر بفهمیم .

به عنوان نمونه در احادیثی آمده است که وقتی حضرت در شرق عالم سخن می گوید ، سخنان او را در غرب عالم می شنوند ، و یا وقتی در شرق سخن می گوید ، در غرب عالم او را می بینند ؛ در گذشته ممکن بود این موارد توجیه پذیر نباشد ولی هم اکنون با پیشرفت امکانات رادیو و تلویزیون و موبایل این تعبیرات توجیه پیدا کرده است .

اینها بدین معنا نیست که حضرت از این ادوات استفاده می کند بلکه آنچه از تعبیرات معصومین برداشت می شود این است که آن حضرت نیازی به این ابزار نخواهد داشت و بدون این ابزار ، ایشان شرق و غرب عالم را خواهد دید ، و شرق و غرب عالم ایشان را خواهند دید .

مرحوم آیت الله میرجهانی در حدود بیست و پنج سال قبل یعنی سال 1400 ه . ق . فرمودند دو نفر در تهران خدمت ایشان آمدند و گفتند که ما از اولاد امام زمان علیه السلام هستیم . ایشان قریب دهها بار این مطلب را برای ما

ص: 28

فرمودند که آنها دستگاهی کوچک در اختیار داشتند که تصویری در آن دیده می شد و اینها با او حرف می زدند . ایشان فرمودند که تا چشم من به تصویر آن آقایی که در آن دستگاه دیده می شد افتاد او به من سلام کرد و من نیز به او سلام کردم ؛ و اینها گفتند که همچنان که شما تصویر او را در دستگاه می بینید او هم شما را می بیند .

با توجه به اینکه در آن زمان موبایل در ایران نبوده است ، مخصوصاً موبایل تصویری که ظاهراً در دنیا نبوده است این مطلب را توجیه می کند که آن افرادی که خود را اولاد حضرت معرفی کرده بودند پیشرفت هایی کرده بودند از جمله ابزار و ادواتی که به دست ما نرسیده بود . اینها به عنوان مثال عرض می شود اما یقیناً حضرت با دانش برتر می آیند و لذا ظاهراً نیازی به این ابزار و ادوات نخواهند داشت ؛ البته این مطلب از احادیث صادر از معصومین برداشت می شود و الا قطع به یقین نیست .

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه « اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا » (1) فرمودند :

« يحييها الله بعدل القائم عند ظهوره ، بعد موتها بجور ائمة الضلال »

« خداوند زمین را با عدل حضرت قائم علیه السلام زنده می کند به هنگام ظهورش ، پس از آنکه با جور و ستم زمامداران گمراه ، مرده باشد » .

ص: 29

در مقابل این احادیث و حدیثی که دیشب عرض کردم که مضمونش 148 بار در کتب روایی آمده است که از جمله فرمودند :

« يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا »

و یا

« يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا »

احادیثی وجود دارند که جعل شده اند ، و این احادیث مجعول در میان کتابهای ما راه یافته و در اذهان نیز جا گرفته است تا آنجا که شبهاتی را نیز در مورد عدل مهدوی ایجاد کرده است .

امشب دو مورد از این احادیث را بررسی می کنیم . این دو مورد از شخصی به نام محمد بن علی کوفی جعل شده است . کنیه این شخص ابوسمینه ، و ساکن کوفه بوده است . او آنقدر دروغگو بود که در کوفه کسی به او اعتنا نمی کرد . لذا از کوفه خارج شد و در قم در منزل احمد بن محمد بن عیسی اشعری وارد شد و به جعل احادیث دروغی پرداخت .

وقتی که میزبانش از این دروغگویی به نام ائمه علیهم السلام باخبر شد او را از شهر قم بیرون کرد . اگر چه بیش از هزار سال است که از این شهر بیرون شده است اما سخنان جعلی او در کتابها باقی مانده است .

برای اینکه مستند سخن بگوئیم ، از نجاشی که مقدم علمای رجال شیعه است نقل می کنیم که او گفته است که این محمد بن علی کوفی ضعیف العقیده و فاضل الایمان است و در چیزی به او اعتماد نمی شود . سپس داستان دروغگویی اش در کوفه و ورودش به قم و اخراجش توسط احمد بن محمد

بن عیسی اشعری را نیز نقل می نماید .

رجال شیخ طوسی بعد از رجال نجاشی از کتب معتبر رجالی است . شیخ طوسی بیان می کند که محمد بن علی کوفی غالی بود یعنی در حرفها و اعتقاداتش غلو می کرد ، و تدلیس می کرد یعنی راست و دروغ را به هم می بافت و مطالب را به گونه ای دیگر برای مردم عرضه می کرد .

مرحوم کشی نیز می گوید که این شخص حرفهایش اعتبار نداشت چون غلو می کرد . یکی دیگر از اشخاصی که در مورد محمد بن علی کوفی سخن گفته فضل بن شاذان است . این شخص کسی بوده که امام رضا علیه السلام ، امام جواد علیه السلام ، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام را درک کرده است یعنی از چهار معصوم بدون واسطه سخن نقل کرده است .

مقام او آنقدر والا است که امام عسکری علیه السلام در حق او فرموده اند :

« انی اغطبت اهل خراسان لمکان فضل بن شاذان فیهم »⁽¹⁾

« من به اهل خراسان به خاطر حضوری مردی مانند فضل بن شاذان در بین آنها غبطه می خورم » .

کشی نقل می کند که فضل بن شاذان گفته است : « كَيْتُ أَقْنْتُ عَلِيَّه » یعنی کار به جایی رسیده که نزدیک است من در قنوت نماز محمد بن علی کوفی را نفرین کنم .

محمد بن علی کوفی برای تأیید دروغهایش ، احادیثش را به بزرگان نیز نسبت می داد مثلاً در یک مورد می گوید که زُراه از امام باقر علیه السلام پرسید که

ص: 31

1- . کشی ، رجال .

آیا حضرت بقیه الله همان سیره و روش رسول الله را پیش می گیرد؟ فرمودند: نه، «سار رسول الله بالمن» یعنی رسول خدا در بین مردم با نرمش، مسالمت و عنایت رفتار می کرد، برای اینکه: «یتألف الناس» یعنی مردم را جذب کند و بین آنها الفت و دوستی برقرار کند، اما مهدی علیه السلام «یسیر بالقتل» یعنی نعوذ بالله امام زمان علیه السلام با شمشیر و با قتل و کشتار پیش می رود و «بذلك أمر کتاب الذی معه» در آن کتابی که نزد اوست و مأمور به آن است اینگونه نوشته شده است، «ولا یتیتب أحداً» توبه کسی را هم قبول نمی کند؛ «ویل لمن ناواه» وای بر کسی که با او دشمنی کند. این یک نمونه از احادیث محمد بن علی کوفی است که با سلسله سند از زراره و از امام باقر علیه السلام نقل می کند.

البته این حدیث از آنجا که گوینده اش به عنوان دروغگو در تاریخ ثبت شده است از لحاظ سند ضعیف است، اما بجز ضعف سند، مشکلات دیگری نیز دارد.

1 - این حدیث جعلی، با دهها حدیث دیگر که می فرماید: «یسیر بسیره جده» حضرت مهدی دقیقاً به شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عمل می کند، کاملاً تضاد دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: سیره او همان سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت مهدی علیه السلام همان راه را می رود که

ص: 32

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 154.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رفته است. (1)

امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید: او مهدی است یعنی هدایت شده است با سنت پیامبر، و پیروی می کند از سنت ایشان.

در روایات داریم که وقتی آقا بقیه الله با مردم بیعت می کند می فرماید که من با شما بیعت می کنم که در میان شما همان سیره و سنت پیامبر را انجام بدهم. (2)

با توجه به این سه حدیث و احادیث مشابه دیگر، هرگز راهی برای پذیرش سخن محمد بن علی کوفی باقی نمی ماند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی می فرماید: «یسیر بسیرتی» (3) یعنی امام زمان دقیقاً به سیره من رفتار می کند.

و یا در حدیث دیگری می فرماید:

«خُلِقَ خُلُقِي وَ خَلَقَ خُلُقِي» (4)

«خلق و خوی او همچون خلق و خوی من و چهره او مثل چهره من است».

در حدیث دیگری نیز فرمودند:

«يُقَاتِلُ عَلِيٌّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ الْوَحْيَ» (5)

ص: 33

1- . نعمانی، الغيبة، ص 231، ح 13 .

2- . شیخ مفید، ارشاد، ج 2، ص 382 .

3- .

4- . کمال الدین، ج 2، ص 411 .

5- . عقد الدرر، ص 17 .

« او مانند سنت من قتال می کند همانگونه که من مطابق وحی الهی قتال نمودم » .

در حدیث دیگری می فرماید :

« یقفوا اثری و لا یخطی » [\(1\)](#)

« او قدم در جای پای من می گذارد و هرگز از آن خطا نمی کند » .

این احادیث نمونه هایی است که بیان می دارد راه بقیه الله همان راه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است .

امام زمان علیه السلام بعد از ظهور ، در بین رکن و مقام می ایستد و می فرماید : « هر کس با سنت پیامبر با من مواجه کند ، من از هر کسی در اجرای سنت پیامبر شایسته تر هستم » . [\(2\)](#)

پس تمامی این روایات که نمونه وار نقل شد ، روایت محمد بن علی کوفی را نفی می کند .

2 - روایات فراوانی آمده است که حضرت بقیه الله علیه السلام شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است ، که به عنوان نمونه چند حدیث را نقل می نمائیم ؛

« المهدی من ولدی ، اسمه اسمی ، کنیه کنیتی ، شبه الناس بی خَلْقًا و خُلُقًا » [\(3\)](#)

« مهدی علیه السلام از فرزندان من ، همنام من ، هم کنیه من است و او در

ص: 34

1- . فتوحات مکیه ، ج 3 ، ص 332 .

2- . منتخب الاثر ، ج 3 ، ص 12 .

3- . کمال الدین ، ج 1 ، ص 286 .

خلقت و سیرت شبیه ترین مردان به من است» .

ما فرموده خداوند در مورد رسول الله را می دانیم که می فرماید :

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ »

« بخاطر رحمت خدا برای مردم مهربان شدی ، و اگر تندخو و سختگیر بودی از اطراف تو پراکنده می شدند » .

این شخص اینگونه می گوید که پیامبر در صدد جمع کردن و اتحاد مردم بود ولی امام زمان علیه السلام اینگونه نیست . آیا چنین چیزی ممکن است که امام زمان هدفش طرد مردم باشد ؟ آیا هیچ عاقلی این معنا را می پذیرد ؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بعد از تحمل آن همه جنایات که مردم مکه در حق ایشان انجام دادند وقتی وارد مکه شدند فرمودند : هر کس در خانه خود را ببندد در امان است ؛ هر کس بدون اسلحه از خانه بیرون بیاید در امان است ؛ هر کس به خانه خدا بیاید در امان است . آنگونه که در فتح مکه قطره ای خون بر زمین ریخته نشد . این در حالی بود که پیامبر با ده هزار فرد مسلح به شهری وارد شد که آن همه او را آزار دادند ، و به این هم اکتفا نکردند و تا مدینه بدنبال حضرت برای نبرد با ایشان رفتند . اکنون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قدرت یافته و شهر مکه را تسخیر کرده است و مردم در مقابل ایشان ایستاده و مردم از ترس بر خود می لرزند .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : از من چه انتظاری دارید گفتند : آخ کریم وابن اخ کریم ، تو آقا و از تبار آقایان هستی . وَقَدْ قَدَّرْتَ امروز قدرت دست

شماست هر کاری می خواهی انجام بده . فرمود : بروید که همه در راه خدا آزادید . من به شما چیزی نمی گویم مگر آن سخنی که یوسف به برادران خطا کارش فرمود : « لا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ » (1) « امروز هیچ مشکلی برای شما نیست » .

در این اثنا حضرت شنیدند که یک کسی ندا در داد « الیوم یوم الملحمة » امروز روز انتقام است ، ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام دستور داد که داد بزن و بگو « الیوم یوم المرحمة » امروز روز رحمت و محبت است .

این سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است و طبق احادیثی که نقل کردیم به این نتیجه می رسیم که حضرت مهدی علیه السلام نیز به سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عمل می کند .

و باز متذکر می شویم که این حدیث جعلی محمد بن علی کوفی معارض است با حدیثی که می فرماید : « یسیر بسیرة علی » یعنی دقیقاً راه و روش امیرالمؤمنین را اجرا می کند . و یا در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند : که آقا بقیه الله پیراهن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می پوشد و سیره ایشان را می پوید . (2) همچنین در حدیث دیگری فرمودند : اگر روزی قدرت به دست ما برسد راه و روش ما همان روش امیرالمؤمنین علی علیه السلام است . (3)

علی علیه السلام فرمودند : « هنگامی که فرزندم مهدی علیه السلام ظهور کند راه مرا طی می کند و عدالت در حکومت را به مردم نشان می دهد . (4) همچنین در

ص: 36

1- . یوسف ، 92 .

2- . کافی ، ج 6 ، ص 444 .

3- . راوندی ، دعوات ، ص 296 .

4- . نهج البلاغه ، خطبه 138 .

ادامه فرمودند که او سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را که زمامداران آن را میرانده اند دوباره زنده می کند. (1)

سیره علی علیه السلام برای بسیاری از مردم روشن است آنجا که وقتی قاتل او یعنی ابن ملجم حضور داشت، به هنگامی که شیر برای حضرت آوردند فرمود: ابتدا بدهید او بخورد، چرا که او اسیر شماست. در لحظه آخر نیز فرمودند: اگر من زنده ماندم او را عفو می کنم، اما اگر از دنیا رفتم اگر او را عفو کنید بهتر است و الا در هنگام قصاص چون او تنها یک ضربه به من زده است شما هم یک ضربه بیشتر به او زنید.

در قوانین تمام کشورهای پیشرفته در اینگونه موارد، کمیّت مطرح است یعنی مثلاً در مقابل یک نفر باید تنها یک نفر کشته شود اما هیچ کجا کیفیت مطرح نیست؛ یعنی اگر کسی به کسی یک گلوله زده، حق ندارند دو گلوله به او بزنند؛ و تنها کسی که کیفیت در قصاص را مطرح نموده علی علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علیه السلام جمله معروفی دارند که در طبقات ابن سعد آمده است و می گوید وقتی که امیرالمؤمنین علیه السلام تمامی وصایا را فرمودند راجع به ابن ملجم اختصاص فرمودند: «اطیبوا طعامه و الینوا فراشه» (2) به او غذای پاکیزه بدهید و برای او رختخواب نرم پهن کنید. این موارد از معجزات اخلاقی علی علیه السلام است.

حال اینگونه بیندیشیم آیا کسی که سیره او سیره علی علیه السلام و عدالت او عدالت علی علیه السلام است می تواند شیوه قتل و کشت و کشتار را در پیش بگیرد.

ص: 37

1- . همان .

2- .

3 - حدیثی که محمد بن علی کوفی نقل کرده ، معارض است با احادیث فراوانی که در ذیل آیه « وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ » (1) برای شما در وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم الگویی زیبایی هست .

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای ما الگویی حسنه است به طریق اولی برای حضرت بقیه الله نیز الگو خواهد بود . بنابراین احادیثی که بیانگر اجرای شیوه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است مؤید همین مطلب است که در آیه شریفه آمده است ، و ایشان در همه امور به سیرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عمل می کند و یقیناً از هر سخنی غیر از آن به دور است .

امشب تنها یک حدیث جعلی و شبهه موجود در آن را مطرح نمودیم ان شاء الله در شبهای بعد احادیث دیگری را نیز بررسی خواهیم نمود .

ص: 38

1- . احزاب ، 21 .

پرسش : اگر حضرت تشریف آوردند و همه ایشان را پذیرفتند پس این آیه شریفه چگونه معنا می شود که : « يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا »

پاسخ : این آیه یقیناً در مورد ظهور حضرت نیست . در احادیث فراوان در ذیل این آیه آمده است : هر زمان که خورشید از غرب طلوع کند ، دیگر توبه کسی که تا آن روز توبه نکرده باشد پذیرفته نمی شود ؛ و این طبق احادیث ، چهل روز قبل از قیامت است . حال آنکه زمان ظهور حضرت هزاران سال با قیامت فاصله دارد ؛ زیرا بعد از حکومت امام زمان علیه السلام ، دوران رجعت و حکومت پنجاه هزار ساله امام حسین علیه السلام و سپس حکومت چهل و چهار هزار ساله علی علیه السلام خواهد بود .

پرسش : به چه دلیل حضرت از امکانات علمی استفاده نمی کند ؟

پاسخ : در احادیثی آمده است که علمی که در بین مردم وجود دارد دو حرف هست ، و با ظهور حضرت ، ایشان بیست و پنج حرف به آن اضافه می کند ؛ به تعبیر دیگر ایشان علم را 1250 درصد اضافه می کند . بدیهی است زمانی که دانش بالا می رود طبعاً به ابزار و ادوات موجود نیاز پیدا نمی کند . البته ما گفتیم که از احادیث اینگونه بر می آید ، و ما قطع به یقین این مطلب را نمی گوئیم .

پرسش : در زمان حکومت علی علیه السلام خیلی ها بوده اند که راضی از زندگی خود نبودند چگونه می شود که در زمان حضرت بقیه الله راضی

خواهند شد؟

پاسخ: در ضمن مطالب عرض شد که صفات رذیله در زمان حکومت علی علیه السلام در نهاد مردم بود ولی وقتی حضرت تشریف می آورند طبق احادیث وارده، عقلها کامل می شود، انسانها به معنای واقعی انسان می شوند، کینه و حيله از مردم دور می شود و دیگر کسی نیاز پیدا نمی کند که علیه کسی اقدامی کند یا کینه کسی را در دل داشته باشد.

تمام مشکلات ما به دلیل کمبودهایی است که داریم، ولی وقتی کمبودی نباشد زمینه صفات رذیله نیز از بین خواهد رفت.

پرسش: آیا در زمان زندگی محمد بن علی کوفی هیچ یک از ائمه علیهم السلام نبودند که با او مقابله کنند؟

پاسخ: بله در زمان ائمه علیهم السلام بود. ایشان در مدینه بودند و سپس تشریف بردند در سامرا. هنگامی که امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا بودند، او در کوفه و قم مشغول دروغگویی بود. از طرفی امام حسن عسکری علیه السلام تحت نظر حکومت بود لذا آنقدر آزادی نبود که در مورد او پیامی بفرستد. البته این احتمال هم هست که حضرت پیامهایی نیز فرستاده باشد اما به دست ما نرسیده است.

ما یقین داریم که دهها و بلکه صدها هزار حدیث در کتابخانه هایی که عمراً سوزانده شده اند از بین رفته است. مثلاً وقتی کتابخانه شیخ طوسی را در بغداد آتش زدند حدود 80 هزار کتاب از بین رفت که همه آنها نسخه خطی بوده است؛ یعنی کتابهایی که به علت عدم امکانات چاپ، تک

ص: 40

نسخه بوده اند . لذا چه بسا اگر امکان ارسال پیامی هم بوده باشد ممکن است که آن پیامها از بین رفته باشد . اما وقتی کسی مثل فضل بن شاذان که معاصر امام حسن عسکری علیه السلام بوده ، نسبت به او آنگونه که عرض کردم به صراحت سخن می گوید مطلب برای ما روشن می شود .

پایان جلسه دوم

ص: 41

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم
على اعدائهم اجمعين

شب گذشته در مورد یکی از افراد دروغ پرداز به نام محمد بن علی کوفی ، مکنی به ابوسمینه مطالبی را گفتیم ، که نجاشی مقدم علمای
رجال شیعه در مورد او گفته است که کذاب است و در هیچ چیز به او اعتماد نمی شود کرد . همچنین شیخ طوسی گفته است که او
ضعیف است و مطالبی را مطرح نموده که هیچ کس غیر از او آن را نقل نکرده است ؛ یعنی شخصاً جعل کرده است ، نه اینکه از
مجموعات دیگران استفاده کرده باشد . همچنین به نقل از فضل بن شاذان گفتیم که ایشان فرمودند : نزدیک است که در قنوتهای نماز او را
لعن و نفرین کنم .

ص: 42

دیشب یک حدیث که محمّد بن علی کوفی نقل کرده است بررسی کردیم . حدیث دیگری که از او در کتابها آمده و مشهور شده است و متأسفانه در فرهنگ ما هم وارد شده است این است که او به دروغ از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند علی علیه السلام فرموده است :

« كان لي ان اقتل المؤمني وأجهز علي الجريح ولكنني تركت ذلك العاقبة من اصحابي ان جرحوا لم يقتلوا وللمهدي له ان يقتل المؤمني و يُجهز علي الجريح » (1)

من حق داشتم که هر کس از میدان جنگ بگریزد دنبالش بروم و او را بکشم و اینکه زخمی ها را بکشم .

اما این کار را به خاطر عاقبت آن انجام ندادم ، نکند که در جنگهای آینده ، وقتی که اصحاب من زخمی و فراری شوند ، به خاطر این عمل من آنها نیز کشته شوند ؛ لذا برای رعایت حال آنها زخمی ها و فراری ها را نکشتم .

ولی حضرت مهدی علیه السلام این حق را دارد که فراری را دنبال کند و زخمی ها را بکشد .

در این حدیث تعبیر « حق » است یعنی حق دارد که این کار را انجام دهد اما در احادیث دیگری که همین محمّد بن علی کوفی نقل کرده است می گوید : « يَقْتُلُ الْمُؤْمِنِي » یعنی کسی را که فرار کرده می کشد « وَيُجْهِزُ عَلَي الْجَرِيحِ » زخمی ها را می کشد ؛ به تعبیر ما تیر خلاص می زند . اجهاز یعنی کشتن یک زخمی که اگر رها شود ممکن است بمیرد و یا زنده بماند .

ص: 43

این حدیث طبق بررسی انجام شده در مورد محمد بن علی کوفی، دیگر نیاز به بررسی ندارد و مطمئن هستیم که از نظر سند ضعیف است. اما علاوه بر ضعف سند اشکالاتی نیز دارد.

یکی از اشکالاتش این است که امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی حضرت ظهور فرمودند:

« منادی آن حضرت در مورد لشکر سفیانی ندا سر می دهد که هرگز فراری را دنبال نکنید و مجروحی را از پای در نیاورید. سپس در مورد آنان (لشکر سفیانی) مانند روش امیرالمؤمنین در جنگ بصره رفتار می کند»⁽¹⁾.

این سپاه، سپاه سفیانی و مرکز فساد و آشوب است؛ پس متن حدیث کاملاً خلاف حدیث محمد بن علی کوفی است.

در مورد جنگ بصره روایات زیادی داریم که توضیح می دهد علی علیه السلام

در جنگ بصره چگونه عمل کرده است. قدیمی ترین کتاب در مورد این جنگ کتاب «وقعة الصفین» است. نصر بن مزاحم در این کتاب که در مورد جنگ صفین است، خطبه های علی علیه السلام در جنگ جمل را نقل کرده است. این کتاب مربوط به 1200 سال پیش است و مکرر به چاپ رسیده است.

او می گوید که علی علیه السلام خطبه خواند و فرمود: همه اسیرها را آزاد کنید و آنها که از میدان گریخته اند دنبال نکنید و آنها که زخمی هستند را نکشید.⁽²⁾

ص: 44

1- بحار الانوار، ج 52، ص 387.

2- وقعة الصفین، ص 519 [البته این متن با متن مجله ص 110 متفاوت است].

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی احادیثی را نقل می کند و سپس می گوید : امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ بصره با سپاه بصره همان رفتاری را کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فتح مکه با سپاهیان دشمن انجام داد . یعنی به همان صورت که پیامبر فرمان عفو عمومی اعلام کرد و فرمود : « اذهبوا اتم الطلقاء لا تثریب علیکم الیوم » بروید که همه آزاد هستید و امروز هیچ مشکلی برای شما نیست و احدی را تحت تعقیب قرار نداد ؛ همین برخورد را علی علیه السلام در جنگ جمل در مورد اهل بصره انجام داد .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ای دارد که مرحوم سید رضی می گوید وقتی در جنگ بصره صف ها آراسته شدند ، ایشان برای اصحاب خودش خطبه خواند و فرمود : « شما هرگز آغازگر جنگ نباشید » . در تمام جنگها اینگونه بوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز اجازه نمی دادند که لشکر اسلام آغازگر جنگ باشد ، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز هرگز آغازگر جنگ نبودند . حتی در روز عاشورا امام حسین ع فرمودند که شما حمله نکنید ، اما هنگامی که آنها حمله کردند و در حمله اول پنجاه نفر از اصحاب امام حسین علیه السلام را کشتند ، فرمودند : « اذن الله فی قتلی و قتلکم » یعنی خداوند

به من و شما اجازه داده است که برویم و بکشیم و کشته شویم .

علی علیه السلام نیز فرمودند که « شما آغازگر جنگ نباشید و زخمی ها را نکشید و فراری ها را دنبال نکنید ، زنها را متعرض نشوید ؛ اگر به شما ناسزا گفتند ، شما ناسزا نگوئید ؛ اگر به امیران شما دشنام دادند شما مقابله به مثل نکنید » . (1)

ص: 45

این خیلی جالب است، بحث مربوط به میدان جنگ است، امیر آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و امام مفترض الطاعه است و از نظر فقهی اگر کسی به ایشان ناسزا بگوید مرتد محسوب می شود، اما می فرماید اگر به امیران شما ناسزا گفتند شما مقابله به مثل نکنید.

جمله معروفی از علی علیه السلام است که می فرماید: «ایاکم ان تكونوا السبّیین» مبادا شما ناسزا گوینده باشید؛ اگر می خواهید در مورد دشمنان خدا صحبت بکنید در مورد اعمال آنها سخن بگویید، نه اینکه ناسزا و سخنی بگویید که شایسته نیست از دهان شما خارج شود.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام در کنار ایشان راه می رفت، به غلامش حرفی زد و به او ناسزا گفت. حضرت فرمودند: دیگر راه را ادامه نده، پرسید که چرا؟ فرمود: چرا این حرف از دهان تو خارج شد؟ گفت: آقا این که مسلمان زاده نیست و برده است و معلوم نیست که بچه کیست.

فرمودند: اگر چه اینگونه است ولی هر قومی نکاحی دارند و نکاح آنها برای خودشان محترم است. شما نمی توانید به خاطر مسلمان بودن و یا اینکه اگر شخصی اهل کتاب نیست و یا کافر است به این جرم او را ولد حرام بدانید.

مطلبی را در حاشیه این موارد عرض کنم که روزی علی علیه السلام مشغول نماز جمعه بود. طبق تحقیقات انجام شده، در نماز جمعه امیرالمؤمنین قریب یک میلیون نفر شرکت می کردند. این رقم که طبق تحقیقات بیان شده است برای چهارده قرن پیش بسیار رقم بالایی است.

امیرالمؤمنین در بین این جمعیت یک میلیون نفری بر روی منبر خطبه

می خواند . اشعث بن قیس وسط خطبه آتشین امیرالمؤمنین علیه السلام از بالای بام فریاد زد که : قتل الله الرجل ما اکذبه ، خدا او را بکشد چقدر دروغ می گوید . امیرالمؤمنین علیه السلام که بالاترین مقام قدرت در روی زمین بود ، گفت : اشعث به خدا قسم دروغ نمی گویم ، سپس بقیه خطبه را ادامه داد . بعدها هم کسی به سراغ اشعث نرفت که بگوید چرا به آقا توهین کردی . حکومت عدل امیرالمؤمنین علیه السلام اینگونه بود .

از این واقعه مهمتر ، روزی که علی علیه السلام به شهادت رسید دو نفر برای قتل امیرالمؤمنین علیه السلام رفته بودند یکی شبث بن ربیع و دیگری ابن ملجم مرادی . اولین کسی که شمشیر را بالا برد شبث بود ، ولی وقتی خواست که شمشیر را پائین بیاورد به طاق محراب مسجد برخورد کرد . شمشیرش شکست و او فرار کرد . پس از او ابن ملجم شمشیر زد و علی علیه السلام مجروح شد .

در هیچ کجای تاریخ نیامده است که امام حسن علیه السلام شبث بن ربیع را بخواهد و از او در مورد این عملش سؤالی بپرسد . او شمشیر زده ولی به علی علیه السلام نرسیده است . اما اگر برای یکی از زمامداران جهان این اتفاق بیفتد نه تنها آن شخص ، بلکه تمام ایل و تبارش را می کشند . اما چون قصاص قبل از جنایت نمی شود و از دست او جنایتی اتفاق نیفتاده است با او کاری ندارند . آقا بقیه الله فرزند این امیرالمؤمنین است ، و همان روش ایشان در جنگ بصره را در موقع ظهور و قیامش عملی می کند .

همه اطلاع دارید که در جنگ صفین آب را بر روی لشکر علی علیه السلام بستند . ایشان خطبه بسیار آتشینی خواندند که : « فاقروا علی مذلة و تأخیر

محلّة او رُوو السیوف من الدماء ترووا من الماء» (1) یا برای تشنگی و به ذلت جان دادن حاضر شوید و یا با شمشیرهای گداخته به سوی آنها حمله کنید تا آب را پس بگیرید .

پس از خطبه سپاه ایشان حمله کردند و آب را به آسانی پس گرفتند . آنگاه فرمودند : به طرف سپاه معاویه شریعه باز کنید ، شریعه یعنی راهی که برای برداشتن آب درست می کنند . برخی اعتراض کردند که آنها آب را بر ما بسته بودند . آقا فرمودند : اگر من هم آب را ببندم پس فرق بین من و معاویه در چیست ؟

بنابراین در مورد کسی که به دشمنی آمده و تا چند لحظه قبل سپاه او را در شدیدترین وضع بحرانی قرار داده ، اجازه مقابله به مثل نمی دهد . نه تنها اجازه مقابله نمی دهد ، بلکه بی درنگ می فرماید : شریعه باز کنید تا آب بردارند و اعلام کنید که بیایند از آب استفاده کنند .

پس این حدیث که می فرماید آقا بقیه الله فراری ها و زخمی ها را می کشد و یا اجهاز می کند ، با ضوابط ما هماهنگی ندارد ، علاوه بر اینکه گوینده آن نیز در تاریخ دروغگویی تثبیت شده است .

تاکنون دو حدیث از محمّد بن علی کوفی بررسی نمودیم ، اکنون به حدیث دیگری از او می پردازیم :

محمّد بن علی کوفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند :

« اگر مردم می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام به هنگام خروج چه

ص: 48

رفتاری دارد، بیشتر مردم آرزو می کردند که آن روز را نبینند، به جهت کشتاری که انجام می دهد» (1).

این هم از جمله مطالبی است که در فرهنگ ما وارد شده و بسیاری هستند که می گویند معلوم نیست اگر آقا بیاید وضع ما چگونه می شود ؛ معلوم نیست که اول گردن ما را زنند .

از خودمان بپرسیم مگر ما چه کردیم ؟ مگر ما قاتلیم که گردن ما را بزنند ؟ اگر گناه کردیم توبه می کنیم و برمی گردیم ، ولی اگر خونی به گردن ما هست آن مطلب دیگری است ؛ ولی اگر قاتل نیستیم ولو آدم بدی باشیم چرا باید کشته شویم ؟

سپس ادامه می دهد :

« از قریش آغاز می کند ، و با قریش فقط شمشیر مبادله می کند» (2)

یعنی فقط می جنگد و شمشیر می زند و شمشیر دریافت می کند .

من از آقا بقیه الله شرمنده هستم که ادامه این حدیث را می خوانم ، او می گوید این کشت و کشتار به گونه ای است که :

« برخی از مردم می گویند او از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم نیست اگر از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود رحمی در دلش بود» (3).

آیا انسان می تواند این را قبول کند ؟ اولاً گوینده دروغگو است و

ص: 49

1- . نعمانی ، الغیبة ، ص 233 ، ب 13 ، ح 18 .

2- . همان .

3- . همان .

سرچشمه خبر اگر چه از طرف امام باقر علیه السلام ساخته شده است اما یک محقق باید همه موارد صحت یک حدیث را بررسی کند .
ثانیاً اینکه با احادیث فراوانی معارض است از جمله :

1 - با احادیثی که از رأفت و رحمت و شفقت آن حضرت سخن می گوید . یکی از این احادیث حدیث لوح حضرت فاطمه علیها السلام است . این لوح در بسیاری از خانه ها به صورت تابلو به دیوار زده شده است .

این لوح را خدای منان برای حضرت فاطمه علیها السلام فرستاده است . در تمام کتابهای قدمای ما از 1400 سال قبل ، این متن موجود است و سندش بسیار قوی است . در روایات است که جابر بن عبدالله انصاری خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدند و از روی متن لوح موجود در دست حضرت ، استنساخ کرده است . امام صادق علیه السلام فرمودند : وقتی پدرم امام باقر علیه السلام با جابر ملاقات کرد فرمودند که جابر من می خواهم روزی به منزل شما بیایم . جابر گفت : هر وقت شما صلاح بدانید . فرمودند که می خواهم آن نوشته ای که از روی لوح موجود در دست حضرت زهرا علیها السلام نسخه برداری کرده ای ، بینم .

با همدیگر به منزل جابر تشریف بردند . وقتی جابر لوح استنساخ شده را آورد حضرت فرمودند : جابر آن را پیش من بیاور ، فقط نگاه کن و بین آنچه من می خوانم با آن منطبق است یا خیر ، و از حفظ متن لوح را خواندند ؛ وقتی جابر همه را شنید ، بعد از اتمام لوح گفت : به خدا قسم یک حرف و یا یک نقطه کم و زیاد نیست . فرمود : بیاور تا آن را بینم .

در این لوح اسامی دوازده امام علیه السلام آمده و برای هر یک از ائمه علیهم السلام نیز

توضیحی آمده است. صفتی که در مورد آقا بقیه الله در این لوح آمده «رحمة للعالمین» است. (1)

دقت بفرمائید که این مطالب در مورد همان آقایی است که در روایت قبلی می گفت که ایشان آنقدر از انسانها می کشد که آنها می گویند اگر او از اولاد فاطمه علیها السلام بود رحمی در دل داشت.

حدیث دیگر که در مورد رأفت و رحمت حضرت بقیه الله است تعبیری است که در زیارت آل یس از طرف خود حضرت به دست ما رسیده است و زیارت بسیار ارزشمندی است که در توقیع شریف از ناحیه مقدسه رسیده است. در این زیارت شریف از آقا بقیه الله به عنوان «الرحمة الواسعة» یعنی رحمت گسترده خدا یاد می کند. (2)

در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که وقتی آقا ظهور می فرماید، خطبه ای در مورد رحمت پروردگار قرائت می نمایند. در این خطبه می فرمایند: «وانا تلك الرحمة» آن رحمت واسعه خدا من هستم. (3)

در حدیث دیگری آمده است: «اشفق علیهم من آبائهم» یعنی از پدران و مادران به مردم مهربان تر است. (4)

همچنین پس از ظهور در روز 25 ذی الحجه وجود مقدس حضرت علیه السلام به نفس زکیه دستور می دهد که در بین رکن و مقام پیامی را قرائت کند، و

ص: 51

1- . شیخ مفید، اختصاص، ص 212.

2- . طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 493.

3- . بحار الانوار، ج 53، ص 11.

4- . روزگار رهایی، ج 1، ص 129.

در متن پیام او می گوید که آقا می فرماید: « نحن اهل بيت الرحمة و معدن الرسالة » ما اهل بيت رحمت و معدن رسالتیم. (1) اگر آقا طبق آن حدیث جعلی آنگونه کشت و کشتار راه بیندازند، چگونه می تواند از خودش و پدرانیش به عنوان اهل بیت رحمت نام ببرد؟

این تعبیرات از جمله تمام تعبیراتی است که از بررسی آنها می فهمیم که محمد بن علی کوفی این سخنان را از خود بافته و به دروغ به حضرت نسبت داده است.

2 - این حدیث با احادیثی که از خشنودی اهل زمین و آسمان از حکومت حقه حضرت ولی عصر علیه السلام خبر می دهد نیز معارض است.

در خبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

« یرضی علیه اهل السماء و الارض و الطیر فی الهوا » (2)

« اهل زمین و آسمان و حتی پرندگان هوا از خلافت او خشنود می شوند ».

آیا این خبر شادمانی همگانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با بیان محمد بن علی کوفی سازگاری دارد؟

قبلاً حدیثی نقل کردیم که هیچ مؤمنی در قبر نمی ماند مگر اینکه از ظهور حضرت خوشحال می شود و مؤمنین در قبرها به دیدار همدیگر

ص: 52

1- بحار الانوار، ج 52، ص 307.

2- فردوس الاخبار، ج 4، ص 496؛ ینابیع المودة، ج 3، ص 263.

می روند و ظهور آقا بقیه الله را به هم بشارت می دهند. (1)

وقتی خوشنودی ظهور به ساکنین قبرها هم می رسد آیا ممکن است کشت و کشتار حضرت علیه السلام صحت داشته باشد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : « در زمان او زندگی گوارا است » . (2)

در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که در شب ظهور منادی آسمانی از آسمان ندا می دهد که ای

مردم ! دوران زمامداری زمامداران ستمگر تمام شد و بهترین امت که از اهل بیت پیامبر است زمام امور را در دست گرفت . (3)

در ذیل آیه شریفه : « وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ » (4) احادیثی نقل شده است که مؤمنین در ظهور آقا بقیه الله به نصرت الهی شاد

می شوند . (5)

همه این احادیث با سخنی که محمد بن علی کوفی نقل کرده است منافات دارد .

3- این حدیث معارض است با احادیث فراوانی که حضرت مهدی علیه السلام

را تنها ملجأ و پناه مردمان معرفی می کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید :

« امت من به او پناه می برند همچنانکه پرندگان به آشیانه های خود

ص : 53

1- . کمال الدین ، ج 2 ، ص 653 .

2- . شرح الاخبار ، ج 3 ، ص 394 .

3- . شیخ مفید ، اختصاص ، ص 208 .

4- . روم / 4 و 5 .

5- . ینابیع المودة ، ج 3 ، ص 246 .

یعنی هر پرنده ای وقتی با مشکل مواجه می شود به آشیانه خود پناه می برد ، حتی زنبورها به کندو و به ملکه خود پناه می برند .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی می فرماید :

« از نظر پناه دادن از همه وسیع تر ، از نظر دانش از همه برتر و از نظر دل رحم بودن از همه بیشتر » (2).

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تشریح جنایات لشکر سفیانی می فرماید :

خداوند به جبرئیل فرمان می دهد که از فراز مسجد دمشق (بین زمین و آسمان) ندا دهد که ای امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم پناه شما آمد . پناه و فرج شما مهدی آل محمد (عج) از مکه خروج کرد ؛ به سوی او بشتابید . (3)

اینکه حضرت پناهگاه مردم است و علی علیه السلام او را رحیم و دل رحم می خواند چگونه با آن سخن محمد بن علی کوفی که نعوذ بالله می گوید : مردم می گویند کاش حضرت رحمی در دل داشت ، تناسب پیدا می کند .

در اینجا به بررسی همین دو حدیث اکتفا می کنم و به برخی آیات در مورد بقیه الله علیه السلام می پردازم .

مرحوم محدث سید هاشم بحرانی در کتاب « المحجة فی ما نزل فی الامام الحجة » در ذیل 110 آیه قرآن که در مورد قیام حضرت مهدی علیه السلام

ص: 54

1- . دلائل الامامة ، ص 235 .

2- . اثبات الهداة ، ج 3 ، ص 538 .

3- . عقد الدرر ، ص 94 .

آمده ، احادیثی را نقل نموده است . مرحوم محدث بحرانی صاحب تفسیر البرهان و کتاب غایة المرام و دهها اثر با ارزش دیگر است .

ما حدود 300 آیه از قرآن را که طبق احادیث معتبر به وجود مقدس آقا بقیه الله تفسیر شده است جمع آوری نموده ایم که هنوز به چاپ نرسیده است . همین اندازه برداشت می کنیم که حداقل 300 آیه قرآن در مورد وجود مقدس حضرت بقیه الله سخن می گوید .

[ادامه مطلب نیامده و به پرسش و پاسخ ادامه یافته است .]

ص: 55

پرسش : آیا حضرت مهدی علیه السلام اولاد و همسر دارند یا خیر ؟ و آیا از سید بن طاووس دختری گرفته است ؟

پاسخ : این مطلب را در مقدمه کتاب جزیره خضرا به تفصیل بیان نموده ایم و آنجا گفته ایم که ایشان قطعاً همسر و فرزند دارند و حادثی را نیز آنجا نقل نموده ایم . همچنین ادعیه ای را که در آن ادعیه مواردی از این مبحث که فرموده اند : « اللهم صل علیه و علی اهله و ولده و ذریته » با ذکر مدارک آن نقل کرده ایم .

در مورد اینکه با دختر سید بن طاووس ازدواج کرده باشد تاکنون مطلبی ندیده ایم ، اما تنها موردی که درباره سید بن طاووس دیده ایم - و در کتب دیگران از قول او نه در کتابهای سید نقل شده است - این است که ایشان فرموده است که من در یکی از عروسی های آقا بقیه الله شرکت کرده ام . اما این مطلب که آقا از سید دختر گرفته باشد در هیچ جا نقل نشده است .

پرسش : در مورد تعبیری که بیان شد : فهم ما از دوران ظهور مانند فهم و درک جنین است به دنیای ما ، سؤال شده است که یعنی مردم معنای عدالت را بعد از ظهور خواهند فهمید ؟

پاسخ : ما این تعبیر را نداریم ؛ اما اگر به انسانی که از نعمت بینایی محروم است بگویند که در این عالم خیابانهایی با این اوصاف ، یا نور ، ماه ، ستاره و ... هست ؛ او تنها برداشتی ناپخته از این سخن می کند ولی آیا واقعاً می تواند آن را درک کند ؟

حال اگر روزی بتواند به چشم خود ببیند ، خواهد دید که تفاوت بسیاری با برداشتهای قبلی دارد .

برداشت ما از زمان ظهور هم تقریباً به همین صورت است . معنای اصلی عدالت را هم نمی توان تصور کرد ؛ چرا که انسان اگر چیزی را ببیند می تواند در مورد آنچه دیده است تصویر روشنی داشته باشد ، ولی چیزی که در تاریخ بشریت وقوع پیدا نکرده است طبعاً تصویر درست و روشنی از آن نمی توان داشت .

پرسش : آیا هم اکنون دوره آخرالزمان است ؟

پاسخ : شما توجه دارید که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ما ، پیامبر آخرالزمان گفته می شود ، یعنی آخرالزمان آغاز شده ، اما این کلمه ، کلمه ای است که ما بازای زیادی دارد . آیا این آخرالزمان هزار سال یا ده هزار سال طول می کشد ؟ ما نمی دانیم ؛ ولی این را می دانیم که دوره آخرالزمان محسوب می شود ولی الآن در کجای آن هستیم ، معلوم نیست .

پرسش : در بین سخنان گذشته از تعبیر فرشته ها که از خداوند پرسیدند : آیا می خواهی انسانهایی خلق کنی که در روی زمین فساد کنند و خونریزی کنند ، سؤال شده است که همچنانکه پیش بینی آنها در آنجا درست بود ، چرا نتوانستند شرایط پس از ظهور را پیش بینی کنند و این اعتراض را نکنند ؟

پاسخ : در آیه ای از قرآن در همین مورد مطلبی هست که می فرماید :

ص: 57

اینها را به اسمشان نام ببرید؛ گفتند خدایا ما که علمی نداریم مگر آنچه که خود به ما داده ای « لا علم لنا الا ما علمتنا »؛ لذا می فهمیم که همه معلومات در آن روز، در اختیار فرشته ها نبوده است تا شرایط دوران بعد از ظهور را هم بدانند. چرا که بحث در مورد قبل از آفرینش انسان است.

پرسش: مگر همه ائمه علیهم السلام نور واحد نیستند؟ اگر اینگونه است پس چرا می گوئیم که امام زمان علیه السلام شبیه ترین مردمان به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است؟

پاسخ: شباهت غیر از مسئله نور واحد بودن است. مثلاً در مورد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تعبیر شده است که یکی از اینها از سینه به بالا به پیامبر شبیه بود و دیگری از سینه به پائین، یعنی نوع راه رفتن؛ و یا در مورد حضرت زهرا علیها السلام آمده است که راه رفتن ایشان دقیقاً شبیه به راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود.

لذا شباهت این جهت را ندارد. اما فقط در مورد دو نفر تعبیر « اشبه الناس » مطرح شده است که یکی از زبان امام حسین علیه السلام در مورد شاهزاده علی اکبر علیه السلام، و دیگری هم در مورد آقا بقیه الله در دهها حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام تا برسد به امام حسن عسکری علیه السلام که همه تعبیر کرده اند که ایشان « اشبه الناس برسول الله » است « خَلْقاً وَ خُلُقاً »، و در بیان امام حسن عسکری کلمه « منطقیاً » نیز آمده است؛ و ما این احادیث را قبلاً خوانده ایم.

اما اگر منظور شباهت اخلاقی باشد اگر چه همه نور واحدند اما تبلور یک خُلق در یکی از آنها ایجاب می کند که آن خُلق به او اطلاق شود.

عنوان مثال همه امامان معصوم علیهم السلام راستگو هستند ولی تنها امام جعفر صادق علیه السلام به این لقب مخصوص شده است . یا همه امامان ما کاظم الغیظ هستند ولی این لقب تنها به امام موسی کاظم علیه السلام اختصاص یافته است .

پرسش : این مطلب صحت دارد که بردن نام خاص امام زمان علیه السلام که م - ح - م - د است در زمان غیبت حرام است ؟

پاسخ : ما احادیث فراوانی داریم که بردن نام حضرت علیه السلام یعنی همان نامی که همان پیامبر علیه السلام است ، جایز نیست .

مرحوم میرداماد کتابی دارد به نام « شرعة التسمیه » ، که توسط حضرت آقای میردامادی و مؤسسه ایشان چاپ شده است . ایشان در این کتاب اثبات کرده که بردن نام خاص حضرت علیه السلام در زمان غیبت حرام است ، و با استناد به بیش از شصت حدیث این مطلب را نقل کرده است .

در مقابل این ، کتابی از شیخ حر عاملی به نام « کشف التعمیه فی حکم التسمیه » هست ، که با بیش از نود حدیث اثبات کرده است که در زمان ما بردن نام خاص امام علیه السلام اشکال ندارد .

بنابراین از ظاهر روایات ، عدم بیان نام خاص حضرت علیه السلام استنباط می شود اما به فتوای مراجع زمان ، این امر اشکال ندارد . اما به خاطر رعایت حریم روایات نهی کننده ، آن را به زبان نمی آوریم مگر مواردی که در متن حدیث از معصوم علیه السلام نقل شده باشد ؛ و یا در دعایی که به دنبال زیارت آل یس است که در آنجا صلوات و سلام ، با نام خاص حضرت علیه السلام آمده است و ما اجازه نداریم که کلام معصوم را عوض کنیم .

مرحوم شیخ صدوق که اعتقاد به تحریم بردن نام امام علیه السلام دارد هر جا که ناچار شده حروف را جدای از هم نوشته است به صورت م - ح - م - د ؛ و این تا زمان ما در تمام کتابها محفوظ است .

اما از جمله کسانی که به صراحت به عدم تحریم آن فتوا داده مرحوم آیت الله العظمی خوئی است .

پرسش : آیا اولاد حضرت مهدی علیه السلام می دانند که اولاد ایشان هستند ؟

پاسخ : بله . اگر بنا بر این باشد که اولاد حضرت در جزیره خضرا باشند در آنجا تشکیلات و امیر و نَسَبی دارند .

وقتی علی بن فاضل به آنجا مشرف می شود و خدمت سید شمس الدین می رسد ، او می گوید که من پنجمین نوه امام زمان علیه السلام هستم .

من مدرک مستندی ندارم ، اما از مرحوم آیت الله مرعشی شنیدم که ایشان می فرمود که در مصر خاندانی هستند که از اولاد حضرت هستند و خود را به عنوان سید می شناسند و نمی دانند که نسب اینها به حضرت می رسد .

پرسش : آیا صحت دارد که قاتل آقا امام زمان علیه السلام یک زن اصفهانی است ؟

پاسخ : ما هیچ مدرکی نداریم که اثبات کند حضرت بقیه الله به شهادت می رسد ، بلکه آنچه در روایات مطرح شده است با عنوان « موت » است یعنی مرگ طبیعی . همچنین حدیث معروفی از امام رضا علیه السلام نقل نمودیم

که فرمودند: « ما منا الا مسمومٌ او مقتولٌ » از ما خاندان کسی نیست مگر اینکه یا با زهر و یا با شمشیر کشته نشود .

البته در سند حدیث اشکال کرده اند اما محتوا را همه پذیرفته اند ؛ ولی در مورد اینکه این حدیث در مورد بقیه الله نیز اجرا می شود تردید وجود دارد ، و علت تردید هم این است که در زمان حضرت همه معیارها و مقیاسها عوض می شود و در زیر این آسمان فرد فاسدی که در صدد شهادت حضرت باشد وجود ندارد .

ما طلبه ها اصطلاحی داریم که می گوئیم فلان موضوع از فلان مسئله انصراف دارد ، یعنی شامل آن نمی شود . مثلاً در مورد فلان شهر می گوئیم که همه اینگونه اند ؛ اما باز هم افراد معدودی هستند که با آن موضوع فاصله دارند و سخن مورد نظر شامل آن افراد نمی شود ، این مطلب را در اصطلاح انصراف می گویند .

به احتمال قوی این حدیث انصراف داشته باشد . البته قبلاً هم گفته ایم که این سخن را از آنجا که دلیل قطعی نداریم ، ادعا نمی کنیم . اما ادعای قتل امام علیه السلام توسط زن ریش دار ، از ابن عربی جعل شده است و سندی ندارد و در هیچ یک از اسناد هشتصد ساله قبل از او نیامده است ، و بعد از ابن عربی به کتابها وارد شده است .

از ابن عربی مطالب زیادی جعل شده است مثلاً گفته است : لو لا السیف بیده لأقتی الفقهاء بقتله یعنی اگر شمشیر در دست آقا نبود فقها به قتل او فتوا می دادند . این سخن در هیچ کتابی نیامده و او این سخن را جعل کرده است ، چون صوفی بوده و همیشه فقها ضد صوفی ها ، و صوفی ها هم ضد فقها

بوده اند؛ و بطوری که ما صوفی ها را مسلمان نمی دانیم آنها هم ما را مسلمان نمی دانند. البته این نه اینست که اینها نجس هستند چون در مراحل ممکن است نجس نباشند، اما آنها هم همین نگاه را به ما دارند.

دیگر از مواردی که جعل کرده این است که چون آقا به ظُهر کوفه، یعنی نجف، می رسد ده هزار نفر از فقهای نجف شمشیر بر می دارند و علیه او می جنگند. او نجف را می گوید چون مرکز تشیع است. اگر قاهره یا دمشق را می گفت باز می شد تا حدی آن را پذیرفت، ولی نام نجف را می برد؛ محلی که همه عاشق و ارادتمند این خاندان در آنجا هستند. چرا می گوید نجف؟ چون ضد شیعه است.

او همان فرد پست و پلید و ملعونی است که نوشته: رجبیون شیعیان را به صورت خوک می بینند. کسی که با شیعه اینگونه مخالف است که می گوید شیعه ها در عالم کشف و شهود به صورت خوک دیده می شوند، هر شری از او انتظار می رود و هیچ امید خیری در او نیست.

پرسش: یکی از بزرگان اصفهان گفته است که آشتی درندگان در زمان ظهور حضرت کنایه است و واقعیت ندارد.

پاسخ: ما این را به طور قطعی نمی دانیم زیرا مأمور به ظاهر هستیم و تعبیر حدیث از این موضوع به عنوان یک حادثه شگفت از حوادث دوران غیبت یاد می کند. حتی امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: در دوران ظهور که حضرت فرماندهانش را به بلاد مختلف می فرستد آنقدر امنیت در شهرها برقرار است که

[پاسخ ناتمام است]

پایان جلسه سوم

ص: 63

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و على رسول الله و على آله آل الله و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله

و بعد قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم : يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

هر چند نظر داشتیم که از مطرح نمودن برخی احادیث ساختگی صرف نظر کنیم ، اما فرصت را مغتنم می شمارم زیرا این احادیث هیچوقت مطرح نشده و نمی شود ، لذا امشب نیز یک حدیث دیگر از روایات محمد بن علی کوفی را مورد بررسی قرار می دهیم .

علت انتخاب روایات نقل شده از این شخص ، اینست که در حدود بیست و هشت حدیث از او نقل شده و عمده آنچه که باعث شده که چهره آقا بقیه الله علیه السلام - نعوذ بالله - به شکل یک فرد خون ریز مطرح شود همین

احادیث است، لذا احادیثی را که از این شخص به ما رسیده است تا اندازه ای با حساسیت دنبال می کنیم.

در شبهای گذشته سه حدیث نقل کردیم، و بررسی نمودیم که این شخص هم خودش دروغگو است و هم متن احادیث نقل شده از او با احادیث فراوان شیعه موافقت ندارد.

حدیث دیگری که او نقل کرده اینست که امام باقر علیه السلام فرمودند:

« حضرت قائم علیه السلام با فرمانی جدید، کتابی جدید و داوری جدید قیام می کند و پذیرفتن آن داوری برای عرب سنگین است، و او کاری جز شمشیر ندارد، توبه احدی را نمی پذیرد و از نکوهش کننده ای نمی ترسد» (1).

این متن روایتی است که آن شخص کذاب، دروغگو، شیاد و حقه باز (2) از امام باقر علیه السلام در ترسیم چهره آقا بقیه الله نقل کرده است، که علاوه بر ضعف سند، محتوای آن نیز با اعتقادات ما وفق ندارد.

در مورد تعبیر « کتاب جدید » که در احادیث دیگر هم آمده است این نکته را می توان گفت که این تعبیر قابل توجیه است و آن اینکه تا زمان قبل از ظهور حضرت علیه السلام، آنقدر متن قرآن به غلط تفسیر می شود، که در زمان تشریف فرمایی ایشان و بیان تفسیر صحیح قرآن، فرمایشات ایشان برای

ص: 65

1- . نعمانی، الغیبة، ص 333، ب 13، ح 19.

2- . در جلسات گذشته مطرح شد که طبق مدارک مندرج در کتب رجالی مخصوصاً رجال کشی دروغگویی و عدم اعتماد به او ثابت شده است.

مردم تازگی دارد. حتی در احادیثی تعبیر « آئین جدید » نیز آمده است یعنی شرع مقدس آنقدر در طول تاریخ دچار تحلیل ها و تحریفهای مختلف و نادرست می شود که وقتی حضرت علیه السلام شرع منطبق با قرآن و سنت پیامبر را بیان می فرماید، برای مردم تازگی دارد.

لذا بدین دلایل به بحث در مورد این تعبیر نمی پردازیم، و به بقیه حدیث دقت می نمایم.

در ادامه می گوید: داوری و قضاوت جدید، که در عرف ما به آن « قضاوت داوودی » گفته می شود.

قضاوت داوودی یعنی قضاوتی که در آن، قاضی از دو طرف مرافعه، شاهد مطالبه نکند و تنها به علم خودش عمل کند، یعنی خودش « واقع » را بداند و مطابق با آن قضاوت کند. در روایات مختلفی هم که از این افراد نقل شده، آمده است که حضرت مهدی علیه السلام « لا یَسْأَلُ بینه » یعنی شاهد نمی طلبد و قضاوت داوودی می کند؛ اما به دلیل عدم شواهد اثبات این مطلب، این تعبیر را در مورد حضرت قبول نمی کنیم.

امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که حضرت داوود علیه السلام فقط یک بار این گونه قضاوت نموده، نه اینکه همیشه بدون شاهد قضاوت کند. او همیشه با دلیل و شاهد قضاوت می کرد تا اینکه از خداوند درخواست نمود و فرمود: خداوندا حوادث را به من بنمایان تا طبق واقع، بین مردم قضاوت کنم.

در شرع اینگونه است که اگر دو شاهد عادل و متدین موردی را تأیید کنند و در قضاوت شاهد و بینه قاضی باشند بدان مورد حکم داده می شود.

اگر چه ممکن است دو عادل که در مورد مطلبی شهادت می دهند،

دچار اشتباه بشوند اما شرع ، حضور شاهد و شهادت او را دلیل و راهنمای قاضی قرار داده است .

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وسلم نیز در قضاوت‌های خود می فرمودند که من موظفم بر اساس شواهد و سوگندها عمل کنم اما اگر شهود اشتباه کنند ، برطرف برنده مرافعه سود این قضاوت حرام است ، و با این قضاوت و شهادت شهود ، حکم واقعی تغییر نمی کند .

خداوند به داوود علیه السلام فرمود که قضاوت بدون شاهد بر امت سنگین ، و بر تو طاقت فرسا است ؛ ولی داوود بر این درخواست اصرار ورزید ، و آنقدر پافشاری نمود که خداوند حاجت او را برآورده کرد .

پس از مدتی دو نفر جهت اقامه دعوا نزد حضرت داوود علیه السلام آمدند و یکی از آنها علیه دیگری به آن حضرت شکایت کرد که او اموال مرا دزدیده است . حضرت داوود علیه السلام متوجه وحی الهی شد .

خداوند منان به او وحی فرمود که او دروغ می گوید و نه تنها او مالش را ندزدیده، بلکه این شاکی پدر آن دیگری را کشته و همه اموال او را دزدیده است .

حضرت نیز فرمود تا او را کشتند و اموالش را به آن دیگری داد .

در این واقعه قضاوت درست بود ، زیرا هم خونی که بر گردن آن مرد بود و حضرت به وحی الهی از آن باخبر شد با قصاص آن مرد پایمال نشد و هم اموال آن مرد طبق وحی الهی به صاحبش بازگردانده شد .

مردم از این قضاوت شگفت زده شدند و علیه حضرت داوود علیه السلام به گفتگو پرداختند و گفتند گوئی او مدعی است که همه چیز را می داند آنچنانکه اموال شاکی که مدعی است گرفته و به مدعی علیه که از او شکایت

شده داده است و سپس مدعی را نیز قصاص کرده است .

کار را بر حضرت داوود علیه السلام آنقدر سخت گرفتند که زندگی برای آن حضرت غیرقابل تحمل شد .

لذا حضرت داوود علیه السلام با غم و اندوه فراوان با خدای خود به نجوی پرداخت و فرمود : اشتباه کردم و درخواست می کنم که این تقاضا را از من بردار . خداوند نیز دعای او را استجابت فرمود و آن توان در قضاوت را از او برداشت .(1)

این قضیه در کتاب کافی و دیگر کتب مرحوم کلینی ، و همچنین تهذیب الاحکام مرحوم شیخ طوسی نقل شده ، و در آنها تصریح شده است که فقط یک بار حضرت داوود بدین صورت حکم کرده است (حکم واقعی) ؛ در دیگر موارد طبق فرموده خداوند منان و بر اساس شهود و بینة قضاوت می نمود .

قرآن کریم بر این قضیه شاهدهی دارد آنگونه که فرموده است : « وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضْلَ الْخِطَابِ »(2) « ما به حضرت داوود علیه السلام حکمت و فصل الخطاب عطا کردیم » . در ذیل این آیه شریفه احادیث فراوانی آمده است ، مثلاً از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد « فصل الخطاب » سؤال می کنند ، ایشان می فرماید یعنی قضاوت بر اساس شهود و ایمان .

شهود یعنی شاهد و بینة ، ایمان جمع یمین یعنی سوگند و قسم . یعنی کسی که ادعا می کند باید دو شاهد عادل بیاورد . اگر کسی نتواند شاهد بیاورد ، از طرف مقابل می خواهند تا سوگند یاد کند ، و با این سوگند

ص: 68

1- . برگرفته از : کافی ، ج 7 ، ص 414 و تهذیب الاحکام ، ج 7 ، ص 228 .

2- . ص : 20 .

قضاوت به نفع او خواهد شد .

این تعبیر در فقه ما به صورت قانون در آمده است : « البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر » (1) « ادعا کننده باید دو شاهد بیاورد و انکار کننده قسم بخورد » یعنی اگر مدعی شاهد نداشته باشد مدعی علیه تنها با قسم خوردن می تواند قضاوت را به نفع خود به پایان ببرد .

این مطلب تنها مشکل حضرت داوود علیه السلام بود که در قرآن نیز بدان تصریح شد و در کتب مختلف از جمله مجمع البیان و تفسیر ثعلبی و تفسیر جوامع الجامع بدان اشاره شده است ؛ اما داستان دروغین دیگری نیز به حضرت داوود علیه السلام نسبت می دهند که از اسرائیلیات است و از تورات گرفته شده است و در کتب عهدین جدید نیز وجود دارد . (2)

آمده است که حضرت داوود علیه السلام در سپاه خود فرماندهی به نام اوریا داشت . او همسری داشت که وقتی حضرت داوود علیه السلام او را دید به او علاقه مند شد . در یک لشگرکشی دستور داد که اوریا به خط مقدم لشکر برود . اوریا در این نبرد کشته شد و حضرت داوود علیه السلام بعد از اتمام عده همسر اوریا با او ازدواج کرد .

امیرالمؤمنین با قاطعیت این مطلب را تکذیب نموده و می فرماید : « هر کس را نزد من بیاورند که معتقد باشد که حضرت داوود علیه السلام با زن اوریا ازدواج کرده به او دو بار حدّ جاری می کنم ؛ یکی حدّ افترا در اسلام ، دیگری حد پائین آوردن جایگاه

ص: 69

1- . تفسیر ثعلبی ، ج 8 ، ص 184 .

2- . عهد قدیم ، کتاب دوم سموئیل : باب 12 ، بندهای 14 - 27 .

نبوت»؛ (1) و یا در حدیثی دیگر فرمود: «به او یکصد و شصت تازیانه می زنم». (2)

پس می توان قاطعانه گفت آنچه که به حضرت داوود علیه السلام نسبت داده و به او تهمت می زنند واقعیت ندارد و تنها مشکل او این بود که فقط یک بار بر اساس واقع قضاوت کرد و نه بر اساس شهود و ایمان.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «انما اقضى بينكم بالبينات و الايمان» (3) «من بر اساس شهود و سوگند بین شما قضاوت می کنم»؛ یعنی شیوه قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر اساس بینه و یمین است. لذا بر اساس تمام احادیثی که قبلاً اشاره نمودیم که فرمودند: «یسیر بسیرة جده» و یا «یسیر بسیرتی» و...، حضرت بقیه الله علیه السلام نیز بر اساس شیوه پیامبر و بر اساس بینه و یمین در بین مردم قضاوت خواهند نمود. همچنین روایاتی وجود دارد که فرموده اند در زمان ظهور حضرت علیه السلام مردم آنقدر با دین و آئین آشنا می شوند که حتی بانوان در سراپرده های خود بر اساس حکم قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - که در اینجا بینه و ایمان است - قضاوت می کنند. (4)

محمد بن علی کوفی در ادامه این حدیث ساختگی خود می گوید که حضرت مهدی علیه السلام کاری جز شمشیر ندارد، حال آنکه ما در شهای گذشته روایات بسیاری در مورد رحمت و رأفت، عدالت، مهربانی و موارد دیگر

ص: 70

1- مجمع البیان، ج 8، ص 736؛ الکشف و البیان تفسیر ثعلبی ج 8، ص 190؛ تفسیر صافی، ج 8، ص 226.

2- تفسیر بیضاوی انوار التنزیل، ج 2، ص 308؛ تفسیر کشاف، ج 4، ص 81.

3- کافی، ج 8، ص 414؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 229؛ معانی الاخبار، ص 279.

4- نعمانی، الغیبة، ص 239.

از خصوصیات رحمانی آن حضرت نقل نمودیم که همگی در اثبات جعلی بودن و ادعای دروغین محمد بن علی کوفی بود، و توضیح دادیم که بحث از امام زمان علیه السلام است و نه جلادان بزرگ تاریخ مثل حجاج بن یوسف ثقفی .

تعبیر بعدی که بسیار حساس است و در این چند شب نیز در مورد آن پرسش شده است عبارت « لا یستتیب احداً » می باشد یعنی حضرت مهدی علیه السلام هرگز توبه کسی را نمی پذیرد .

این جمله یقیناً با اعتقادات قطعی ما وفق ندارد و با روایات بسیاری معارض است از جمله امام حسن مجتبی علیه السلام زمانی که ویژگیهای حضرت علیه السلام را نقل می کنند ، می فرمایند :

« لا یبقی کافرٌ الا آمنَ به ولا طالحٌ الا صلحَ »⁽¹⁾

« هیچ فرد کافری نمی ماند مگر اینکه به آن حضرت ایمان می آورد و هیچ فرد تبه کاری نمی ماند مگر اینکه اصلاح شود » .

معنای این عبارت این است که حضرت ایمان افراد کافر و اصلاح و توبه افراد تبه کار را می پذیرد و اگر غیر از ایمان واقعی و اصلاح باشد می باید آنان را بر اساس شرع اسلام قصاص کند یعنی کافر را گردن بزند و تبه کار را به سزای اعمالش برساند ؛ اگر غیر از این باشد ، این عبارت معنا ندارد .

در قرآن کریم آیه ای وجود دارد که می فرماید : « وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ »⁽²⁾ « هیچیک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از

ص: 71

1- . طبرسی ، احتجاج ، ج 2 ، ص 290 .

2- . نساء ، 159 .

مرگش به او ایمان می آورد» یعنی حضرت حتی توبه اهل کتاب (یهود و نصاری) را نیز می پذیرد. در مورد این آیه شریفه در طول تاریخ بحث شده است مثلاً حجاج بن یوسف از سعید بن جبیر پرسید که این آیه یعنی چه؟

سعید بن جبیر گفت که این آیه چه مشکلی دارد؟ حجاج گفت من یک یهودی می آورم و دستور می دهم گردنش را بزنند. در همان لحظه آخر در کنار او می ایستم و می بینم که او اظهار ندامت نمی کند و ایمان نمی آورد. اگر اینگونه باشد چگونه در آیه آمده است که قبل از مرگش ایمان می آورد.

سعید گفت تو معنی آیه را نفهمیدی زیرا ضمیر «موت» به فرد مورد نظر تو بر نمی گردد بلکه به وجود مقدس حضرت عیسی علیه السلام اشاره دارد. یعنی هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه قبل از مرگ حضرت عیسی علیه السلام به آن حضرت ایمان می آورد. به عبارت دیگر حضرت عیسی علیه السلام پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین نزول می کند و فرمانده بعضی از وزرای آن حضرت می شود. در آن زمان است که هر یک از اهل کتاب که در دنیا باشد به ایشان ایمان می آورد. این بدین معنا نیست که او مسیحی می شود بلکه یعنی به پیامبری حضرت عیسی علیه السلام اعتقاد پیدا می کند.

حجاج پرسید چگونه این آیه را بدین صورت تفسیر کردی. سعید بن جبیر گفت: از امام باقر علیه السلام یاد گرفتم. حجاج گفت شما آب را از سرچشمه آن گرفتید. لذا این داستان به علت گفتگوی حضوری بین حجاج و سعید، در کتب تاریخ، مقاتل و تفاسیر نقل شده است.

علاوه بر این ما عبارات صریح داریم که آقا بقیه الله توبه را می پذیرد، بدین صورت که فرمودند: «تیب علی المسیی ء» یعنی افرادی که گنه کارند

آنها را توبه می دهند . این عبارت از ابن ابی شیبیه نقل شده است(1) و او کسی است که چهل سال قبل از ولادت آقا بقیه الله از دنیا رفته است لذا احادیث او در کتاب « المصنف » ارزش فراوانی دارد .

حدیث دیگری نیز هست که می فرماید : « یتاب علی المسیی ء » (2) به افراد گنه کار می گویند که توبه کنید ؛ یعنی به گناه کاران پیشنهاد توبه می کنند .

در مورد عبارت محمد بن علی کوفی که گفته « لا یستتیب احداً » نکته ظریفی وجود دارد که علامه مجلسی در بحار الانوار آن را از سند دیگری نقل کرده است که این عبارت « لا یستتیب » بوده است(3) یعنی حضرت نایب نمی پذیرد ، و امور مربوط به خود را شخصاً انجام می دهند و کسی را در آن امور جانشین خود قرار نمی دهند .

نکته دیگری که در مورد توبه می باید مطرح شود مطلبی است در مورد آیه :

« یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ » (4)

« هنگامی که برخی از نشانه های پروردگارت پدید آید ، ایمان آوردن کسانی که تا آن زمان ایمان نیاورده اند فایده ای ندارد » .

اگر معنای این آیه اینگونه باشد که وقتی حضرت ظهور کردند دیگر

ص: 73

1- . المصنف ، ابن ابی شیبیه ، ج 15 ، ص 679 .

2- . منتخب الاثر ، آیت الله صافی ، ج 2 ، ص 340 ؛ عقد الدرر مروزی ، [آدرس دقیق ندارد فعلاً] .

3- . بحار الانوار ، ج 52 ، ص 349 .

4- . انعام ، 158 .

ایمان آوردن کسی فایده ندارد، پس قضیه خیلی پیچیده و مشکل خواهد شد، زیرا امام زمان علیه السلام برای هدایت، ارشاد و اصلاح می آید. اگر اینگونه باشد وقتی ایشان می آید باید بگوید هر کس ایمان دارد از بقیه جدا شود و هر کس ایمان ندارد برود در جهنم. حال آنکه این برخلاف علت ظهور حضرت علیه السلام و لطف خدای منان در فرستادن ایشان است.

برای روشن شدن تفسیر آیه به احادیث مراجعه می کنیم و می بینیم که برای آن معانی مختلفی در تفاسیر نقل شده است:

1 - منظور از « آیات » در این آیه فرا رسیدن مرگ است. (1)

یعنی وقتی نشانه های مرگ فرا برسد، دیگر توبه قبول نمی شود. در آیه دیگری در قرآن آمده است که وقتی فرعون در آب غرق می شد گفت: « آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ » (2) ایمان آوردم به خدایی که بنی اسرائیل ایمان آورده اند. جبرئیل نازل شد و گفت: « ءَأَلْتَنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ » (3) یعنی الان که مرگت حتمی است می خواهی ایمان بیاوری.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند که توبه تا چه زمانی قبول می شود، فرمودند: تا زمانی که آثار مرگ ظاهر نشده باشد.

لذا تا قبل از ظهور آثار مرگ، توبه پذیرفته می شود و مرحوم طبرسی هم مرگ را به عنوان یکی از آیات الهی معرفی نموده است.

ص: 74

1- . طبرسی، مجمع البیان، ج 4، ص 598 .

2- . یونس، 90 .

3- . یونس، 91 .

همچنین واژه مرگ در احادیث دیگری نیز به « آیه » اطلاق شده است .

2 - منظور از « آیات » نزول عذاب است . (1) یعنی وقتی عذاب الهی نازل شود توبه قبول نخواهد شد .

در گذشته عذابهای زیادی نازل می شد اما اکنون به احترام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آن عذابها وجود ندارد . از کسانی که عذاب بر آنها نازل شد ولی قبل از اینکه به مردم برسد ، دفع شد تنها یک نمونه داریم که در مورد دفع عذاب قوم حضرت یونس است .

حضرت یونس وقتی به قومش خبر نزول عذاب را داد ، آنها نپذیرفتند و حضرت از بین آنها خارج شد . عالمی در بین مردم بود که آنها را هشدار داد که او پیامبر خداست ، سخنش درست و مطابق وحی الهی است ؛ و بدین سخنان مردم را بیدار کرد . مردم گفتند حالا که او رفت ما چکار کنیم . عالم گفت : یونس رفت ولی خدای او که نرفته است .

مردم همان شب توبه کردند در حالی که آثار عذاب را ندیده بودند ؛ و در قرآن هم آمده است بجز قوم یونس هیچ قومی نبوده است که عذاب بر آنها نازل شود ولی دفع شود . آنها صبح که از خواب بیدار شدند دیدند که عذاب ، حتی نوک درختان آنها را هم سوزانده ولی به جهت توبه به موقع و دست جمعی از ایشان دفع و رفع شده است .

3 - منظور از « آیات » طلوع خورشید از مغرب است . یعنی هنگامی که خورشید از مغرب طلوع کرد اگر کسی در زمین باشد که توبه نکرده باشد ،

ص: 75

1- . صدوق ، توحید ، ص 266 ؛ مجمع البیان ، ج 4 ، ص 599 ؛ تفسیر صافی ، ج 3 ، ص 128 .

پس از آن دیگر توبه اش قبول نیست. (1)

حدیث دیگری مؤید این مطلب است و در آن آمده است که طلوع خورشید از مغرب، چهل روز قبل از قیامت است (2) و در این روزها حجت خدا بر روی زمین نیست. در تائید این عدم حضور حجت حدیثی از عبدالله بن جعفر حمیری نقل شده است. او در زمان غیبت صغری زندگی می کرد و به حضرت مهدی علیه السلام نامه ها می نوشت و جواب دریافت می کرد.

عبدالله بن جعفر نزد ابوعمر و نایب خاص حضرت آمد و اعتقاداتش را در موارد مختلف به ایشان عرضه کرد. در این حدیث در ضمن بیان اعتقادات خودش مطلبی را عرضه می دارد که معتقد است هیچ گاه زمین خالی از حجت نخواهد بود مگر چهل روز قبل از قیامت، که در آن روزها باب توبه بسته خواهد بود. (3) ولی تا زمانی آقا بقیه الله در بین مردم هستند باب توبه باز است و توبه پذیرفته می شود.

ص: 76

1- . کافی، ج 5، ص 10 .

2- . کمال الدین .

3- . کافی، ج 1، ص 330 .

پرسش : آیا زیارت آل یس دو تا است ؟

پاسخ : خیر . یکی است .

پرسش : آیا زیارت آل یس ، مانند زیارت عاشورا از طرف خدای متعال است ؟

پاسخ : خیر . زیارت آل یس از ناحیه مقدسه است یعنی از خود آقا بقیه الله است که از طرف نواب اربعه رسیده است . اما اینکه معروف شده است که زیارت عاشورا از کلمات قدسی است خیلی مفهوم روشنی ندارد ؛ زیرا مسلماً این زیارت از امام باقر علیه السلام نقل شده است . اما آنچه باعث شده است که این زیارت به قدسی بودن معروف شود این است که وقتی امام باقر علیه السلام می فرماید : که هر کس زیارت عاشورا را با این شرایط بخواهد من ضمانت می کنم که ... ؛ راوی می پرسد که آیا شما ضمانت می کنید ؟ می فرماید : بله ، پدرم و جدم و ... ، تا آنجا که می فرماید : رسول الله ضمانت می کند و بعد جبرئیل امین ضمانت می کند از سوی پروردگار . اما برخی از این کلمه ضمانت اینگونه برداشت کرده اند که احتمالاً این زیارت قدسی است .

پرسش : آیا واقعیت دارد که آیت الله بهجت در هنگام قنوت نماز غش کردند و از ایشان علت آن را پرسیدند و ایشان گفته اند که قاتل بقیه الله به دنیا آمد ؟

پاسخ: اگر آقای بهجت چنین ادعایی بکنند دیگر نمی توان در نماز به او اقتدا کرد .

حال آنکه ایشان می گوید دروغ است . اما این مریدهای پرفهم می گویند که ایشان تواضع می کند .

همچنین پیشتر بیان نمودیم که ما دلیلی نداریم که وجود مقدس آقا بقیه الله به قتل می رسند و آنچه به نام قاتل حضرت معرفی شده یقیناً دروغ است .

پرسش: صیحه آسمانی در ماه رجب چیست؟

پاسخ: آن صیحه آسمانی که جزو علائم حتمی بیان شده است مربوط به شب بیست و سوم ماه رمضان است ، اما صیحه ماه رجب که در کتاب الملاحم و الفتن آمده است جزو علائم حتمی نیست .

پرسش: آیا دجال واقعاً وجود دارد؟

پاسخ: بله وجود دارد ، و اگر خدا توفیق دهد یک شب در مورد دجال بحث خواهیم نمود . کسانی که می خواهند در این زمینه تحقیق کنند به جلد سوم کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی مراجعه کنند . در آنجا روایات متعددی در این زمینه آورده شده ، و همچنین مطالبی در ردّ کتابی که یک آقای اصفهانی در آن کتاب روایات مربوط به دجال را دروغین دانسته مطرح گردیده است .

پرسش: ما در قائمیه گفته بودیم که آقا بقیه الله از بقیه ائمه نه گانه

افضل است؛ پرسش شده است اگر آنها نور واحد هستند چگونه یکی بر دیگری افضلیت دارد؟

پاسخ: نور واحد بودن مطلبی غیر از افضلیت است. ما شک نداریم که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از همه ائمه افضل است حال آنکه همگی نور واحدند. همچنین شک نداریم که امیرالمؤمنین علیه السلام از بقیه ائمه افضل است در حالی که نور واحدند. حتی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرمودند که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفت در حالی که از من افضل بود و در آن اجتماع بزرگ در روز عاشورا به افضلیت مادر، پدر و برادرش اشاره نمود در حالی که همگی نور واحدند.

پرسش: شما گفته اید که اگر حضرت علیه السلام ظهور نمایند ظلمی در روی زمین نمی ماند و عدالت جاری می شود؛ آیا مگر وجود ظلم لازمه نظام احسن نیست؟

پاسخ: خیر. البته اگر کسی تابلویی نقاشی کند و در آن از رنگهای مختلف استفاده کند بسیار زیبا خواهد شد ولی نظام هستی و نظام احسن نیازی به ظلم ندارد.

پرسش: آیا حدود در زمان حضرت علیه السلام اجرا می شود. اگر اینگونه باشد پس ظلم برداشته نشده است؟

پاسخ: تا زمانی که مجرم در زمین باشد حدّ نیز جاری می شود ولی بعد از آن نیازی به حدّ نیست. روایاتی وجود دارد که می فرماید آقا بقیه الله

فقط هشت ماه از شمشیر استفاده می کند و بعد از آن نیازی به شمشیر نخواهد داشت .

پرسش : آیا کسانی که در جزیره خضراء هستند همگی عمر طولانی دارند ؟

پاسخ : بله عمر طولانی دارند اما اینکه چه مقدار باشد نمی دانیم . یکی از دلایل طول عمر ، شاید شرایط جوی آنجا باشد زیرا مثلص برمودا در جایی است که در نزدیکی آن همان محلی قرار دارد که جناب خضر علیه السلام آب

حیوان را آنجا میل فرمودند . البته انتخاب یک محل برای زندگی از طرف معصوم علیه السلام قطعاً دلایلی دارد و لذا به همین دلایل وضع استثنایی و خاصی در آنجا باید باشد .

پرسش : آیا جزیره خضراء افسانه است یا واقعیت ؟

پاسخ : ما یقین داریم که واقعیت دارد اما کسانی که آن را افسانه می دانند می گویند این مطلب رمانتیک است .

حال آنکه شخصیت‌های صاحب نظر در این زمینه نظر داده اند مثلاً تقریظ بسیار مفصلی حضرت آیه الله مرعشی در تأیید کتاب جزیره خضراء نوشتند که آن را در اول کتاب چاپ کرده ایم .

آیت الله صافی نیز 23 صفحه تقریظ نوشته اند که چاپ نکردیم ولی خود ایشان در جلد سوم منتخب الاثر بحثی را اختصاص داده اند به دفاع از جزیره خضراء .

همچنین از آیت الله مکارم استفتاء شده است و ایشان تائید کردند و آن چاپ شده است .

همچنین از افراد صاحب نظر دیگری نیز مطالبی در تائید کتاب نقل شده است .

اما حدود هشت کتاب مستقل در ردّ بر این کتاب چاپ شده است که ما همه را کلمه به کلمه خوانده ایم زیرا با کسی غرضی نداریم . سعی ما بر این است که در قبر جوابگوی اعمال خود باشیم ، نه اینکه حتماً از نوشته خود دفاع کنیم .

پرسش : درباره مستر آداموس مطالبی مطرح شود .

پاسخ : ما کتابهای ایشان را مطالعه و پی گیری نموده ایم و غالب آنچه او خبر داده تحقق پیدا نموده است . او فقط یک مورد درباره حضرت خیر داده است که حضرت مهدی علیه السلام در ماه هفتم سال 1999 . م . ظهور می کند .

البته خیلی زیبا نوشته است که : سلطان آسمانی با قدرت از آسمان نازل می شود ، در بساط گیتی عدالت را می گسترداند و در تمام دنیا اثری از ظلم و ستم نمی ماند و عرب را عزت می بخشد ؛ و با این جمله اخیر این را می رساند که مطلب در مورد حضرت عیسی علیه السلام نیست .

اما از آنجا که حدیث « کذب الوقاتون » و یا حدیث « ابی الله الا ان یخالف وقت الموقتون » و یا موارد نظیر آن در روایات آمده است کاملاً بیان شده است که هرکس هر وقتی را که تعیین کرده ، خداوند اراده کرده که برخلاف حرف او انجام بدهد . لذا نوشته مستر آداموس هم خلاف واقع بود .

پرسش : آیا نظر امام زمان علیه السلام درباره ایران امروز چیست ؟

پاسخ : هر کس هر صحبتی را به امام علیه السلام نسبت دهد به ایشان تهمت زده است ، چه مثبت بگوید و چه منفی . اکنون دوران غیبت است و اگر کسی خواب ببیند ، خواب حجت نیست . اگر پیامی آورده باشد وظیفه ما این است که او را تکذیب کنیم و او را دروغگو بدانیم .

پرسش : شما از طرفی سخن از بالا بردن ظرفیت می کنید و از طرفی می گوئید جهان باید پر از ظلم شود .

پاسخ : جهان پر از ظلم شده است و ظرفیت هم در یک معنی یعنی زمینه . اگر ظلم بسیار فراوان شود خودبخود زمینه پذیرش حق را آماده می کند . صحبت از زمینه ها است مثلاً علی علیه السلام فرمودند که اگر بخواهم ، از آب نور تهیه می کنم . سالها بعد که برق اختراع شد مردم فهمیدند که این کار عملی است ولی چرا او این کار را نکرد ، زیرا زمان مساعد نبود . هر چیزی برای خودش زمینه مناسب خودش را می طلبد . در مورد زمان ظهور هم همینگونه است و ما می دانیم که با پیشرفت علم بسیاری از زمینه ها و آمادگی ها فراهم می شود و تناقضی بین این دو جمله نیست .

پرسش : چرا فقط از وظایف فردی سخن می گوئید پس چرا درباره وظایف جامعه در مورد آقا بقیه الله سخن نمی گوئید ؟

پاسخ : اولاً جامعه را افراد به وجود می آورند . ثانیاً بحثهای ما در مورد خودسازی است و زمانی که افراد خود را ساختند جامعه نیز ساخته

می شود .

البته هر کس مطابق شأن و در حد خود وظیفه دارد . یکی در حد اصلاح خود ، یکی در حد اصلاح دیگران ، یا در حد اطلاع گیری و یا اطلاع رسانی . مثلاً یک رئیس جمهور وظیفه ای دارد که ما آن وظیفه را نداریم ، و یک مرجع تقلید هم همچنین است .

مثلاً آیت الله وحید خراسانی سال گذشته اعلام کرده است که در شب نیمه شعبان یعنی فرداشب هر کس در هر کجا باشد رأس ساعت هشت شب به نام نامی امام هشتم علیه السلام برای فرج آقا بقیه الله دعا کند ، ایشان مرجع تقلید است و می تواند به جامعه دستور دهد .

پرسش : ما چگونه می توانیم برتری اسلام را بر دیگر ادیان برای متدینین به آن ادیان توضیح دهیم ؟

پاسخ : [نوار تمام است]

پایان جلسه چهارم

ص: 83

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم
على اعدائهم اجمعين

در شبهای گذشته چهار حدیث از محمد بن علی کوفی نقل نموده و بررسی کردیم و برای راهگشایی و شناخت او و احادیث اینچنین به همین موارد که نقل شده بسنده می کنیم . یکی از مراجع تقلید ، تحقیقات دامنه داری در این مورد انجام داده و بالغ بر 50 حدیث که در آنها حضرت مهدی علیه السلام را مرد خون و شمشیر معرفی کرده است استخراج نموده ، که قریب 30 مورد از آنها به نقل از محمد بن علی کوفی است . غیر از او شخص دیگری نیز شناسایی شده که احادیث بسیار مستهجنی را در این رابطه جعل کرده است .

نام این شخص احمد بن محمد ایادی است . ما او را اصلاً نمی شناسیم

حال آنکه داستان محمد بن علی کوفی مشخص بود و از کتب رجال مطالبی را در مورد او نقل کردیم که دروغگو و دروغ باف است؛ اما هیچیک از علمای رجال نامی از احمد بن محمد ایادی در کتب خود نیاورده اند. لذا در مورد ایشان که از کجا متولد شده، چه اعتقادی داشته، از چه کسی روایت کرده یا چه کسی از او روایت کرده است و چقدر به او می توان اعتماد کرد، هیچ اطلاعی در دست نیست. لذا این شخص را مجهول می نامیم و مطلقاً اعتبار ندارد.

مطلب دیگر اینکه 18 حدیث از او به ما رسیده است که در همه آنها اسامی راویان واسطه سند حذف شده است و به اصطلاح، حدیث «مرفوعه» است؛ یعنی می گوید من شنیدم از فلان که رَفَعَهُ، یعنی سلسله سند را حذف می کند تا به راوی اول برسد؛ مثلاً می گوید شنیدم از زراره که از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. لذا هم خودش ناشناس است و هم راویان واسطه، یعنی دو ضعف سند در کل احادیث نقل شده او وجود دارد.

در یکی از احادیثی که او جعل کرده، آمده است که:

«گروهی از بنی امیه از لشکر حضرت مهدی علیه السلام شکست خورده، به پادشاه روم پناه می برند آنها به این شرط به این گروه پناه می دهند که به آئین مسیحیت وارد شوند، صلیب بر گردن ببندازند، زنار به کمر ببندند، از گوشت خوک استفاده کنند، مشروب بخورند و به آنها (مسیحیان) دختر داده، و از آنها دختر بگیرند» (1).

ص: 85

یعنی هم از لحاظ ظاهر، هم از لحاظ شیوه و اعتقاد و احکام، باید یک مسیحی کامل بشوند. اینها هم که در جنگ شکست خورده هستند چاره ای جز پذیرش آن موارد ندارند.

احمد بن محمد ایادی در ادامه حدیث می آورد که:

« حضرت قائم علیه السلام آن ها را از جنگ مسیحیان در می آورد، مردانشان را می کشد و شکم زنان حامله شان را می شکافد و صلیب هایشان را بر فراز نیزه می زند ». (1)

این مطلب را جز به افرادی شبیه به حجاج بن یوسف نمی توان نسبت داد؛ حال آنکه امام زمان علیه السلام، امام رحمت و رأفت و مظهر همه صفات نیکوی حق تعالی است.

البته راوی مجهول و روایت مهمل است؛ ثانیاً راویان ناشناخته و حدیث مرفوعه است؛ ثالثاً محتوا نیز مستهجن. پس شک نداریم که حدیث مجعول است و هیچکس نمی تواند آن را به آقا بقیه الله نسبت دهد. اما اکنون برای اینکه مطلب خالی از دلیل نباشد، دلایلی در جعلی بودن آن نیز مطرح می نمایم:

1 - از نظر فقه اسلام، و نه فقط شیعه، اگر زنی - نعوذ بالله - از حرام حامله باشد نمی توان بر او حد جاری کرد، بلکه باید بعد از وضع حمل حکم اسلام را بر او جاری کنند. زیرا پدر و مادر گناه کرده اند ولی بچه که

ص: 86

1- . همان .

گناه مرتکب نشده است .

در تاریخ دهها مورد بیان شده است که در دوره حکومت خلفای جور از زنان به حرام باردار شده خبر آوردند و آنها دستور دادند که سنگسارش کنند ، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام به داد آنها رسیده و فقط مادر را گناه کار دانسته و فرموده که بچه بی گناه است و مادر باید حملش را وضع کند و بعداً حکم جاری شود . داستان لطیفی در همین زمینه از علی علیه السلام نقل شده است :

آمده است که زنی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و گفت که مرتکب حرام شده ام و از شما می خواهم مرا تطهیر کنید یعنی بر من حدّ جاری کنید . ایشان فرمودند : آیا همسر داشتی ؟ گفت : بله .

فرمود : آیا همسرت در مسافرت بود ؟ گفت : خیر . بعد از اینکه چهار مرتبه اقرار کرد و مستحق رجم و سنگسار شد ، حضرت فرمود : فعلاً برو ، هنگامی که بچه ات را وضع کردی ، برگرد .

آن زن رفت و پس از وضع حمل ، دوباره خدمت حضرت برگشت . حضرت فرمود : برو و مطابق فرموده قرآن دو سال تمام بچه ات را شیر بده .

پس از دو سال برگشت و تقاضای اجرای حدّ نمود . حضرت فرمود برو بچه ات را تربیت کن تا بزرگ شود و به حدی برسد که از بام نیفتد ، و در چاه سقوط نکند . زن در حالی که از حضرت دور می شد و گریه می کرد با عمرو بن حریث مخزومی برخورد کرد ، وقتی عمرو علت گریه را پرسید ، زن گفت : می ترسم بروم و در این فاصله اجل فرا برسد و قبل از اجرای حدّ الهی

بمیرم و در آن دنیا گرفتار شوم. (1)

این یکی از مواردی است که شیوه رفتاری امیرالمومنین علی علیه السلام را نشان می دهد، آن هم با زنی که از حرام حامله شده است. لذا همه فقها به همین سنت علی علیه السلام زن حامله را سنگسار نمی کنند و این فقه اسلامی است؛ اما احمد بن محمد ایادی ظاهراً متوجه نبوده است که این مطلب جعل شده خلاف آئین اسلامی است.

2 - ظاهراً این شخص داستان سفیانی را با این داستان مخلوط نموده است. امیر مؤمنان به هنگام تشریح عملکرد سفیانی در آستانه ظهور می فرماید:

سپاه سفیانی به فرمانده خودش به مدینه وارد می شوند. مردم را قتل عام می کنند و 400 نفر از قریش را می کشد، شکم ها را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند. (2)

همچنین از ابن عباس نقل شده است که سفیانی خروج می کند و می جنگد تا جایی که شکم زنان را پاره می کند و کودکان را در دیگ می جوشاند. (3)

3 - بر اساس روایات، حضرت بقیه الله علیه السلام در روزهای آغازین قیام سپاهی به سوی روم می فرستد و روم را فتح می کنند و اولین مسجدی که به امر ایشان ساخته می شود، در آتن بنا نهاده می شود. (4)

ص: 88

-
- 1- برگرفته از کافی، ج 7، ص 185؛ تهذیب الاحکام، ج 1، ص 9؛ الفقیه، ج 4، ص 22؛ وسائل الشیعه، ج 28، ص 103.
 - 2- الملاحم و الفتن، ص 57، ب 107.
 - 3- نعیم بن حماد مروزی، الفتن، ص 211، ح 846.
 - 4- روزگار رهایی، ج 1، ص 499.

از این روایات اینگونه نتیجه گیری می شود که پس از فتح روم پادشاهی باقی نمی ماند که بنی امیه بخواهند در آنجا پناهنده شوند .

لذا این حدیث نه از لحاظ سند و نه مفهوم و نه محتوا و نه تاریخ سندیت ندارد .

اکنون به حدیث دیگری که احمد بن محمد ایادی جعل نموده می پردازیم :

او به نقل از امام صادق علیه السلام با سند مرفوعه روایت می کند :

« يَقْتُلُ الْمَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ » (1)

« حضرت مهدی علیه السلام آنقدر می کشد تا خون به زانو برسد » .

کلمه « سوق » به دو صورت خوانده می شود یکی « سُوقٌ » و دیگری « سُوقٌ » .

« سُوقٌ » جمع ساق و به معنای ساق پا است ؛ یعنی آنقدر می کشد که خون به ساق پا می رسد .

« سُوقٌ » جمع سُوقَه و به معنای افراد معمولی است ؛ یعنی آنقدر می کشد

که پس از کشتن نظامی ها و جنگجوها ، نوبت به افراد عادی می رسد .

اگر تعبیر اول (ساق پا) را بپذیریم نشان دهنده این است که این جاعل حدیث اصلاً در جایی که خون ریخته شده باشد نرفته است .

هم اکنون کسانی که به مکه مشرف می شوند برای ذبح قربانی به مسلخ نمی روند ولی سابقاً حجاج برای ذبح قربانی شخصاً به قربانگاه می رفتند و اگر روش ذبح نیز نمی دانستند قصاب می آوردند و خودشان دعای ذبح را

ص: 89

می خواندند . در آن زمان حدود یک میلیون حاجی به قربانگاه می رفتند و هر کدام حداقل یک گوسفند قربانی می کرد . من شخصاً در آنجا دیده ام که بعد از قربانی یک میلیون گوسفند ، خون به قوزک پا هم نمی رسید چه برسد به ساق پا . یعنی احمد بن محمد ایادی در هنگام جعل حدیث حتی متوجه این نبوده است که چقدر آدم باید کشته شود تا خون به ساق پا برسد ؛ آنهم در مورد مولایی که رحمة للعالمین است و در اولین خطبه اش خود را مظهر رحمت الهی می خواند .

اگر تعبیر دوم یعنی « سُوقٌ » را بپذیریم باید بیندیشیم آیا حتی خبیث ترین آدم ها نیز چنین کاری را انجام می دهد ؟

در اسلام تعرض به غیر نظامی به شدت محکوم است . علی علیه السلام در مورد جنگ بصره فرمودند : شما آغازگر جنگ نباشید ، فراری را دنبال نکنید ، زخمی ها را نکشید ، متعرض زنان نشوید . اینها احکام روشن اسلام است . در مورد جنگهای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که در آغاز نبرد - به تعبیر امروز - بخشنامه هایی را صادر می کردند : 1 - شما آغازگر جنگ نباشید ، 2 - آب را به روی دشمن نبندید ، 3 - درختان را نبرید ، 4 - به زنان متعرض نشوید ، 5 - اسیر را نکشید و ...

احمد بن محمد ایادی در ادامه حدیث می گوید یکی از عموزادگان حضرت می آید و به ایشان عرضه می دارد که : شما مردم را همانند چهارپایان از خود رم می دهید . یعنی آقا بقیه الله برخلاف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که جذب مردم بود ، به رم دادن مردم می پردازد ؛ این تعابیر بسیار دور از حقیقت است .

ما در جلسات گذشته مطالب زیادی در مورد رحمت است، و پناه بردن امت به حضرت نقل نمودیم از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: « امت من به او پناه می برند همانگونه که پرندگان به آشیانه خود » (1) و یا در حدیث دیگر فرمودند: « امت من به او پناه می برند همانگونه که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند ». (2)

علی علیه السلام فرمودند حضرت مهدی علیه السلام از لحاظ دانش از همه برتر و از لحاظ پناهدهی از همه وسیعتر است.

همچنین در ادامه حدیثش آورده است که یکی از نزدیکان حضرت به او اعتراض می کند که چقدر آدم می کشی؟ حضرت طبق نقل ایادی می فرماید: ساکت شو، وگرنه می دهم گردنت را بزنند.

در شبهای گذشته با یکی از عزیزان ره یافته مصاحبه کردند که قبل از پذیرش تشیع و بعد از آن را، چگونه ارزیابی می کنید؟ پاسخ دادند که من تا پیش از پذیرش آئین شیعه، پیرو خلیفه ای بودم که وقتی از او در مورد آیه « وَعَنْبَاءٌ وَقَضَبًا » (3) پرسیدند دستور داد سؤال کننده را تازیانه بزنند که چرا چنین سؤالی کردی. ولی اکنون پیرو امامی هستم که می فرماید: سلونی قبل ان تفقدونی. او مردم را از پرسش منع می کند ولی این مردم را به پرسش دعوت می کند. تنها با توجه به همین مطلب چگونه می شود فرزند علی علیه السلام به متعرض خود بگوید: گرت را می زنم.

ص: 91

1- . دلایل الامامة، ص 445، ح 418.

2- . مروزی، الفتن، ص 252؛ الحادی للفتاوی، ج 2، ص 77.

3- . عبس، 28.

این دو حدیث ، دو نمونه از 18 حدیثی است که احمد بن محمد ایادی نقل کرده است . اما نفر دیگری نیز که جاعل برخی از احادیث در مورد حضرت علیه السلام است علی بن ابی حمزه بطائنی است .

او یکی از پایه گذاران واقفیه است که هفت امامی اند و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به عنوان آخرین امام می شناسند و به امامت امام رضا علیه السلام معتقد نشدند .

حسن بن علی و شا روایت کرده که در مرو در خدمت امام رضا علیه السلام بودم

که ایشان مرا فراخواند و فرمود : ای حسن ، امروز علی بن ابی حمزه بطائنی در گذشت و همین الان او را در قبر گذاشتند و از او در مورد اعتقاداتش و امامانش پرسیدند و او تا موسی بن جعفر علیه السلام امامان خود را معرفی کرد . از او پرسیدند پس از او چه کسی امام توست . زبانش بند آمد . برای بار دوم و سوم که از او پرسیدند و جواب نداد گریزی آتشین بر روی او کوبیدند که تمام قبرش پر از آتش شد تا روز قیامت .

حسن بن علی و شا می گوید من از خدمت امام رضا علیه السلام خارج شدم و تاریخ و ساعت این گفتگو را نوشتم .

بعد از هفته ها که نامه از کوفیان به دستم رسید در آن نامه ها از درگذشت بطائنی در همان روز و دفن او در همان ساعت خبر داده بودند [\(1\)](#).

بطائنی هم حدیثی در خشونت و خونریزی حضرت علیه السلام جعل کرده است ، ولی تنها به همین مطالب در مورد او بسنده می کنیم .

ص: 92

در مجموع از بین 50 حدیث تنها شش حدیث را که هر کدام مضمون خاصی داشتند بررسی کردیم و گمان می‌کنیم که این بررسی‌ها کافی باشد. و از آنجا که در سؤالات بسیاری که مطرح شده است و هنوز به ارائه پاسخ فرصت نشده است مطالب مورد نیاز پرسش‌کنندگان موجود است و من برای آن پرسشها اهمیت ویژه‌ای قائل هستم، لذا به پاسخ آنها می‌پردازیم.

ص: 93

پرسش : آیا در زمان ظهور مرگ و میر هست یا خیر ؟

پاسخ : بله مرگ و میر ادامه دارد تنها تفاوتش این است که در آن زمان عمرها طولانی می شود . در برخی از احادیث آمده است که هر کسی حدود 1000 نفر از اولادش را می بیند .

پرسش : اگر قضاوت داوودی نباشد و مثلاً شخصی تنها سرمایه خود را از دست بدهد ، شاهدهی هم نباشد و آن شخص دزد هم قسم دروغینی بخورد حق مردم ضایع نمی شود ؟

پاسخ : در جلسات گذشته گفتیم که مردم بی نیاز می شوند تا آنجا که دلهایشان نیز بی نیاز می شود و لذا نوبت بدین سرقتها نمی رسد . البته در شرع اسلام برای دزدی بریدن دست را به عنوان اجرای حدّ قرار داده اند ولی این بریدن دست ، بیست و چهار شرط دارد که یکی از آنها این است که در دنیا امکانات رفاهی باشد و دزد از روی ناچاری به دزدی نرفته باشد .

در زمان ظهور دلها بی نیاز می شود ، عقلها کامل می شود ، دین ها غنی می شود یعنی اگر کسی احتیاج نیز داشته باشد باز هم حاضر نیست که از کسی چیزی بدزدد .

پرسش : آیا اگر توبه پذیرفته شود بین کسی که از آغاز مؤمن بوده با کسی که در پایان عمر توبه کرده است تفاوتی وجود ندارد ؟

پاسخ : چرا . حتی در قرآن آمده است آنانکه قبل از فتح مکه ایمان

آورده اند با کسانی که بعد از فتح ایمان آورده اند نزد خدا یکسان نیستند . اما از لحظه ای که توبه کنند و اسلام آورند احکام اسلامی بر آنها واجب می شود .

پرسش : اگر همه جا عدل و داد هست دیگر نیازی به قضاوت نیست .

پاسخ : اولاً مقاطع مختلف زمانی با هم متفاوتند و اوایل ظهور همه کارها حل نشده است . ثانیاً همه قضاوتها بین مترافعین نیست و در حدیثی هم که نقل کردیم زنان در خانه های خود بر اساس سنت پیامبر و کتاب خدا حکم می کنند ، و منظور آشنایی آنهاست در هر موضوعی که داوری می کنند .

پرسش : آیا داستان نورآباد از مرحوم آیت الله میرجهانی درست است ؟

پاسخ : بله من مکرر این موضوعات را از محضر ایشان شنیده بودم ، و ایشان نقل می فرمودند که دو نفر از نورآباد آمده بودند و می گفتند که ما از اولاد آقا بقیه الله هستیم و در شهرما همه مردم از اولاد آن حضرت هستند . و آنچه که در جلسات پیش عرض کردم که چیزی شبیه به موبایل تصویری در 25 سال پیش دیده شده ، در دست ایشان نیز بوده است .

پرسش : این افراد که از نورآباد آمده اند گفته اند که کسی نمی تواند به آنجا برود آیا این درست است ؟

پاسخ : بله ، آنها در پوششی هستند که رهگذرها آنان را نمی بینند و نمی توانند به آنجا نیز وارد شوند .

پرسش : حضرت خطبه های خود را به چه زبانی می خواند ؟

پاسخ : ما شکی نداریم که زبان حضرت زبان عربی است و زبان عربی زبان اسلام است و در آن زمان همگی زبان عربی را یاد می گیرند . اما در شب ظهور که بانگ آسمانی ندا می کند : ایها الناس ، بقیه الله آمد ، در روایات فراوانی آمده است که این بانگ آسمانی به زبانی است که همه می فهمند ، و بدین تعبیر آمده است که هر کس آن را به زبان خودش می شنود .

هم اکنون در برخی سمینارها و سخنرانی ها در همان مکان با تمهیداتی متن سخنرانی به زبانهای مختلف ترجمه می شود . در زمان ظهور این مطلب وجود دارد اما بدون نیاز به وسایل و ابزار . این که می گوئیم بدون نیاز به وسایل و ابزار ، این مطلبی است که قبلاً واقع شده است و ما آن را در روایات داریم که هر کس بیانات حضرت را به زبان خودش شنیده است . نمونه اش عالمی است به نام علامه بم که حدود 8 سال قبل در حدود 100 سالگی وفات کرد . ایشان از خیلی سالهای قبل با عده ای اهالی بم به مکه مشرف شده اند در آنجا خطبه حضرت را می شنود و هنگامی که به جایگاه خود برمی گردد می شنود که هر کسی می گوید که آقا چنین و چنان فرمودند . علامه از آنها می پرسد که مگر شما زبان عربی بلد هستید ؟ گفتند : نه . پرسیدند پس از کجا فهمیدید که ایشان چه فرمود ؟ گفتند : آقا فارسی حرف می زد . بعد متوجه شدند که خودشان که عربی بلد بودند ، سخنان حضرت را به عربی شنیده ولی دیگر همراهانش که عربی نمی دانستند ، به فارسی شنیدند . این داستان در عالم به وقوع رسیده است .

ص: 96

این مطالب ، مربوط به صیحه آسمانی بود اما اینکه همه موارد اینگونه است ما اطلاعاتی در دست نداریم ، اما چون عربی زبان اسلامی و بین المللی ماست می باید آن را بیاموزیم . حتی برخی از کشورها پس از ظهور اسلام زبان خود را به زبان اسلامی یعنی عربی تغییر دادند ؛ مانند مصر ، که زبانش قبلی بوده و آن را تغییر داده اند .

پرسش : آنچه در روایات آمده است که در زمان غیبت هیچ کاری و هیچ حرکتی نکنید آیا ما منتظر باشیم تا ظلم همه جا را بگیرد ؟

پاسخ : خیر . ده حکم شرعی وجود دارد که از آنها به فروع دین تعبیر می کنیم یکی از اینها امر به معروف و یکی نهی از منکر است . این دو مخصوص واعظ و گوینده و مبلغ نیست بلکه هر مسلمانی بدین امر وظیفه دارد و در حد امکان و بر اساس شرایط موجود موظف هستند در مقابل ظلم و احجاف و تعدی و منکر اقدام نمایند و به عدل و داد راهنمایی کنند .

پرسش : آیا نام سید خراسانی را می دانید ؟

پاسخ : خیر . کسی به نام شعیب بن صالح مطرح است آنهم از طالقان . اما آن کسی که به نام سید حسنی از خراسان معروف است نامش در روایات نیامده است . گذشته از این ، سید خراسانی جزء علائم حتمیه نیست اگر چه حدیثی هم داریم که آن را از علائم حتمیه شمرده است ؛ ولی علائم حتمیه پنج علامت است که عبارتند از خروج سفیانی ، یمانی ، صیحه آسمانی ، خصب سرزمین بیداء و قتل نفس زکیه ؛ مرحوم آیت الله قزوینی در کتاب

« الامام المهدي من المهدى الى الظهور » تصريح نموده اند که خروج سید خراسانی جزء علائم حتمیه نیست .

مطلب دیگر اینکه داستان آن کس که در منابع تبلیغ می کند اساس قطعی ندارد ، اولاً او خراسانی نیست مادرش اهل نجف آباد و پدرش اهل اطراف تبریز است و پدرش تا روز آخر صحبت کردن فارسی را بلد نبودند دوم اینکه او سید حسنی است حال آنکه همه امضاهاى این شخص سید حسنی است . سید حسنی در دستش نشان دارد اما ایشان نشان ندارد .

مطلب دیگر این است که در مواقع مختلف اتفاقاتی می افتد مثلاً در 30 یا 40 سال قبل آیت الله العظمی قمی در خراسان درگیری فراوانی در خصوص حوادث آن زمان داشت . او تلاش می کرد و به زندان می رفت و تبعید می شد . برخی از ما می پرسیدند که آیا او سید حسنی است ؟ این پرسشها دلیل عدم آشنایی با مکتب مهدویت علیه السلام است .

پرسش : در احادیث آمده است که با دیدن نشانه های مرگ باب توبه بسته می شود اما چگونه است که شنیده می شود فلان شخص در نزدیک مرگ توبه کرد و بعداً در خواب دیدند که در آسایش و راحتی به سر می برد ؟

پاسخ : عدم پذیرش توبه با دیدن نشانه ها و آثار مرگ ، متن صریح قرآن است که می فرماید : « وَ لَيْسَ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ » (1)

ص: 98

« و توبه کسانی که کارهای ناشایست انجام می دهند ، و سرانجام چون مرگ هر کدامشان فرا برسد بگویند اینک توبه کردم ، پذیرفته نیست . «

مطلب دیگر اینکه نزدیک مرگ با دیدن آثار مرگ تفاوت دارد . قرآن کریم به صراحت توبه را به سه بخش تقسیم کرده یکی توبه ای است که خدا بر خود واجب کرده که آن را ببخشد و آن توبه کسی است که بلافاصله و بی درنگ پس از انجام گناه توبه کند . دیگر توبه کسی است که آثار مرگ را ببیند ، و طبق آیه ای که تلاوت شد توبه او پذیرفته نمی شود . دسته سوم کسانی اند که توبه نکرده ولی آثار مرگ را نیز مشاهده نکرده اند . توبه این دسته به عنایت خدا بستگی دارد اگر بخواهد می پذیرد و الا نمی پذیرد ، اما بر اساس روایات توبه واقعی قطعاً تا پیش از دیدن آثار مرگ به عنایت الهی پذیرفته می شود .

پرسش : آیا شمشیر سمبلیک است یا اینکه آقا از وسایل مدرن استفاده نمی کند ؟

پاسخ : یقیناً حضرت وسایل مدرن تر از وسایل موجود را خواهد آورد .

[پاسخ ناتمام است]

پایان جلسه پنجم

ص: 99

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين و بعد فقد قال الحكيم : اعوذ بالله من الشيطان الرجيم « وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا » (1)

امشب شام يكهزار و يكصد و هفتادمين سالروز ميلاد مسعود آقا بقيه الله است . اميدواريم كه امسال به پايان نرسد مگر با امضای ظهور آقا بقيه الله .

ما امسال را در حالی جشن گرفتيم كه زادگاه آن حضرت مورد تهاجم استكبار جهانی است و پایگاه حكومتی ایشان یعنی كوفه كه پایتخت دولت

ص: 100

کریمه است در تهاجم و اشغال دشمنان ایشان است . و بزرگترین و کهنترین آکادمی علمی شیعه یعنی نجف اشرف مورد تهاجم مخالفین آقا بقیه الله است ، لذا خداوند را قسم می دهیم به مولود شب گذشته ، که هر چه زودتر این اماکن مقدسه را از اشغال مهاجمان بیرون بیاورد ؛ و همه ما را جزء منتظران و شیعیان و خادمان آقا بقیه الله قرار بدهد ، ان شاء الله .

وقتی این کشت و کشتارها و خونریزیها و اشغالها مطرح می شود آنچه که در اذهان رنگ می گیرد مسئله انتقام است ، و انسان دعا می کند که خدایا منتقم را برسان .

انتقام یک واژه ای است که مفاهیم کشت و کشتار را نیز در اذهان تداعی می کند و ما به دنبال مباحث شبهای گذشته که در مورد احادیث جعلی نسبت داده شده به حضرت از جمله خشونت بود امشب بحثی در مورد انتقام مطرح می نمایم .

یقیناً یکی از نامهای مسلم آقا بقیه الله علیه السلام « منتقم » است . این نام در تمامی منابع معتبر و محکم ما آمده است ؛ به عنوان نمونه در شب معراج هنگامی که خداوند منان آقا بقیه الله را به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم معرفی می کند می فرماید : « یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم و عزتی و جلالی انه الحجة الواجبه لاولیائی » سوگند به عزت و جلالم که او حجت واجب است ، یعنی حجتی که اطاعت او بر مردمان واجب است ، و یا به تعبیر دیگر حجتی است که وجود او برای دوستانم ضروری است ، و حجتی که باید روی زمین باشد او همان حجت واجب است .

در ادامه می فرماید :

ص: 101

« و المنتقم من اعدائی » (1) او انتقام گیرنده از دشمنان من است . پس خدا هم او را به عنوان « منتقم » برای رسولش معرفی کرده است .

در حدیث دیگری در همین داستان معراج آمده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سیمای ملکوتی حضرت بقیه الله را بر عرش به عنوان ستاره ای فروزان ، یا به تعبیر حدیث « کالکولب الدرّی » ، مشاهده نمودند عرض کردند الهی این که در کنار دیگرانی که نشسته اند ، ایستاده است کیست ؟

خداوند فرمود : « هذا القائم الذی یحلل حلالی و یحرم حرامی » این همان ایستاده ای است که به وسیله او حلالم را حلال و حرامم را حرام می کنم ؛ یعنی حلال و حرام را که در طول زمان کم رنگ شده است مثلاً ربا را به نام کارمزد و شطرنج را به نام ورزش ذهنی و موسیقی را به عنوان چیزی که می توان به وسیله آن به خدا رسید و امثال اینها را که تحریف و توجیه شده است معین کرده و حلال را حلال و حرام را حرام می کند .

در ادامه می فرماید : « و به انتقم من اعدائی » (2) و به وسیله او از دشمنانم که موارد حلال و حرام را تحریف کرده اند انتقام خواهم گرفت .

روز عاشورا که آن حادثه تلخ واقع شد فرشته ها آمدند و به خداوند متعال عرض کردند : الهی این فرزند حبیب شماست آیا رواست که او را به

ص : 102

-
- 1- . شیخ طوسی ، الغیبة ، ص 148 ، ح 109 ؛ فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج 1 ، ص 75 ، ح 48 ؛ حموبنی ، فرائد السمطین ، ج 2 ، ص 319 ؛ حر عاملی ، اثبات الهداة ، ج 1 ، ص 549 ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص 114 ، ح 17 .
 - 2- . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج 1 ، ص 253 ، باب 23 ، ح 2 ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج 52 ، ص 379 .

این وضع فجیع بکشند و شما هیچ کاری انجام ندهی؟ خداوند شَبَّحَ آقا بقیه الله را به فرشته ها نشان داد و فرمود: « بهذا انتقم له بظالمیه » (1) به وسیله ایشان انتقام حسین مظلوم را از دشمنانش خواهم گرفت .

امام کاظم علیه السلام در تعقیبات نماز عصر در ضمن دعای مفصلی می فرمود: « و ان تعجل فرج المنتقم من اعدانک » (2) خدایا از تو می خواهم در فرج آن

آقایی که انتقام تو را از دشمنانت خواهد گرفت تعجیل بفرمایی .

نوفلی در آنجا حضور داشت و این دعا را در ادامه نماز حضرت علیه السلام شنید . عرض کرد: منظور شما چه کسی است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: « ذلک المهدی علیه السلام من آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم » (3) او همان مهدی علیه السلام از آل پیامبر است .

در داستان احمد بن اسحاق که وکیل آقا امام حسن عسکری علیه السلام در قم بودند، آمده است که پس از ولادت حضرت مهدی علیه السلام امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای از سامرا به احمد بن اسحاق در قم نوشتند، که ای احمد، آقا بقیه الله به دنیا آمد . خواستیم که در این جشن و سرور ما شما هم سهیم باشید؛ سپس امر فرمودند که از پول سهم امام که در اختیار دارید گوسفندانی را بخر و قربانی کن؛ آنگاه غذایی را مهیا کن و دوستان ما را دعوت کن و بگو این غذا عقیقه فرزندم حضرت مهدی علیه السلام است .

احمد بن اسحاق بعدها با چهل نفر به سامرا رفت و خدمت آقا امام

ص: 103

1- . شیخ طوسی، الامالی، ص 418، مجلس 14، ح 89؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 221 .

2- . شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص 74، کتاب الصلاة، ح 92 .

3- . سید بن طاووس، فلاح السائل، ص 200، فصل 21 .

حسن عسکری علیه السلام رسید و تقاضا نمود که آن فرزند مبارک را ببیند . امام علیه السلام بعد از بررسی افراد ، به داخل خانه رفتند و فرزندی را که همچون ماه ، نورانی و زیبا بود روی دست گرفته و آوردند .

احمد بن اسحاق گفت که آقا ، یک نشان برای ما تعیین کنید . پس از این درخواست ، خود حضرت بقیه الله فرمودند ای احمد بن اسحاق بعد از دیدن از آدرس مپرس ، بعد از رسیدن از نشان مپرس . « انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه » (1) من تنها بازمانده از حجج الهی در زمین هستم و من هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت . پس متوجه شدیم که هم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و هم امام کاظم علیه السلام و هم خود حضرت ، خودشان را منتقم معرفی کرده اند .

یکی دیگر از القابی که در همین مضمون است تعبیر « الثائر » است . این واژه همان معنای « منتقم » را می رساند . « ثائر » از ماده « ثار » است که در کتب لغت برای آن سه معنا آمده است :

1 - خون (2)

2 - طلب خون (3)

3 - خون طلب شده

خونی که طلب نشود و هدر برود با واژه « طلّ » (4) معرفی می شود ، اما

ص: 104

1- . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج 2 ، ص 384 ، باب 38 ، ح 1 .

2- . طریحی ، مجمع البحرین ، ج 2 ، ص 234 .

3- . خلیل ، ترتیب العین ، ص 114 .

4- . ابوهلال ، الفروق اللغویه ، ص 253 .

اگر خون ریخته شده را مطالبه کنند به آن «ثار» (1) می گویند، لذا «ثائر» یعنی خونخواه، یا مطالبه کننده خون. (2)

این واژه در کلام خدای منان نیز آمده آنهم در هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در شب معراج اشباح دوازده امام را مشاهده کردند خطاب شد که «یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم هؤلاء الحجج و هذا التأثر من عترتك» (3) ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم اینها حجت‌های من هستند و این منتقم عترت توست. در این جمله عظمت حضرت علیه السلام و یگانه بودن او در اجرای برخی فرامین الهی مثل انتقام مشاهده می شود. لذا این واژه نیز در معنای منتقم برای حضرت علیه السلام از سوی خدا مطرح شده است.

بحمدالله همه با زیارت عاشورا آشنا هستیم، اما آنها که با این مکتب آشنایی ندارند هر چه بخواهند بگویند، کاری نداریم ولی ما هیچ شکی در صلابت سند زیارت عاشورا نداریم و آن از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ما به امام حسین علیه السلام خطاب می کنیم «السلامُ عَلَیْكَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثاره» (4) سلام بر تو ای خون خدا، و ای پسر خون خدا. با توجه به معانی مطرح شده از ثار، اگر در این عبارت کلمه ثار را به معنی خون بدانیم بدین گونه معنی

ص: 105

1- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 1، ص 397.

2- ابن اثیر، لسان العرب، ج 2، ص 77.

3- طوسی، الغیبة، ص 148، ح 109؛ ابن شاذان، مائة منقبة، ص 65، منقبت 17؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج 1، ص 147، فصل 6، ح 23؛ حموی، فرائد السمطین، ج 2، ص 320، ح 571؛ بحرانی، غایة المرام، ج 7، ص 88، ح 27.

4- شیخ طوسی، مصباح المتهدج، ص 774.

می شود: ای خون خدا و ای پسر خون خدا. اگر ثار به معنی طلب خون باشد، « ثار الله » یعنی خون طلب شده خدا و به عبارت دیگر یعنی خونی که خدا آن را طلب می کند و اجازه نمی دهد که هدر برود. با این توضیح عبارت « وابن ثاره » یعنی ای پسر امیرالمؤمنینی که خدا خون او را طلب می کند. لذا امام حسین علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام ثارالله هستند و خداوند خون آنها را مطالبه می کند آنهم به دست با کفایت آقا بقیه الله. با این معانی حضرت مهدی علیه السلام را « الثائر » به معنی مطالبه کننده خون می دانیم.

اگر « ثار » را در معنی خون بدانیم، ثارالله به معنی خون خدا می شود. این ترکیب همانند دیگر ترکیبهای اضافی است که آن را اضافه تشریفی می گویند یعنی مضاف به واسطه مضاف الیه شرافت داده می شود مثلاً به کعبه، بیت الله گفته می شود ولی آیا مگر همه هستی - به تعبیری - خانه خدا نیست؛ و یا به مسجد و یا مسجدالحرام، خانه خدا می گویند این بدان جهت است که آن محل به خدا منسوب شده و لذا شرافت یافته است. و یا همین مکان که در آن حضور داریم تا پیش از این خانه ای بوده است مثل بقیه خانه ها، ولی از زمانی که به کتابخانه تخصصی آقا بقیه الله تبدیل شده، برای خود شرافت کسب کرده است.

نمونه های دیگری نیز وجود دارد مثلاً اگر کاغذ به قرآن تبدیل شود به خاطر کلمات اضافه شده به آن کاغذ، قداست پیدا کرده و می باید با وضو به خطوط آن دست کشید.

حجرالاسود سنگی است که در روایات آمده است « یمین الله فی

ارضه» (1) یعنی دست خدا در زمین؛ به واسطه اضافه شدن به خدا، شرافت پیدا کرده است.

القاب مبارکه ای برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کتب شیعه و سنی آمده است از جمله حبل الله، جنب الله، یدالله، اذن الله، عین الله، لسان الله (2) و...، این القاب و برخی دیگر همگی از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است و جنبه تشریفی دارد زیرا خداوند نه دست دارد نه پهلو، نه زبان و...، اما همه اینها به خدا نسبت داده می شود.

در عبارت ثارالله، کلمه ثار به خدا نسبت داده می شود و با این اضافه شدن کسب شرف می کند.

در ادامه در زیارت عاشورا عرض می کنیم: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (3) خدایا به من روزی کن که خون تو را مطالبه کنم در محضر امام نصرت یافته از آل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم.

همچنین در ادامه عرضه می داریم: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكُمْ (4) مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ» (5).

این نکته هم اینجا قابل تذکر است که در اولین کتابی که بعد از

ص: 107

-
- 1- ابن اثیر، النهاية، ج 5، ص 300.
 - 2- صدوق، التوحيد، ص 165؛ تستری، احقاق الحق، ج 4، ص 285؛ بحرانی، غاية المرام، ج 4، ص 8؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج 3، ص 401.
 - 3- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 177، ب 71، ح 8.
 - 4- نسخه بدل این واژه «تاریکم» است که از نظر عربی غلط است و معنای درستی نیز ندارد.
 - 5- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص 775.

ابن قولویه، زیارت عاشورا از آنجا به دست ما رسیده است کتابی با نام مصباح المتهجد از شیخ طوسی است. نسخه مربوط به زمان شیخ طوسی در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و در آنجا به جای کلمه «هدی» که در نسخه های در دسترس موجود است کلمه «مهدی» آمده است؛ اگر چه «هدی» نیز همان معنا را می رساند ولی از آنجا که اصل نسخه و کلمه موجود است و ما می خواهیم زیارت را آنگونه که از معصوم رسیده است بخوانیم لذا «مهدی» صحیح تر خواهد بود.

در نتیجه معنای عبارت فوق اینگونه می شود که من از خدا می خواهم که مرا روزی دهد در طلب خون شما (امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا)، در محضر امام مهدی، آن کسی که ظاهر شده و به حق ناطق خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در مورد یاران آقا بقیه الله و ضمن حدیث مفصلی می فرماید: «شعارهم یا لثارات الحسین»⁽¹⁾ است یعنی شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام «ای خونخواهان خون حسین علیه السلام» و یا «ای طلب کنندگان خون حسین علیه السلام» است.

امام رضا علیه السلام در مورد چهار هزار فرشته ای که همیشه در حرم آقا امام حسین علیه السلام هستند می فرماید این فرشته ها تا زمان ظهور مولا در آنجا خواهند بود و پس از ظهور حضرت علیه السلام جزو یاران ایشان قرار خواهند گرفت، و شعار ایشان نیز «یا لثارات الحسین»⁽²⁾ خواهد بود.

پس امام حسین علیه السلام «ثار الله» و امام زمان علیه السلام «ثائر» خواهند بود و

ص: 108

1- . مجلسی، بحار الانوار، ج 52، ص 108 .

2- . شیخ صدوق، الامالی، ص 112، مجلس 27، ح 5 .

ایشان طلب کننده خون امام حسین علیه السلام خواهد بود و یاران ایشان نداگران کسانی اند که می خواهند در طلب خون امام حسین علیه السلام در لشکر حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرند .

واژه دیگری که هم معنا با واژه « منتقم » و « ثائر » است واژه « الموتور » است . این واژه از ریشه « وثر » یا « وثر » گرفته شده و بین علمای لغت معنی این دو بسیار با هم مشترک است و گاهی معنای یکی را به دیگری نسبت داده اند .

برای این ریشه « وتر » معانی زیادی نوشته اند که بسیار به هم نزدیک است . یک معنای آن « فرد » است (1) مثلاً اگر کسی که مونس کسی دیگر بوده باشد و از دست برود ، فرد می شود یعنی تک می شود ، انیسه را از دست داده است .

یک معنای دیگر برای کلمه « وتر » مفهوم « نقص » است (2) مثلاً اگر کسی عزیزی از دست بدهد ، نقص بر او وارد شده است و او « مَوْتُور » می شود .

معنای دیگر برای « مَوْتُور » طالب خون است (3) یعنی کسی که مطالبه کننده خون است . همچنین کسی که جنایتی در مورد او واقع شده « مَوْتُور » خوانده می شود .

یک معنای دیگر برای « وتر » ، خون ریخته شده ای است که انتقامش

ص: 109

1- . ابن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، ج 6 ، ص 84 .

2- . رازی ، مختار الصحاح ، ص 707 .

3- . طریحی ، مجمع البیان ، ج 3 ، ص 509 .

گرفته نشده باشد. (1) لذا برای امام حسین علیه السلام واژه « المۆتور » را به کار می برند یعنی خونی که ریخته شده ولی هنوز طلب نشده ، و انتقامش گرفته نشده است ؛ و به آقا بقیه الله علیه السلام می گوئیم « الموتور بآیه » یعنی کسی که انتقام خون ریخته شده پدرش را نگرفته است .

پس واژه « الموتور » مثل « ثار الله » و « ثائر » مشترک است بین امام حسین علیه السلام و آقا بقیه الله علیه السلام ، که امام حسین علیه السلام خودش بر زمین ریخته شده ولی مطالبه نشده است و حضرت بقیه الله آقایی است که خون پدرانش بر زمین ریخته شده و مطالبه نشده است تا روزی که ایشان تشریف بیاورند و این خونها را طلب کند .

تعبیر از شخص رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است که درباره امام زمان علیه السلام فرمودند : « و هو الطّريد الشّريد الموتور بابیه و جدّه » (2) یعنی آقایی که شریک و طریک از جامعه شده و از حکومت کنار مانده و هنوز خون مطالبه نشده پدرانش ، باقی مانده است .

امام صادق علیه السلام می فرماید :

« الا و بنا تدرك ترة كل مؤمن » (3)

« آگاه باشید که خون هر مؤمنی به وسیله ما گرفته می شود » .

ص: 110

-
- 1- . ابن منظور ، لسان العرب ، ج 15 ، ص 205 .
 - 2- . کلینی ، الکافی ، ج 1 ، ص 323 ، ب- نص بر امام جواد ، ح 14 ؛ شیخ مفید ، الارشاد ، ج 2 ، ص 276 ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج 2 ، ص 92 .
 - 3- . جاحظ ، البیان و التبیین ، ج 2 ، ص 50 ؛ ابن عبدربه ، العقد الفرید ، ج 4 ، ص 157 .

در اینجا کلمه « ترة » از ریشه همان کلمه « وتر » است. (1)

در زیارت دیگری آمده است « بکم یدرک الله ترة کل مؤمن » (2) خداوند به وسیله شما خون هر مؤمنی را می گیرد .

تعبیر دیگری نیز در همین مفهوم است که می فرماید : « أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ » (3) کجاست آن طلب کننده خون مقتول کربلا ؛ و همچنین می فرماید : « أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ » (4) کجاست آن طلب کننده خون پیامبران و خون اولاد آنها .

واژه « ذحول » جمع « ذحل » است . « ذحل » به معنای طلب کردن جنایت انجام شده ، آنگونه که انجام شده است . یعنی به همان صورت که جنایت انجام شده باشد ، به همان صورت نیز طلب بشود . (5)

حضرت بقیه الله علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام در یکی از خطبه هایش می فرماید : « نحن اولياء الدم و طلاب الترة » (6) یعنی ما ولی دم و خونخواه

ص: 111

1- . در مصادر مثال واوی می توان واورا حذف کرد و به جای آن « ة » قرار داد مثل : وعده عدة ، وصل صلة ، وتر ترة .

2- . کلینی ، الکافی ، ج 2 ، ص 576 ؛ تهذیب الاحکام ، ج 6 ، ص 55 ؛ صدوق ، الفقیه ، ج 2 ، ص 359 .

3- . ابن المشهدی ، المزار الکبیر ، ص 579 .

4- . همان .

5- . ابن الفارس ، معجم مقایس اللغة ، ج 2 ، ص 370 . این توضیح لازم است که زبان عربی زبانی وسیع و دقیقی است و اگرچه بسیاری از لغات از لحاظ معنا با هم شبیه اند ولی در آن زبان ظرافتها و مابازاهایی دارد که تفاوت آنها را نشان می دهد . از جمله این موارد ، توضیحاتی است که در مورد کلمه ذحل و دیگر کلمات داده شد .

6- . حر عاملی ، اثبات الهداة ، ج 3 ، ص 552 ؛ فیض ، تفسیر صافی ، ج 5 ، ص 145 ؛ بحرانی ، المحجة ، ص 142 ؛ مجلسی ، بحارالانوار ، ج 51 ، ص 47 .

خونهای بر زمین ریخته شده هستیم .

تا اینجا مطرح نمودیم که امام حسین علیه السلام کشته شده و خونهای بسیاری بر زمین ریخته شده و طالب این خونها حضرت بقیه الله است و او « منتقم » « ثائر » « الموتور بایه و جده » است ؛ اما در قرآن آیه ای هست که در تمام احادیث به این موضوع تفسیر شده است آنجا که می فرماید :

« وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا » (1)

« کسی که مظلوم کشته شده ، ما برای ولیّ او سیطره قرار دادیم » .

یعنی کسی که به ناحق کشته شده است ما به ولیّ او اجازه و سیطره دادیم که ظالم را قصاص کند .

به اعتبار احادیث فراوان منظور از « من قُتِلَ » امام حسین علیه السلام ، و منظور از « ولیّ او » امام زمان علیه السلام است . (2)

در ادامه همین آیه شریفه آمده است :

« فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ »

« پس او در قتل اسراف نکند » .

اسراف در این آیه در احادیث مختلف معنی شده است . از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه پرسیدند ، فرمود :

ص: 112

1- . اسراء ، 33 .

2- . عیاشی ، تفسیر عیاشی ، ج 3 ، ص 50 ؛ حر عاملی ، اثبات الهداة ، ج 3 ، ص 552 ؛ بحرانی ، البرهان ، ج 6 ، ص 87 .

« الاسراف فی القتل ان یقتل غیر قاتله » (1) اسراف در قتل یعنی کسی غیر از قاتل را بکشند .

از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه پرسیده شده ، فرمودند : « نهی ان یقتل غیر قاتله » یعنی خداوند نهی فرموده از اینکه انسان غیر از قاتل شخص دیگری را بکشد ، « او یُمَثَّلُ بِالْقَاتِلِ » (2) یا اینکه او را مثله کنند ، یعنی بعد از قتل گوش یا دماغ یا اعضای بدنش را جدا کنند . علی علیه السلام در مورد ابن ملجم فرمودند که مبادا بعد از من ، قاتل مرا مثله کنید زیرا رسول خدا علیه السلام از مثله نهی فرموده حتی برای سگ گزنده .

با توجه به مطالب فوق ، معصومین علیهم السلام اسراف در قتل را - که در معنی کشتن کسی به جای قاتل ، یا کسی به همراه قاتل ، یا مثله کردن قاتل باشد - منع فرموده اند . (3)

از طرف دیگر حدیثی در مورد این آیه جعل شده است که تفسیر این آیه را به گونه ای دیگر جلوه می دهد و برای برخی ، مشکلاتی ایجاد کرده است .

علی بن محمد قطیبی از صالح بن ابی حمّاد از عبداللّه بن محمّد اسدی مشهور به حجّال و او از بعضی اصحاب (عن بعض اصحابه) و آنها را نام نمی برد ، او در مورد این آیه نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند : این

ص: 113

1- . همان .

2- . کلینی ، الکافی ، ج 7 ، ص 371 .

3- . اسراف در این معنی از طریق اصحاب نیز نقل شده است مثل ابن عباس و سعید بن جبیر ، و همچنین بسیاری از مفسران بزرگ شیعه .

آیه در مورد امام حسین علیه السلام نازل شده است: « لو قتل اهل الارض به ما کان سرفاً » (1) یعنی اگر امام زمان علیه السلام ظهور کنند و تمام اهل زمین را در قصاص خون امام حسین علیه السلام بکشند، اسراف نیست.

ما یقین داریم که تمام زمین و آسمان و اهل آنها همسنگ امام حسین علیه السلام نیستند ولی آیا ایشان از پدرشان علی علیه السلام عزیزتر است؟ او فرزند پدری است که خطاب به اولاد عبدالمطلب می فرماید مبادا در خیابان حاضر شوید و هر کسی را بکشید و بگوئید علی علیه السلام کشته شده است. این احادیث جزء محکومات است ولی آن حدیث جعلی جزء متشابهات قرار می گیرد و یقین داریم که از معصوم نرسیده است، و برای این مطلب دلایلی هم داریم:

اولاً شخصی که این حدیث را نقل کرده یعنی قطیبی به نقل از مرحوم آیت الله خوئی، وثاقتش برای ما ثابت نشده است (2) و این مطلب را با توجه به سخن غالب علمای رجال و تجزیه و تحلیل آن سخنان بیان نموده است.

صالح بن ابن حماد کسی است که مرحوم نجاشی می نویسد: امر او بر ما ملتبس است. (3) ابن غضائری رسماً او را ضعیف می داند (4) و مرحوم علامه حلی می گوید در مورد او توقف می کنم. (5)

ص: 114

1- . کلینی، الکافی، ج 8، ص 212، ح 364.

2- . خویی، معجم رجال الحدیث، ج 9، ص 54.

3- . نجاشی، رجال، ص 198، رقم، 526.

4- . ابن الغضائری، رجال، ص 70، رقم 73.

5- . علامه، رجال، ص 230.

نفر سوم که عبدالله بن محمد اسدی که به حجاج معروف است فردی ثقه و مورد اعتماد است ولی ناقلین از او مورد اعتماد نیستند و مطابق نقل حدیث، او از برخی اصحاب که نامشان برده نشده نقل می کند و معلوم نیست که آنها چه کسانی هستند و لذا سند حدیث متصل نیست و این حدیث از لحاظ سند اشکال دارد.

ثانیاً این حدیث معارض با سخن امام کاظم علیه السلام است که فرمود: « نهی ان یقتل غیر قاتله »، (1) و همچنین با آن دسته احادیث که در مورد اسراف در این آیه مطرح شده است.

مطلب دیگر اینکه طبق روایاتی که اشاره کردیم این آیه در مورد امام حسین علیه السلام است و بخش دوم آن نیز در مورد امام زمان علیه السلام است و روایات دیگر نیز صراحت نمودند که اسراف در این آیه یعنی نهی از کشتن افراد غیر قاتل؛ لذا چگونه می شود که طبق این حدیث جعلی امام زمان علیه السلام در قصاص خون امام حسین علیه السلام قصد کشتن تمام اهل زمین را بکند.

علاوه بر اینها در حدیث دیگر، اسراف در معنی کشتن غیر از یک نفر معنی شده است و لذا نمی توان دو نفر را به قصاص یک نفر به قتل رسانید. البته اگر دو نفر مشترکاً یک نفر را بکشند اولیای دم می توانند هر دو را بکشند به شرط آنکه دیه یک نفر را به دو خانواده پرداخت نمایند. اگر یکی از آنها را بکشند، خانواده و یا خود نفر دوم که در قتل شریک بوده باید نصف دیه یک نفر را به خانواده فرد قصاص شده پردازد. پس به این تعبیر

ص: 115

اگر یک نفر بیشتر نمی تواند مورد قصاص یک قتل قرار بگیرد چگونه می شود که امام زمان علیه السلام که پیرو سنت علی علیه السلام است تمام عالم را در قصاص خون امام حسین علیه السلام به قتل برساند .

این حدیث و این طرز تفکر با مسلّمات فقه اسلامی مناسبت ندارد و در اسلام و سیره ائمه علیهم السلام ظرافتی وجود دارد که هیچ یک با این دسته احادیث تناسب ندارد ، به عنوان نمونه کسی خدمت امام علیه السلام می رسد و می پرسد که اگر مال فردی ناصبی در اختیار ما باشد می توانیم آن را به صاحبش برنگردانیم . فرمودند : خیر ، اگر چه او ناصبی باشد . سپس فرمودند : اگر قاتل امام حسین علیه السلام آن شمشیری که با آن امام حسین علیه السلام را کشته است به رسم امانت به من بسپارد ، من آن شمشیر را به او برمی گردانم . (1)

تا اینجا « منتقم بودن » حضرت مهدی علیه السلام را مورد بررسی قرار دادیم ، مطلب بعدی این است که ایشان از چه کسی ، چرا ، و چگونه انتقام می گیرند . این مطالب را جلسه بعد - ان شاء الله - بررسی خواهیم نمود .

ص: 116

پرسش : خَصَب یعنی چه ؟

پاسخ : لشکر سفیانی هنگامی که به سرزمین بیداء می رسد به زمین ندا می شود : « یا بیداء ، ابیدی » ، ای سرزمین بیداء اینها را در کام خود فرو ببر . این را خصب گویند و خصب بیداء جزء علائم حتمی و قطعی ظهور است .

پرسش : نفس زکیه کیست ؟

پاسخ : فردی است به نام محمد بن الحسن . این شخص پسر عموی آقا بقیه الله است که در روز 25 ذی الحجه پیام امام علیه السلام را در بین رکن و مقام برای مردم قرائت می کند اما در همان حال او را می کشند . نفس زکیه از نظر معنای لغوی یعنی آدم بی گناه . قرآن می فرماید : « أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً » آیا کسی را که مستحق قتل نبوده است ، کشتید؟

پرسش : چرا مردم خیال می کنند که امام زمان علیه السلام در بیابانها زندگی می کند ؟

پاسخ : این بدان دلیل است که غالباً دور بودن امام زمان علیه السلام از بین مردم را اینگونه می پندارند که ایشان می بایست در دور دستها و در بیابانها بگذارند . حال آنکه تمام هستی مانند کف دستی ، در اختیار آن حضرت است .

در این مبحث داستان مختصری را نقل نمایم و آن اینکه ، زمانی همسر مرحوم آیت الله آخوند خراسانی در نجف اشرف مریض بوده است . در آن شهر نیز کسی بوده که برخی مسائل را به علم الهی می دانسته است .

دو پسر این زن پیش آن آقا می روند . یکی از آنها می گوید که من منظوری دارم آن را بفرمائید . آن شخص می گوید تا سه روز او را نگهداری کنید و او مهمان شماست و پس از سه روز مرحوم می شود .

آن پسر دیگر نیز همین مطلب را می گوید . آن شخص مدتی حیران می شود . پسر دوم می گوید آقا پاسخ را رها کنید به جایی نمی رسید .

آن شخص می گوید خیر اینگونه نیست بلکه از همان آغاز پاسخ تو را دانستم ، شما آقا بقیه الله را تبت کردید ولی تا خواستم بگویم که ایشان در مکه است ، دیدم که مدینه هستند ؛ خواستم بگویم مدینه است ، دیدم در دمشق حضور دارند ؛ خواستم بگویم دمشق است ، در کربلا ایشان را دیدم . بنابراین من نمی رسیدم که محل حضور امام علیه السلام را به شما بگویم قبل از جابجایی ایشان .

این داستان ، سخن معصوم نیست ولی من از آیت الله وحید خراسانی شنیدم و مطابق است با عظمت آن حضرت .

پرسش : آیا سفیانی هم اکنون زنده است ؟

پاسخ : ما نمی دانیم . اما نقل شده است که آقای بهلول⁽¹⁾ کسی را در سوریه به نام عثمان بن عنبسه دیده است . من از ایشان پرسیدم و گفتند بلی دیده ام . ما دلایلی داریم که سفیانی ، عثمان بن عنبسه است اما دلیلی نداریم که هر کجا شخصی به نام عثمان به عنبسه باشد او سفیانی است .

ص: 118

پرسش : این 313 نفر که در شب ظهور خود را به مکه می‌رسانند آیا طی الارض می‌نمایند؟

پاسخ : بله . زیرا در حدیث فراوان آمده است که برخی از ایشان - به تعبیر برخی احادیث - شبانه در طاقهایی از نور در مقابل چشم مردم به سوی مکه حرکت می‌کنند . حال آیا وسیله یا ابزاری است و یا هر چیز دیگر ، آن را نمی‌دانیم . ولی می‌دانیم که راههای دور را در کمترین زمان طی می‌کنند ؛ شاید هم صرفاً طی الارض باشد که آنهم برای ایشان مشکلی ندارد .

پرسش : علی بن حمزه واقفی که پایه گذار واقفیه بوده ، علی رغم عدم اعتقاد به امام زمان علیه السلام چرا در مورد ایشان حدیث جعل کرده است ؟

پاسخ : اولاً - ممکن است قبل از گرایش به واقفیه گری ، این احادیث را جعل کرده باشد . ثانیاً آنها در امام هفتم توقف کرده اند یعنی می‌گویند که او

غایب شده و روزی ظهور خواهد کرد . آنان اخبار بقیه الله علیه السلام را با موسی بن جعفر علیه السلام تطبیق می‌دهند ، یعنی آنها هم به مهدویت معتقد هستند .

پرسش : آمادگی برای ظهور حضرت علیه السلام آیا آمادگی نظامی است ؟

پاسخ : خیر . بلکه از هر جهت باید آمادگی داشت مثل آمادگی ، فرهنگی ، خودسازی ، اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی حتی رزمی . در برخی روایات آمده است که منتظر می‌باید حداقل یک تیر برای آن روز ذخیره کند یعنی خود را آماده سازد .

تیراندازی، اسب سواری و شنا که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم توصیه به آموختن آنها شده است هر کدام گوشه ای از آمادگی نظامی و مقدمه آمادگی برای ظهور است. مرحوم علامه طباطبایی وقتی از تبریز به قم آمد در کنار چند جلد کتاب، یک تفنگ نیز با خود آورد. او تفنگ را برای آموزش تیراندازی بچه های خود آورده بود.

ایشان در شنا جزء افراد بی نظیر بود تا آنجا مهارت داشت که در روی آب می خوابید یعنی خوابش می برد در حالی که روی آب بود. حتی به گفته یکی از فرزندان، او به همسرش نیز تیراندازی را یاد داده بود. همه اینها به دلیل این بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است به فرزندان خود این سه چیز را بیاموزید.

پرسش: آیا در زمان ظهور اختلاف طبقاتی کلاً از بین می رود؟

پاسخ: ما نمی توانیم این را ملتزم شویم اما این را یقین داریم که فقر ریشه کن خواهد شد و آدم فقیری باقی نخواهد ماند. اما آیا همه باید به یک اندازه از اموال و ثروت دنیا برخوردار باشند؟ خیر. زیرا مالکیت و تولید که از بین نمی رود. در مجموع غنی و فقیر وجود ندارد ولی حضور غنی و غنی تر منافاتی با عدالت ندارد.

پرسش: آیا به وسیله دعا می توانیم فرج آقا را جلو بیندازیم؟

پاسخ: بله. تمام دعاهایی که برای تعجیل در امر فرج آمده و بدانها توصیه شده است نشان دهنده اثرگذاری در تعجیل فرج است. نمونه آن در

قوم بنی اسرائیل اتفاق افتاد و فرجی که قرار بود 170 سال بعد برای آنها پیش آید در چهل روز دعا و زاری و انابه بر ایشان حاصل شد . این مسئله در روایات فراوانی آمده است ؛ لذا دعاهای ما نیز اگر در حال اضطرار و دعا و زاری باشد تأثیر گذار خواهد بود .

پرسش : اگر مدعی دیدار حضرت را باید تکذیب کرد چگونه برای شیخ مفید توقیع آمده است ؟

پاسخ : شیخ مفید هیچ جا ادعا نکرده است نه در کتابهایش ، و نه از کسی نقل شده است که او ادعا کرده باشد ولی کسانی که مطلع شده اند آن را نقل کرده اند .

وقتی از سید بحرالعلوم پرسیدند که آیا شما حضرت مهدی علیه السلام را دیدید جواب داد اگر من مدعی دیدار باشم شما وظیفه دارید مرا تکذیب کنید . سپس به سلماسی گفت : چگونه بگویم ندیدم حال آنکه او مرا در آغوش گرفت . علت اینکه به او فرمود ، این بود که سلماسی خودش حضور داشت و علامه دیگر داعی نبود که سلماسی او را تکذیب کند .

پرسش : آیا احادیثی داریم که مجعول بودن آنها روشن نباشد ؟

پاسخ : بله . زیرا درباره همه روایات تحقیق نشده است . وقتی روایات به دقت بررسی می شود و مورد کارشناسی قرار می گیرد و با بقیه روایات مطابقت داده می شود گاهی مجعول بودن آنها روشن می شود .

پرسش : در مورد واژه « ساعة » و « الساعة » در قرآن در رابطه با وقت ظهور توضیح دهید .

پاسخ : کلمه « ساعة » در قرآن در معنی برهه ای از زمان به کار برده شده است ولی وقتی با « ال » آمده است در معنی قیامت به کار برده شده . لذا هر کجا در قرآن واژه « الساعة » آمده است در روایات فراوان و در تفاسیر به زمان ظهور تفسیر شده است .

[بقیه سؤالات ناتمام است]

پایان جلسه ششم

ص: 122

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف انبيائه وافضل سفرائه وعلى آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين وبعد فقد قال الله تبارك وتعالى « وبهذا انتقم من اعدائي » .

شب گذشته درباره « منتقم » بودن آقا بقیه الله بحث مفصلی را مطرح نمودیم و گفتیم ذات اقدس الهی در شب معراج آقا بقیه الله علیه السلام را با عنوان « منتقم » معرفی کرده است . خود حضرت در گهواره به ابونصر فرمود : « انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه » ؛ و یا در ملاقات با احمد بن اسحاق به ایشان فرمودند : « انا بقیه الله و المنتقم من اعدائه » ؛ [\(1\)](#) پس منتقم بودن آقا بقیه الله مسلم است ؛ اما ایشان از چه کسی انتقام می گیرند ؟

ص: 123

آیا هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام تشریف می آورند دشمنان اهل بیت «ع» از جمله یزید و همدستانش در جامعه حضور دارند که آقا از ایشان انتقام بگیرد یا اینکه از فرزندان ایشان و یا از دوستان ایشان انتقام می گیرد؟ این موارد را به عنایت الهی امشب مورد بررسی قرار می دهیم .

الف - حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان آنها انتقام می گیرد .

در قرآن آیه ای هست که می فرماید : « وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى » (1) هیچ کس وزر و وبال دیگری را به دوش نمی کشد . و این دلیل محکمی است در پاسخ به این نوع انتقام گیری .

از طرف دیگر حدیثی داریم که در کتابهای خیلی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام می فرماید :

« يَقتلُ واللّهُ ذرّارى قتلة الحسين بفعال آبائهم » (2) به خدا سوگند وقتی حضرت تشریف بیاورند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به جهت کار پدرانشان می کشد .

کتبی که این حدیث را نقل کرده اند بسیار معتبرند اما از طرفی حدود 200 حدیث هم داریم که هرگاه حدیثی از ما نقل شد آن را به قرآن عرضه

ص: 124

1- این آیه در پنج سوره عیناً تکرار شده است : انعام / 164 ؛ اسراء / 15 ؛ فاطر / 18 ؛ زمر / 7 .

2- شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج 1 ، ص 273 ؛ ابن قولویه ، کامل الزیارات ، ص 63 ؛ بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج 6 ، ص 86 ؛ بحرانی ، حلیة الابرار ، ج 5 ، ص 404 ؛ قندوزی ، ینایع المودة ، ج 3 ، ص 243 .

بدارید ، اگر قرآن با آن موافق بود ، آن را بپذیرید ، اما اگر با قرآن توافق نداشت آن را به دیوار بزنید . (1) البته اگر در توافق آن نیاز به توضیح و توجیه و تفسیر باشد آن را بررسی می کنیم ، مثل همین حدیث ، ولی اگر توجیه و تفسیر نداشت آن را نمی پذیریم .

این حدیث بدون توجیه ، با متن قرآن و آیه قرائت شده مطابقت ندارد ولی اگر توجیه شود کاملاً معنا پیدا می کند .

بررسی این مطلب را با یک جمله ساده آغاز می کنیم ، آیا فرزندان بنی امیه از اولاد حرام بدترند ؟

آیا بچه یزید بودن و یا بچه معاویه بودن از اولاد حرام بودن بدتر است ؟ عقل پاسخ می دهد که : خیر .

آیا دلیلی بر جهنمی بودن اولاد نامشروع داریم ؟ این برخلاف عدل خداست ، یعنی اگر پدر و مادر کسی گناه کردند ، تقصیر فرزند چیست ؟

بچه های نامشروع به تعبیری مانند بچه های کسانی اند که مسلول اند . وقتی پدر و مادر بیماری سل داشته باشند ، آمادگی پذیرش میکروب سل در فرزندان آنها بیشتر است ، ولی اینگونه نیست که بچه پدر و مادر مسلول ، حتماً مسلول باشد . و اینگونه فرزندان ، با رعایت اصول بهداشتی و دیگر موارد ایمنی ، می توانند خود را از ابتلا به بیماری سل نجات دهند . به همین روش یک بچه نامشروع هم می تواند به مقابله با تمام انگیزه های انحراف پردازد و اگر این مبارزه و مقابله را انجام بدهد می تواند دیگر منحرف

ص: 125

این مطلب از لحاظ عقلی کاملاً پذیرفته می شود، ولی آیا از لحاظ نقلی هم همینگونه است؟

اولاً هرگز کسی نمی تواند ملتزم شود که اولاد بنی امیه و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام، صرفاً به جهت فرزند یزید و معاویه بودن اهل دوزخ باشند، بلکه برعکس امام رضا علیه السلام در حدیثی محمد بن ابی بکر را از شیعیان علی علیه السلام

و هم ردیف سلمان و ابوذر و عمار می شمارند. (1)

ثانیاً حدیث صحیح و معتبری در کافی شریف داریم که از امام رضا علیه السلام

نقل می کند که ایشان می فرماید :

« ان ولد الزنا یُسْتَعْمَلُ ، ان عمل خیراً جُزئ به » (2)

« اولاد زنا آزموده می شوند، اگر عمل نیکو داشته باشند پاداش نیکو می بینند » .

لذا اینگونه نیست که بچه حرام حتماً جهنمی باشد .

البته مشکل است که اینگونه افراد آدمهای خیلی خوبی بشوند ولی اگر شدند - بجز برخی موارد - هیچ محدودیتی برای آنها نیست؛ مثلاً بچه حرام نمی تواند مرجع تقلید شود یعنی مرجع تقلید حتماً باید از اولاد حلال باشد . اما اگر یک بچه حرام، تلاش کند و آدم خوبی بشود باید پاداشش نزد خدا از بچه حلال بیشتر باشد؛ چرا؟

ص: 126

1- . مجلسی ، بحار الانوار ، ج 22 ، ص 330 .

2- . کلینی ، کافی ، ج 8 ، ص 238 .

ما در یک کشور اسلامی و در شهری متدین ، و در خانواده ای مقید و اهل دین و شیعه به دنیا آمده ایم اما افرادی در کشورهای مختلف وجود دارند که مثلاً در خانواده ای مسیحی به دنیا آمده ، اما به آن اکتفا نکرده و تلاش نموده تا روزی حقانیت اسلام و تشیع را دریافته و شیعه شده اند . یقیناً این شخص در پیش خدا از من و شما عزیزتر است . زیرا او مسلمان جغرافیایی نیست بلکه مسلمان تحقیقی است . لذا بی شک افرادی که اینگونه و علی رغم وجود راههای انحرافی راه درست و مستقیم را دریافته اند ، از کسانی که حلال به دنیا آمده اند عزیزتر خواهند بود . این بحث تا اینجا کافی به نظر می رسد و نتیجه می گیریم که اولاد بنی امیه ، صرفاً به جهت فرزند بنی امیه بودن ، به جهنم نمی روند و صرفاً بدین جهت در زمان حضرت بقیه الله علیه السلام مورد انتقام قرار نمی گیرند .

مطلب دوم که باید در توجیه این حدیث بدان توجه شود اینست که پس از شنیدن این حدیث از امام رضا علیه السلام ، یکی از اصحاب می پرسد که این فرزندان چه گناهی دارند ؟ امام رضا علیه السلام می فرمایند : چون اینان به کار پدرانشان رضایت می دهند و با آن مباحات می کنند ؛ مثلاً می گویند که این پدر ما بود که امام حسین علیه السلام را به قتل رسانید ، و بدین بیان بر عمل پدر خویش افتخار می کنند . اگر فرزندان دشمنان اهل بیت علیهم السلام بدین مطلب رضایت داده و بدان مباحات کنند ، مسئله کاملاً عوض می شود .

ب - حضرت مهدی علیه السلام از دوستان و کسانی که به ظلم ظالمان رضایت دارند انتقام می گیرد .

شکی نیست که هر کس به هر کاری رضایت بدهد ، در آن کار شریک

است و هیچ ربطی به بنی امیه و یا گروه خاص ندارد .

به عنوان شاهد قرآنی ، هنگامی که خدای منان برای قوم ثمود ، ناقه صالح را فرستاد ، فقط یک نفر از آنها ناقه صالح را پی کرد اما در قرآن می فرماید : « فکذبوه فعقروها » (1) حضرت صالح را تکذیب و ناقه را پی کردند .

این جمله را به صیغه جمع به کار می برد و آن را به همه نسبت داده است زیرا همه بدین کار رضایت داشتند .

یعنی آن کار به دست یک نفر ، اما با صلاحدید و رضایت همه انجام شده است لذا قرآن این عمل را به همه آنها نسبت می دهد .

همچنین در قرآن شواهد دیگری نیز وجود دارد از جمله اینکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می خواهند و می گویند که خدا پیامبرانی برای ما بفرستد با فلان معجزات . قرآن در جواب آنها می فرماید : « قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » (2) یعنی قبلاً هم پیامبرانی با این شرایط که شما می طلبید آمده اند پس چرا آنها را کشتید ؟ پاسخ اینها باید این باشد که ما آنجا نبودیم که پیامبران را به قتل رسانده باشیم .

در مورد این آیه از امام رضا علیه السلام می پرسند و ایشان می فرماید این در مورد افراد پانصد سال قبل است ، آنها بودند که پیامبران خود را کشتند ، اما قرآن با این آیه می فرماید که اینان نیز به همان راه می روند و به اعمال آنها راضی هستند و در بین خودشان می گویند که کاش می توانستیم این پیامبر را

ص: 128

1- . هود / 65 ؛ شعرا / 157 ؛ شمس / 14 .

2- . آل عمران / 183 .

هم بکشیم؛ زیرا اینها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معارض بودند و صدها بار در صدد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند ولی موفق نشدند، اما از آنجا که به عمل آنها رضایت می دهند خداوند اینان را در کار آنها شریک می داند و می فرماید: « فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ » (1).

در حدیثی آمده است وقتی انسانها در صحرای محشر جمع می شوند برای برخی افراد مقداری خون می آورند و می گویند شما به این مقدار در فلان خون ریخته شده شریک هستید. آنها می گویند که ما آنها را نمی شناسیم. ندا می رسد که شما چون پس از شنیدن خبر قتل آن افراد به آن خونریزی رضایت دادید، به همان مقدار در خون او شریک هستید.

این خبر را ممکن است انسان از تلویزیون، روزنامه یا از مردم شنیده باشد و بدان خبر رضایت داده باشد، اگر چه نه قاتل را می شناسد و نه مقتول را.

امام حسن عسکری علیه السلام این مطلب را روشتر و بدین صورت بیان می فرماید:

« الا و ان الراضین بقتل الحسین علیه السلام شركاء فی قتله » (2)

« کسانی که به کشته شدن امام حسین علیه السلام راضی باشند در خون امام حسین علیه السلام سهیم هستند ».

حدیث دیگری در نهج البلاغه است که وقتی حضرت علیه السلام از جنگ

ص: 129

1- . مجلسی، بحار الانوار، ج 9، ص 192.

2- . همان، ج 44، ص 304.

جمل برمی گشتند ، یکی از افراد عرض کرد که ای مولا ، ای کاش برادر من اینجا بود . حضرت فرمودند آیا برادر شما با ما هم عقیده است . عرض کرد : بلی ؛ علی علیه السلام فرمود : « فَقَدْ سَدَّ هِدُنَا » اگر اینگونه باشد او با مادر اینجا بوده است . و سپس ادامه دادند : « وَلَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسَةِ كَرْنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ » « همانا در این لشکر ما کسانی حضور دارند که در صلب پدران و ارحام مادران خود هستند » . (1)

این بدین معنا است که آنان به حضور در سپاه علی علیه السلام رضایت داشتند . وقتی در زیارات می خوانیم « يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ » یعنی ای حسین علیه السلام ای کاش ما در کربلا در سپاه تو بودیم و جان خود را تقدیم می کردیم ، اگر این سخن از عمق وجودمان باشد و عملمان آن را تأیید کند ، به ما نیز ثواب حضور در کربلا و نبرد در رکاب امام حسین علیه السلام عنایت می شود .

علی علیه السلام در ادامه خطبه می فرماید : « سَدَّ يَرْعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَيَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ » (2) « زمان آنها را به دنیا می آورد و ایمان به وسیله آنان تقویت می شود » ، و اینان هستند که سهم حضور در جنگ جمل را خواهند برد .

حال یک مطلب باقی می ماند و آن اینکه : رضایت موجب شرکت در ثواب و گناه می شود ولی آیا موجب قصاص هم می شود ؟ یعنی مثلاً اگر باخبر شدیم که کسانی که در فلان کشور کشته شدند و ما هم گفتیم کار خوبی کردند که آنها را کشتند ، آیا با این رضایت و شرکت در آن اقدام ، حاکم شرع می تواند حکم قصاص را جاری کند ؟ خیر . زیرا در فقه اسلامی

ص: 130

1- . نهج البلاغه ، خ 12 .

2- . همان .

اینچنین حکمی داده نشده است .

آیا بعد از ظهور چنین چیزی خواهد بود؟ یعنی آیا حضرت علیه السلام صرفاً به جرم رضایت افراد در خون کسی و عدم توبه، آنها را می کشد؟ این را نمی دانیم و دلیلی در نفی و اثبات آن نداریم. البته اگر همه را قصاص فرماید باید گفته شود فقط از مختصات آن زمان است .

ج - وجه سوم که می تواند برای توجیه « انتقام » در نظر گرفته شود این است که حضرت مهدی علیه السلام خود افراد را حاضر گرداند و از آنها انتقام بگیرد؛ مثل یزید، شمر، سنان و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام؛ و کاری با فرزندان و دوستان آنها نداشته باشد .

خداوند در معراج به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ای پیامبر « بهذا انتقم منهم »⁽¹⁾ به وسیله این شخص که شَبَح آن را به حالت ایستاده می بینی از قاتلش انتقام می گیرم .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خطبه بی نظیر عید سعید غدیر، درباره حضرت بقیه الله علیه السلام تعبیرات بسیار بلندی دارند از جمله می فرمایند :

- « القائم المهدی الذی یاخذ بحق الله و بکل حق هولنا »

« آن مهدی قائم که حق خدا و همه حقوق ما را باز می ستاند » .

- « الا انه المنتقم من الظالمین »

« آگاه باشید که او از ستم پیشگان انتقام می گیرد » .

ص: 131

1- . طبری امامی ، دلائل الامامه ، ص 239 .

« الا انه مدرک کل ثار لاولیاء اللّٰه عزوجل »

« آگاه باشید که او انتقام خون همه اولیای الهی را می گیرد » .

این انتقام گیری از آن اشخاص به صورت رجعت متصوّر است یعنی آنها در دوران حضرت دوباره به زندگی برمی گردد و سپس از آنها انتقام گرفته می شود . درباره رجعت - ان شاء الله - در جلسات بعد سخن خواهیم گفت اما این نکته حائز اهمیت است که در مورد تک تک افرادی که در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام رجعت می کنند روایت داریم .

1 - « رُذّت الیه الحمیراء » « حمیرا به طرف بقیه الله علیه السلام برگردانده می شود » . حمیرا لقب عایشه است و از این جهت او را حمیرا می گفتند که پوستش سرخ بوده و به این افراد در فرهنگ عرب احمر می گفتند که مؤنث آن حمراء و مصغّر آن حمیرا می شود .

عایشه این زشتی را از پدرش ابوبکر به ارث برده بود زیرا ابوبکر حبشی بود و پوستش سیاه و سرخ بود . ما در اینجا در مورد سیاه بودن یا سفید بودن بحث نداریم اما به دلیل طرح شدن بحث جاذبه عایشه در تاریخ اسلام ، عرض می کنیم افرادی که پوست سرخ دارند حداقل این است که برای شرقی ها جاذبه ندارند ، حتی با دست کاری و زیبا جلوه دادن آن نیز جاذبه ای به دست نمی آورند . لذا این مطلب را که جعل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود : « یا حمیرا کلمینی » از پایه و اساس غلط است ؛ و به همان شدت که حضرت خدیجه مثل زیبایی بود ، عایشه مثل زشتی بوده است . البته این مطلب نیاز به توضیحات زیادی دارد که با بحث امشب ما

حضرت زهرا علیها السلام می فرماید : یک بار هم نشد که عایشه مرا ببیند و به مادرم ناسزا نگوید .

در این حدیث شریف می فرماید : « ردت الیه الحمیراء حتی یجلدها الحدّ و حتی ینتقم لامّه فاطمه منها » عایشه را برای دو منظور می آورند :

الف : برای اینکه به او حد قذف بزنند .

در اسلام اگر کسی به کسی تهمت ناموسی بزند او را هشتاد ضربه شلاق می زنند مگر اینکه چهار شاهد عادل حاضر کند که آنها با چشم خود دیده باشند . اما اگر نتواند چهار نفر را حاضر گرداند به خودش آن شواهد - ولو اینکه سه نفر باشند - حدّ می زنند . این از یک جهت برای این است که ناموس مردم در بین دیگران و دهان به دهان آلوده نشود ، و هر کسی نتواند به آسانی به دیگران تهمت بزند .

عایشه به ماریه تهمت زد . ماریه مادر ابراهیم ، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است . عایشه و حفصه دلیل محکمشان برای ورود به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این بود که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دارای فرزند بشوند تا بدینوسیله خود را به خاندان پیامبر متصل کنند و خلافت را به خانواده خود بیاورند . خداوند هم این را نخواست و الا هم اکنون میلیونها نفر بودند که جد مادری آنها ابوبکر و یا عمر بود .

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از این مطلب نگران بود تا اینکه قرآن به او مژده داد : « أَلَمْ

نَشْرُحَ لَكَ صَدْرَكَ * وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ * وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ «(1) می فرماید ما آنچه را که بر تو سنگینی می کرد از تو برداشتیم و تو مطمئن باش که آنها صاحب اولاد نخواهند شد .

چون حضرت خدیجه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صاحب اولاد بود ، عایشه همیشه او را ناسزا می گفت . در کتب اهل سنت نقل شده است که او می گفت اگر چه من خدیجه را اصلاً ندیده بودم اما شب و روز در دلم بر او حسد می ورزیدم زیرا او از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صاحب اولاد بود .

وقتی ماریه قبطیه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صاحب فرزند پسر به نام ابراهیم شد ، آنقدر عایشه او را آزار می داد تا اینکه پیامبر او را به خارج از مدینه منتقل کرد ، جایی که هم اکنون در شهر مدینه است و به مشربه ام ابراهیم معروف است .

من نمی خواهم درباره تهمت عایشه به ناموس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سخن بگویم زیرا هم داستانی طولانی دارد و هم ما از بیان آن خودداری می نمایم . در این تهمت زنی ، به عایشه حدّ جاری نشده است ولی وقتی حضرت مهدی صلی الله علیه و آله وسلم ظهور می کنند و عایشه رجعت می کند ، او را می آورند و حدّ را بر او جاری می کنند .

ب : برای اینکه انتقام مادرش حضرت زهرا علیهاالسلام را از او بگیرد .

این حدیث را برای این نقل کردیم که بیان داریم از خود عایشه انتقام گرفته می شود و نه از کسانی که به کارهای او رضایت دادند .

ص: 134

2- « فاذا دخل المدينة أخرج اللات و العزى »

وقتی حضرت مهدی صلی الله علیه و آله وسلم وارد مدینه شد جسد پلید آن دوت بزرگ یعنی اولی و دومی را از خاک بیرون می آورد .

3- « يعطى بقنفذ و مولاه فيضربان بسياة من نار »

« قنفذ و مولایش را می آورند و با تازیانه های آتشین آنها را می زنند » .

قنفذ همان کسی است که حضرت زهرا علیها السلام را ضربه زد ، و امام صادق علیه السلام فرمودند که به خدا قسم سبب شهادت مادرمان زهرا علیها السلام مضربتی

بود که قنفذ به او زد .

« لو وقع واحدٌ منها على جبل لذاب »

« اگر یکی از آن تازیانه ها بر کوه زده شود ، کوه ذوب می شود » .

« ولو وقع واحد منها على البحار لسجرت من أولها الى آخرها »

« اگر یکی از آن تازیانه ها به دریا زده شود همه دریاها - چون به هم متصل هستند - از اول تا آخر آتشین می شوند » ؛ یعنی به جوش می آید .

این احادیث که به عنوان نمونه بیان گردید نشان می دهد که انتقام از شخص ظالمین است و نه از فرزندان و یا از دوستداران آنها .

4- « إنَّ أوَّلَ من يكرُّ الى الدنيا الحسين بن على عليه السلام و اصحابه ، و يزيد بن معاوية و اصحابه ، فيقتلهم حذو القعدة بالقعدة »⁽¹⁾

« اولین کسی که به دنیا باز می گردد امام حسین علیه السلام و اصحابش هستند و یزید بن معاویه و اصحاب او ، که امام حسین علیه السلام آنها را مثل تطابق دو سر پیکان

ص: 135

1- . عیاشی ، تفسیر ، ج 3 ، ص 39 ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج 53 ، ص 76 .

این حدیث بحث ما را روشن می کند که به دنبال امام حسین علیه السلام، یزید هم رجعت می کند و سپس اصحابش، و به همان اندازه که دو پر یک پیکان برای دقت در طی مسیر تیر می باید بسیار به هم شبیه باشد - و برای نشان دادن یکسانی دو چیز آنها را به دو پر پیکان تشبیه می کرده اند - حضرت مهدی علیه السلام نیز در مقابل عمل هر یک از ظالمین آنها را قصاص می کند و به قتل می رساند . و اینگونه نیست که اگر در روایات آمده است که سی هزار نفر در سپاه یزید در کربلا حاضر بوده اند، امام زمان علیه السلام همه آنها را به قتل برساند، بلکه همه آنها طبق روایات به جهنم خواهند رفت زیرا برای کشتن امام علیه السلام آمده اند ولی اگر به طور مستقیم در شهادت امام علیه السلام دخالت نداشته اند قصاص نمی شوند .

البته رضایتمندی سپاهیان در شرکت داشتن در قتل امام حسین علیه السلام مطلبی است که پیشتر بررسی گردید، یعنی اگر آنان به این عمل راضی بوده باشند، طبق احادیثی از جمله: « فِی قَتْلِ مَنْ رَضِيَ بِقَتْلِهِ »⁽¹⁾ « هر کس را که راضی به قتل او (امام حسین علیه السلام) باشد، می کشد » و بنابر مختصات زمان ممکن است در دنیا قصاص فرماید .

5 - خداوند متعال شهادت امام حسین علیه السلام را به طور تفصیلی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیان فرمود و سپس فرمود ای حبیب من، این حسین علیه السلام پس از شهادتش مجدداً به دنیا برمی گردد و خداوند او را بر دشمنانش پیروز

می گرداند ، آنگاه فرمانروایی جهان را به دست او می سپارد .

اینجا بحث از رجعت امام حسین علیه السلام و پیروزی بر دشمنانش یعنی یزید و اصحابش است ، و نه کسانی که پس از چند هزار سال به دنیا می آیند .

6 - « ثم يخرج المنتصر وهو الحسين عليه السلام الى الدنيا فيطلب بدمه و دم اصحابه حتى يخرج السفاه و هو امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام » (1)

منتصر از القاب امام حسین علیه السلام است در معنای پیروز و نصرت داده شده . یعنی امام حسین علیه السلام به دنیا باز می گردد و خون خود و اصحابش را مطالبه می کند تا اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز رجعت می کنند .

7 - امام صادق علیه السلام در مورد حضرت اسماعیل صادق الوعد (2) می فرماید : فرشتگان الهی نزد اسماعیل آمدند و گفتند که خداوند می فرماید که حق قصاص را به خودتان واگذار کردیم ، هر گونه که بخواهی این افراد را قصاص می کنیم .

حضرت اسماعیل عرضه داشت خدایا تو به امام حسین علیه السلام وعده دادی که او را به دنیا برمی گردانی تا شخصاً از قاتلین خود انتقام بگیرد . لذا من هم انتقام نمی خواهم تا زمانی که مرا و همچنین دشمنانم را دوباره به دنیا بیاوری ، تا شخصاً از آنها انتقام بگیرم .

8 - امام باقر علیه السلام می فرماید : « انَّ لعليَّ عليه السلام الى الارض كَرَّةً مع

ص: 137

1- . الحلّی ، مختصر البصائر ، ص 200 . [ش 36 موعود 48] .

2- . در بین پیامبران که برای ما شناخته شده است یکی اسماعیل ذبیح پسر حضرت ابراهیم است و یکی اسماعیل صادق الوعد که نامش در قرآن نیز آمده است . دشمنان او ، پوست صورت را زنده زنده کردند و او را به طرز فجیعی به قتل رساندند . [ش 39 موعود 48] .

الحسین علیه السلام یقبل برایتہ حتی ینتقم من بنی امیہ و معاویہ و آل معاویہ « (1).

« همانا علی علیه السلام با امام حسین علیه السلام رجعت می کند و پرچمش را به دست می گیرد و همچنان پیش می رود تا از بنی امیہ و معاویہ و آل معاویہ انتقام می گیرد » .

امام حسین علیه السلام طبق اخبار رسیده ، چندین بار رجعت می کنند و حکومت ایشان پنجاه هزار سال طول می کشد ؛ در همین دوران است که علی علیه السلام نیز رجعت می کنند و از بنی امیہ انتقام می گیرند .

9 - امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی مفصل می فرماید : « ما من امامٍ فی قرنٍ الاّ ویکثرُ معہ البرُّ و الفاجر فی دهرہ حتی یدیل اللّٰه المؤمن الکافر » (2)

« هیچ امامی نیست مگر اینکه در هنگام رجعت او ، خوبان و بدان زمانش نیز رجعت می کنند تا اینکه خداوند مؤمنان را بر کافران پیروز گرداند » .

این احادیث به صراحت بیان می کند که انتقام از شخص قاتلان ، فاجران و مرتکبان آن جنایتهاست و نه از فرزندان و یا دوستداران آنها .

خلاصه بحث این است که دیشب بررسی نمودیم که آقا بقیه الله منتقم خون امام حسین علیه السلام و همچنین خونهای ریخته شده مظلومان در طول تاریخ است ؛ امشب نیز بررسی نمودیم که انتقام از چه کسی گرفته می شود ؛ و بیان داشتیم که صرفاً فرزند جنایتکاران بودن ، دلیل انتقام نیست ، ولی اگر این فرزندان و یا دوستداران آن ظالمان ، به ظلم آن افراد راضی بوده باشند ، گناه کار محسوب شده و در قیامت مورد حساب قرار می گیرند و به جهنم

ص: 138

1- . شیخ حر عاملی ، الایقاظ ، ص 263 .

2- . الحلّی ، مختصر البصائر ، ص 27 .

نیز می روند؛ و طبق اخبار موجود مورد قصاص حضرت مهدی علیه السلام قرار نمی گیرند؛ و معنای صحیح انتقام، قصاص خود آن جنایتکاران و ظالمان در دوران رجعت است.

ص: 139

پرسش : آیا زیارت آل یس دو تاست ؟

پاسخ : خیر . زیارت تنها یکی است اما متن زیارت موجود در کتاب مکیال المکارم - که وظایف شیعیان را در عصر غیبت بیان می دارد - اندکی با آنچه که ما در دست داریم و در مفاتیح هم هست متفاوت است و دلیل آن هم - مثل بسیاری دیگر از این موارد - ناتوانی برخی از افراد در نسخه برداری و یا اشتباه در بیان صحیح لغات حفظ شده بوده است که نسخه های متفاوتی را به وجود آورده است اما قطعاً این زیارت ، زیارت مستقلی نیست و همان است با اندکی تفاوت .

پرسش : چرا فضل بن شاذان ، محمد بن علی کوفی را نفرین نکرد ؟

پاسخ : ما نمی دانیم ، شاید هم نفرین کرده باشد ، مهم عبارتی است که از او به ما رسیده است تا بدینوسیله محمد بن علی کوفی را بهتر بشناسیم .

پرسش : ما حدیث داریم که همه با مرگ خدایی می میرند .

پاسخ : ما چنین حدیثی نداریم ، مگر اینکه منظور این باشد که هر کس وقتی اجلش فرا برسد می میرد . ولی حدیثی در مورد مرگ خدایی که در مقابل مرگهای مصنوعی و هتف عنف باشد نداریم .

علی علیه السلام می فرماید : کفی بالاجل حارسا ، یعنی تا هنگامی که اجل انسان فرا نرسد ، اجل برای نگهبانی کافی است . قرآن نیز در مورد کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به جهاد نرفتند می فرماید وقتی اجل آنها فرا برسد حتی در

بسترها نیز خواهند مُرد .

پرسش : آیا آن 313 نفر می دانند که از انصار بقیه الله هستند ؟

پاسخ : شاید . اما اگر کسی بگوید که من از آن 313 نفر هستم ، ما وظیفه نداریم که حرفش را باور کنیم ، تا زمانی که حضرت مهدی علیه السلام تشریف بیاورند .

پرسش : آیا این درست است که در زمان ظهور ، به افراد مرتد سه روز مهلت داده می شود ؟

پاسخ : مهلت سه روزه را در احادیث ندیده ایم ولی در قرآن فرصت تحقیق ، به کفار داده شده است و گفته شده است که اگر فرصت خواستند به آنها این فرصت را بدهید ، مطالب را برایشان بازگو کنید و سپس آنها را به جای امن خودشان ببرید ، سپس از ایشان پاسخ بخواهید .

معروف است که یک نفر در میدان جنگ از علی علیه السلام در مورد وحدانیت خدا پرسش نمود . یاران حضرت اعتراض کردند که اینجا محل این پرسش نیست . ولی حضرت فرمودند ما برای خدا می جنگیم و برای اثبات وحدانیت او ، لذا پاسخ او را همین جا باید بدهیم .

پرسش : عبارت نحن حرم الله یعنی چه ؟

پاسخ : حرم یعنی جایی که حریم برایش تعیین شده و کسی اجازه ورود به آن حریم را نداشته باشد ؛ پس اگر فرموده باشند که ما حرم خدا

هستیم یعنی کسی نباید حریم ما را مورد تعدی و تجاوز قرار دهد .

اگر تعبیر « حُرْم » باشد یعنی ما خاندانی هستیم که خداوند هر تعدی به ما را حرام نموده است .

پرسش : آیا صحیح است که برخی می گویند حضرت فقط هفت نفر را می کشد ؟

پاسخ : ما همچنین عددی را ندیده ایم . ولی در اخبار تأیید نشده هفتاد هزار نفر نوشته شده است . البته این هفتاد هزار در مقابل جمعیت کل جهان رقم بالایی نیست .

پرسش : اگر براساس مطالب گذشته حضور امام علیه السلام را در بیابانها انکار کنیم پس حدیث امام حسن عسکری علیه السلام که به امام زمان علیه السلام وصیت

کرده که در بیابانها باشد چگونه توجیه می شود ؟

پاسخ : این حدیث در یک تشریف نقل نشده و از معصوم علیه السلام به ما نرسیده است ، در ضمن ما گفتیم که تمام هستی مثل کف دست آن حضرت ، در اختیار ایشان است از کوه و دریا و شهر و بیابانها ، و همچنین حرملهایی که به تشریف فرمایی آقا مشرف می شوند . پس وقتی آن حضرت مکه و حرم رسول الله و حرم امام حسین علیه السلام و دیگر اماکن محترم و مقدس در اختیارش باشد لزومی ندارد که حتماً در بیابان باشد ؛ البته ممکن است گذرشان به بیابان هم بخورد .

پرسش: در روایات شیعه آمده است که حکومت حضرت 7 یا 9 سال است ولی در روایات اهل تسنن مدت حکومت ایشان 309 سال آمده است آیا این روایات صحیح است؟

پاسخ: خیر. مطلب عکس این است. بلکه در روایات اهل تسنن مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام عمدتاً، 7، 9، 19، 40، 70 و 140 سال آمده است ولی روایات صحیح که شیخ طوسی در غیبت و یا فضل بن شاذان پیش از شیخ طوسی و برخی دیگر از کتب روایی نقل فرموده اند این است که بقیه الله علیه السلام 309 سال که برابر با مدت خواب اصحاب کهف می باشد، حکومت خواهند کرد.

البته اعداد 7 یا 9 به دور از منطقی است زیرا می باید هزاران سال مردم منتظر ایشان باشند ولی حکومت آن حضرت آنقدر کوتاه مدت باشد. مطلب دیگر اینکه این 309 سال طبق روایات آنقدر با برکت است که هر سال از آن برابر 10 سال خواهد بود.

پرسش: نظر شما در مورد اظهار نظر آن آقایی که واژه علامه را یدک می کشد و در مورد سند زیارت عاشورا خدشه کرده است چیست؟

پاسخ: متأسفانه این سخن از ایشان صادر شده است ولی بعداً که از ایشان پرسش شده است، دست خط نوشته اند که در آن روز که این مطلب را گفته اند بسیار خسته بوده و اشتباه کرده اند.

اما در مورد سند زیارت عاشورا متذکر می شوم که سند این زیارت بسیار محکم و صحیح از امام باقر علیه السلام است و در کتابهایی از جمله مصباح

المتهجده شيخ طوسى نقل شده است . همچنين كتابهاى متعددى در صحيح بودن سند اين زيارت به چاپ رسيده است .

همين شخص در چند سال پيش در مورد حديث كساء هم همين مطلب را گفته بودند و ما در آن زمان كتابى در مورد سند حديث كساء نوشتيم و بدون ذكر نام آن شخص ، مطلب را براى طالبان توضيح داديم .

در مورد سند زيارت عاشورا بهترين و كاملترين كتاب ، كتابى است به نام « اللؤلؤ النضيد » تأليف آيت الله حاج شيخ نصرالله شبستري ، كه در آن كتاب حدود 70 صفحه در مورد سند اين زيارت توضيح داده است يعنى كاري كه بيش از يك سال وقت لازم دارد و بسيار ارزشمند است .

پرسش : همسران آقا بقيه الله از چه قبائلى هستند ؟

پاسخ : اين را ما نمى دانيم ، و فقط در مورد يكي از آنها آمده است كه از اولاد عبدالعزى است يعنى از قبيله قريش است .

پرسش : چگونه ممكن است كه نمازگزاران اقتدا كننده به امير مؤمنان على عليه السلام يك ميليون نفر بوده باشند ؟

پاسخ : وقتى ثابت شود كه مردم آن زمان كوفه از نظر اسناد تاريخى يك ميليون نفر بودند و با توجه به اينكه در يك شهر ، بيش از يك نماز جمعه برگزار نمى شود و همه مى خواستند كه در نماز شركت كنند هيچ مشكلى باقى نخواهد ماند .

جالب اين است كه وقتى عده اى در تاريخ مى خوانند كه نُه ميليون نفر

ام کلثوم خواننده مصری را تشییع کردند ، تعجب نمی کنند ولی آن یک میلیون نمازگزار تعجب آور می شود .

پرسش : مگر امامان علیهم السلام با بقیه مردم فرق دارند که می گوئید

حضرت مهدی علیه السلام در گهواره سخن گفته است ؟

پاسخ : شکی نیست که آنها با دیگران فرق دارند . سخن گفتن در گهواره نیز تازگی ندارد . در قرآن به صراحت آمده است که حضرت عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت و به پاکدامنی مادرش شهادت داد و گفت که به من نبوت و حکمت داده شده است .

همچنین در داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن آمده است که وقتی در کاخ عزیز مصر خواستند حضرت یوسف علیه السلام را گناهکار معرفی کنند کودکی در گهواره سخن گفت که اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد او تقصیری ندارد و اگر پیراهن او از جلو پاره باشد یوسف مقصر است .

تمامی کتب شیعه و سنی نقل کرده اند که وقتی علی علیه السلام با مادرش از کعبه خارج شدند ، علی علیه السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دادند و ایشان بر روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آیات اولیه سوره مؤمنون را تا ده آیه تلاوت فرمودند در حالی که قرآن هنوز نازل نشده بود .

پایان جلسه هفتم

ص: 145

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين و بعد فقد قال الحكيم : اعوذ بالله من الشيطان الرجيم : « وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ » (1).

اگر خداوند عنایت کند بحث امشب ما در مورد رجعت است . در مورد رجعت نمی توان به یک جلسه اکتفا کرد ولی چون بحث دیشب به رجعت رسید و هر روز تعدادی از پرسشهایی که به ما می رسد در مورد این موضوع است ، سعی می کنیم مطالب مهم را در یک جلسه بیان داریم .

برای کسانی که طالب مطالعه بیشتر در این زمینه هستند در بین کتب

ص: 146

فارسی کتاب « رجعت یا دولت کریمه اهل بیت » را پیشنهاد می‌دهم . اصل کتاب به قلم آیت الله شیخ محمد خادمی شیرازی است که اینجانب ویرایش و افزایش آن را به عهده داشته‌ام و در کتابخانه این مرکز نیز موجود است .

اما بهترین کتاب در این زمینه « الايقاظ من الهجعة في اثبات الرجعة » نام دارد که به قلم شیخ حرّ عاملی صاحب « وسائل الشیعه » است ، و در آن کتاب 520 حدیث در مورد رجعت آمده است . کتاب ارزشمند دیگر به نام « الشیعة و الرجعة » تألیف مرحوم طبرسی است که از جمله بهترین کتب درباره رجعت می‌باشد .

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که به رجعت دلالت می‌کند . در کتاب « رجعت یا دولت کریمه اهل بیت » هفتاد آیه در مورد رجعت را نقل کرده‌ایم و آن را به استناد فراوان از معصومین علیهم السلام مورد بررسی قرار داده‌ایم . روشنترین آیه که هیچکس نمی‌تواند در آن تردید کند این است که می‌فرماید : « یوم نحشر من کل امة فوجا » روزی که از هر امتی یک گروهی را بر می‌انگیزانیم . وقتی در این آیه حشر گروهی از مردم مطرح می‌شود نشاندهنده این است که این آیه مربوط به قیامت نیست زیرا در قیامت همه مردم محشور می‌شوند .

امام علیه السلام به یکی از اصحاب فرمود که « الناس » - یعنی عمده اهل سنت - در مورد این آیه چه می‌گویند . او گفت که ایشان می‌گویند که این آیه مربوط به قیامت است . فرمود اشتباه می‌کنند زیرا آیه قیامت این است که می‌فرماید :

« وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا »⁽¹⁾ « ما همه آنها را محشور کردیم و احدی را فروگذار نکردیم » .

علی علیه السلام امام باقر علیه السلام ، امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام به این آیه در مورد رجعت استناد فرموده اند .

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان آورده اند که اگر هیچ دلیلی برای رجعت نداشتیم ، همین آیه دلیل کافی بود زیرا به هیچ وجه قابل تعبیر نیست و به غیر رجعت تأویل نمی شود .

روزی سید حمیری که شاعر اهل بیت بود ، نزد منصور دوانیقی رفت . منصور او را احترام کرد . قاضی سوار در آنجا حضور داشت و خواست تا نظر منصور را علیه سید حمیری تحریک کند . گفت : آیا اطلاع دارید که سید منحرف است و به رجعت اعتقاد دارد ؟ منصور گفت : راست می گوید ؟ سید جواب داد : بله . مطابق آیه شریفه که می فرماید : « یوم نحشر من کل امة فوجا » . منصور نیز چون اهل ادب بود مطلب را پذیرفت ، و روبرو قاضی کرد و گفت : اگر منکر هستید دلیل بیاورید .

در آیه دیگری که بیانگر رجعت است می فرماید : « وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرْیَةٍ اَهْلُکُنَّهَا اَنْهُمْ لَا یَرْجِعُوْنَ »⁽²⁾ بر اهل آن آبادی که ما هلاکشان کردیم حرام است که رجعت کنند . از آنجا که در قیامت همه خلائق حاضر می شوند ، لذا این آیه مربوط به کسانی که رجعت بر آنان حرام شده است زیرا در دنیا

ص: 148

1- . کهف / 47 .

2- . انبیاء / 95 .

دچار عذاب الهی گشته اند .

علاوه بر این ، رجعت در امم گذشته نیز اتفاق افتاده است ، و ما در این مورد به قرآن اشاره می کنیم ، زیرا آنقدر روشن مطرح شده است که مراجعه به احادیث و کتب روایی فعلاً نیاز نیست .

امت حضرت موسی علیه السلام که قریب هفتصد هزار نفر بودند ، هفتاد نفر را انتخاب کردند که با موسی به کوه طور بروند و چگونگی وحی را ببینند . برای انتخاب این نفرات از بین هر ده هزار نفر یک نفر برگزیده شد لذا آن شخص باید بسیار برجسته بوده باشد .

وقتی با موسی علیه السلام همراه بودند نزول وحی را اینگونه دیدند که از سوی درخت صدا می آید و به موسی وحی می شود . گفتند این را نمی پذیریم ؛ ما باید خود خدا را به چشم ببینیم . لذا صاعقه آمد و همه هفتاد نفر هلاک شدند .

موسی علیه السلام عرض کرد خدایا اینها برگزیدگان امت بودند که انکار کردند و به عذاب دچار شدند و مُردند . من به قوم خودم چه بگویم ؟ خداوند همه آنها را زنده کرد آنگونه که می فرماید : « ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ » (1) « بعد از مرگشان شما را برانگیختیم شاید شکرگزار باشید » . و چون می فرماید : « بَعْدَ مَوْتِكُمْ » دلیل بر این است که آنان رجعت کرده اند .

سوره مبارکه بقره به مناسبت داستانی نامگذاری شد و در آن داستان - به طور خلاصه - آمده است که کسی کشته شده بود ، ولی در مورد قاتل اختلاف افتاد . برای حل اختلاف به حضرت موسی علیه السلام مراجعه کردند .

ص: 149

ایشان گفتند بودید گوساله ای را - با شرایط ذکر شده در قرآن - بخرید و سر ببرید و قسمتی از گوشت آن را بر مقتول بزنید . این شخص زنده شد در حالی که شصت سال از عمرش می گذشت ؛ و پس از تولد دوباره ، هفتاد سال دیگر زندگی کرد و در 130 سالگی در گذشت :

« قُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى » . (1)

در آیه دیگری می فرماید : « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ » (2) این آیه در مورد افرادی است که تعداد آنها بین 30 تا 70 هزار نفر گفته شده است . اینان به علت شیوع طاعون از شهر خود خارج شدند و به شهر دیگری پناه بردند . اما خداوند همه آنها را میراند ؛ و سپس آنها را زنده کرد . در تاریخ آمده است که اینان به دعای حضرت حزقیل زنده شدند و آن زمانی بود که چون این تعداد بسیار زیاد از مردگان را دید ، عرض کرد خداوندا ! اینان را چگونه زنده می کنی ؟ سپس دعا کرد و همه زنده شدند .

در مورد داستان عزیز و عزیز در قرآن آمده است : « أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ ... » (3)

عزیز و عزیز دو برادر دو قلو بودند که 50 سال با هم زندگی کردند .

ص: 150

1- . بقره / 72 .

2- . بقره / 243 .

3- . بقره / 259 .

جناب عزیز روزی از خداوند پرسید این استخوانها را چگونه زنده می کنی . پس خداوند او را صد سال میراند و پس از آن زنده اش کرد . هنگامی که به خانه خود برگشت نواده ها او را منکر شدند و چون تنها کسی بود که تورات را از حفظ می دانست ، پس از تلاوت تورات فهمیدند که او عزیز است . و در آن روز عزیز 150 سال و عزیز 50 سال داشتند .

وقتی عزیز از خواب 100 ساله بیدار شد گمان کرد که یک روز یا کمتر ، به خواب رفته است . خطاب آمد که به غذا و نوشیدنی ات نگاه کن که هیچ تغییری نکرده ولی الاغ را ببین که استخوانهایش پوسیده است . سپس با زنده کردن الاغ ، زنده کردن خلایق را به عزیز نشان داد (1).

در داستان دیگری آمده است که حضرت عیسی علیه السلام دوستی به نام آزر داشت ولی روزی که به دیدنش رفت دید که او مرده است و مادرش بسیار بی تابی می کند . با هم به سر مزار او رفتند ، حضرت عیسی علیه السلام دعا فرمود و آن مرد زنده شد آنگونه که در قرآن آمده است : « وَ أَحْيِي الْمَوْتِي يَا ذَا اللّٰهِ » (2) « من مردگان را به اذن خدا زنده می کنم » . آن مرد حدود بیست سال دیگر زنده بود .

در داستان حضرت ایوب آمده است که ایشان هفت پسر داشت که یک روز به علت خراب شدن سقف اتاقشان ، همگی در آنجا کشته شدند . بعد از طی شدن سالها - که داستان طولانی ایوب و صبر او رانشان می دهد - خداوند به دعای ایوب فرزندان کشته شده او و هفت فرزند دیگر نیز به

ص: 151

1- . همان .

2- . آل عمران / 49 .

ایشان عطا فرمود: « وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ » (1).

بنابراین وقوع رجعت در بین دهها پیامبر اتفاق افتاده، لذا مشکلی در بازگشت مردگان وجود ندارد. از نظر فلسفی می گوئیم: « حکم الامثال فی ما یجز و ما لا یجز، واحدٌ » یعنی اگر یک انسان می میرد، دیگری هم می تواند بمیرد؛ و یا اگر یک انسان زنده می شود، دیگری هم می تواند زنده شود.

علاوه بر این موارد، در روایات بسیاری نیز آمده است که آنچه در امتهای گذشته اتفاق افتاده است در امت اسلام نیز اتفاق می افتد « حذو النعل بالنعل » همانند یکسانی دو لنگه کفش. این مطلب در بین کتب اهل سنت آنگونه است که فقط در صحیح مسلم و بخاری، دهها مورد از آن را می توان یافت. آنقدر این تعبیر در احادیث زیاد است که افرادی از جمله فضل بن شاذان و شیخ صدوق همه آنها را جداگانه در کتابهایی به نام « حذو النعل بالنعل » جمع آوری کرده اند.

پس اگر در امتهای گذشته رجعت واقع شده است مطابق این روایات، در امت اسلام نیز رجعت باید واقع بشود.

غیر از روایات فراوان و قرآن مجید، در زیارات و ادعیه ما نیز معمولاً تعبیری از رجعت مطرح شده است مثلاً در زیارت جامعه کبیره آمده است: « وَ یَکْرُ فِی رَجْعَتِکُمْ » یا در زیارت وارث می فرماید: « وَ بِإِیَابِکُمْ مَوْقِنٌ » و تعبیری اینچنین در زیارت اربعین، زیارت قمر بنی هاشم، زیارت سرداب مقدس، زیارت آل یس، دعای عهد و

ص: 152

دعای عهد، دعایی است که به ما امر شده است که تا می توانید خواندن این دعا را ترک نکنید؛ در این دعا، مسئله رجعت بسیار روشن مطرح شده است آنگونه که می گوید: « خدایا اگر دیدن و درک آقا بقیه الله نصیبم نشد، هنگامی که او آمد، مرا نیز از قبر برخیزان و بیاور در حالی که کفنم را به خودم پیچیده ام و شمشیر به دست گرفته ام تا در محضر او با دشمنان بجنگم ».

در مورد این دعا حدیثی آمده است که هر کس این دعا را چهل روز بخواند اگر محضر حضرت را درک نکند، خداوند در زمان ظهور او را زنده می کند و او رجعت می نماید.

همچنین در احادیثی فراوان آمده است که علی علیه السلام می فرماید در آن زمان که من برای فرمانروایی بیایم همه انبیا از آدم تا خاتم خواهند آمد و در حضور من و به فرمان من خواهند بود، و در تفسیر آیه « لَيُنْصَرَّتْ » احادیث فراوانی در مضمون فوق نقل شده است. (1)

در مورد رجعت یک پرسش مطرح می شود: آیا همه مردم رجعت خواهند کرد؟ خیر. بلکه انسانهای خیلی خوب و انسانهای خیلی بد رجعت می کنند. یعنی کسانی که عمر خود را در راه کسب ایمان واقعی، و تحمل مشکلات، دشواری ها، ناملازمات و رنجها به سر برده اند، می آیند و آن دوران عدالت مهدوی را نیز می بینند؛ در مقابل آن کسانی که یک عمر مانع کسب معرفت و آرامش انسانها و دستیابی آنها به واقعیت اسلام شده اند باز خواهند گشت و سزای اعمال خود را در دنیا می چشند: « إِنَّ

ص: 153

1- از جمله تفسیر عیاشی، البرهان، صافی، نور الثقلین.

الرَّجْعَةُ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَحْضُ الْإِيمَانِ مَحْضاً أَوْ مَحْضُ الْكُفْرِ مَحْضاً» « رجعت برای عموم مردم نیست بلکه مخصوص افراد ویژه ای است . در رجعت بر نمی گردند مگر کسانی که ایمانشان خالص باشد و یا کسانی که در کفر خالص باشند » .

رجعت در مورد بدها اجباری است یعنی آنها مجبورند طبق فرمان الهی برگردند ، اما در مورد خوبان اختیاری است ، و بنابر احادیثی ، پس از تشریف فرمایی حضرت علیه السلام به آنانی که منتظر ظهور بوده اند ندا می رسد که « يَا هَذَا قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ إِمَّ شِئْتُمْ فَخُجِّجُوا وَإِنْ شِئْتُمْ --- إِلَى كِرَاتِهِ اللَّهُ »

« ای مؤمن همانا صاحبت ظهور کرده ، اگر می خواهی از قبرت خارج شو ، و اگر می خواهی در جایگاه کرامت الهی بمان » .

در روایاتی که از غیر معصوم نقل شده آمده است که پرسیده اند آیا ممکن است کسی حاضر نشود که در دوران رجعت باز گردد ؟ پاسخ داده اند که بله ؛ آنها می گویند خداوندا ما درد جان دادن را فراموش نکرده ایم و بدین لحاظ دیگر نمی خواهیم آن درد دوباره تکرار شود .

پیامبران از آدم تا خاتم از جمله خوبانی هستند که رجعت می کنند ؛ در مورد برخی از پیامبران تصریح نیز شده است مثل اسماعیل صادق الوعد ، یوشع و همچنین ائمه علیهم السلام و اصحاب برجسته ایشان همچون سلمان ، ابوذر ، عمار ، جابر بن عبدالله انصاری ، مفضل بن عمر ، حمران بن اعین و برخی دیگر که ائمه علیهم السلام نام ایشان را برای رجعت ذکر کرده اند از جمله خوبان هستند . حدیثی هم داریم که می فرماید هر امامی که رجعت می کند سرکردگان زمان ایشان نیز رجعت می کنند یعنی سرکردگان از یاران ، و از

دشمنان؛ آنگونه که در مورد امام حسین علیه السلام آمده است که ایشان با هفتاد نفر از شهدای کربلا و هفتاد هزار نفر از دوستان - که قطعاً در بین میلیونها نفر از دوستان آن حضرت، دارای ویژگی خاصی هستند - رجعت خواهند نمود. دیگر از کسانی که در دوران رجعت باز می گردند هفت نفر اصحاب کهف هستند.

در حدیثی دوران رجعت و حکومت امام زمان علیه السلام را اینگونه بیان می فرماید: عمر دنیا صد هزار سال است، بیست هزار سال از آن دشمنان و هشتاد هزار سال از آن ما اهل بیت علیهم السلام است؛ یا به تعبیری دیگر 20 درصد عمر دنیا در اختیار دشمنان و 80 درصد آن در حکومت اهل بیت علیهم السلام است؛ و البته عمده این سالها دوران حکومت پنجاه هزار ساله امام حسین علیه السلام و چهل و چهار هزار ساله علی علیه السلام است. (1) اما از بقیه ائمه علیهم السلام و

دوران و طول رجعت ایشان احادیثی به ما نرسیده است زیرا غالب آن احادیث را دشمنان اهل بیت علیهم السلام نابود کرده اند؛ علت از بین بردن آنها نیز این است که اعتقاد به رجعت، از اعتقادات مخصوص شیعه است و اهل تسنن قائل به این اعتقاد نیستند و حتی با معتقدان رجعت نیز برخورد بسیار تندی داشته اند؛ به عنوان نمونه: در کتاب صحیح مسلم (2) در مورد جابر بن یزید جعفی که از یاران برجسته اهل بیت بوده است آورده اند که سفیان بن عیینه گفته است که ما در خدمت جابر بودیم و از او حدیث می شنیدیم و

ص: 155

1- [در مورد اعداد و نسبی بودن آنها باید تذکر داده شود. مثل 309 سال بابرکت که 3090 سال است !!].

2- مسلم، صحیح، ج 1، ص 20.

می نوشتیم؛ او چیزی گفت و ما ترسیدیم که سقف اتاق بر سر ما فرو بریزد، لذا دوان دوان از آنجا خارج شدیم. وقتی در مورد سخنان جابر از او پرسیدند گفت: او مطلبی راجع به رجعت گفت.

در حدیث دیگری آورده اند (1) که ما از جابر حدیث نقل می کردیم تا هنگامی که اعتقاد به رجعت را اظهار نمود، پس از آن دیگر از او حدیثی نقل نکردیم اگر چه زیر آسمان راستگوتر از جابر نداشتیم.

حدیثی را سید بن طاووس نقل کرده است که متأسفانه در کتب دیگر آن را نیافتیم، او می گوید که در اوایل کتاب صحیح مسلم آمده است که جابر بن یزید جعفی گفته است که من هفتاد هزار حدیث فقط در مورد رجعت می دانم؛ اما در چاپهای جدید آمده است «عندی سبعون الف حدیث کلهما» و کلمه «فی الرجعة» حذف شده است و فقط می گوید هفتاد هزار حدیث از حفظ دارم.

البته از زمانی که چاپ کتابها آغاز شده، همزمان با آن تحریف آنها نیز آغاز شده است. مثلاً در کتاب «مروج الذهب» که صد سال پیش در قاهره چاپ شده است نیم سطر در مورد آتش زدن در خانه حضرت زهرا علیها السلام آمده است ولی این مطلب در تمامی چاپهای فعلی حذف شده است. و متأسفانه این نوع تحریف در تمامی کتابهای اصولی اهل سنت پیش آمده است؛ و قطعاً سید بن طاووس که در طرائف زندگی می کرده و متوفی 664 ه. ق بوده است نسخه ای از صحیح مسلم را داشته است که

ص: 156

اکنون در اختیار ما نیست .

قبل از اینکه به پاسخ پرسشها پردازیم ، به یکی از سؤالاتی که درباره مبحث شب گذشته در مورد رجعت و انتقام مطرح شده است می پردازم : امامان ما همه مظهر رحمت الهی اند چگونه است که بحث انتقام را در مورد برخی از افراد ، آنگونه با شدت و حدت مطرح می کنید ؟

طرح این پرسش نشان می دهد که مبحث انتقام برای برخی از حاضران ، روشن و واضح نشده است .

شب گذشته کاملاً توضیح دادیم که از افراد ظالم شخصاً انتقام گرفته می شود و این انتقام با رحمت الهی منافاتی ندارد . به عنوان نمونه روزی که مروان به حضرت سجاد علیه السلام ملتجی شد ، ایشان به او پناه داد و خانه را در اختیارش قرار دارند ؛ اما همین امام سجاد علیه السلام وقتی که شنید هرمله را کشتند به سجده شکر افتاد ، زیرا او با شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام دل امام را به آتش کشیده بود . البته باید توجه شود که موارد با هم متفاوتند ؛ نمونه ای دیگر :

روزی در خانه امام سجاد علیه السلام کنیزی به پشت بام می رفت در حالی که چند سیخ داغ در دست داشت . وقتی بر روی پلکان بود یکی از سیخها از دستش افتاد و به سر فرزند امام علیه السلام فرورفت و ایشان فوت کرد . امام سجاد علیه السلام پس از این واقعه آن کنیز را آزاد کرد و در پاسخ علت آزاد نمودنش

فرمود که نمی خواهم تو هر بار مرا می بینی از من خجالت بکشی ؛ زیرا او عمداً این عمل را انجام نداده بود . اما در مورد حضرت علی اصغر علیه السلام که در روز عاشورا آنگونه بر روی دستان امام حسین علیه السلام به شهادت می رسد به گونه ای

ص: 157

است که با شنیدن هلاکت هرمله ، سجده شکر می گذارد .

اگر گفتیم که حضرت بقیه الله علیه السلام عایشه را به دلیل تهمت به ماریه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، حدّ قذف می زند و انتقام حضرت فاطمه علیها السلام را از او می گیرد ، آنجا مسئله فرق دارد . حضرت زهرا علیها السلام فرمودند که هیچگاه نبود که عایشه مرا ببیند و به مادرم ناسزا نگوید ؛ و او بود که همیشه باعث آزار حضرت بود .

در مورد قنفذ هم روایتی خواندیم که او و مولایش را می آورند و با تازیانه هایی از آتش بر آنها می زنند که امام علیه السلام فرمودند اگر یک تازیانه اش بر کوه برخورد کند کوه را ذوب می کند ، و اگر به دریا زده شود دریا به جوش می آید . اینها افرادی هستند که در حدیث فرمود : « محض الکفر (الشکر) محضا » یعنی کسانی اند که اساس ایمان را با کفر نشانه گرفتند و سرنوشت اسلام واقعی در بستر شیعه را تغییر دادند و لذا برای چشیدن عذاب الهی به دنیا رجعت می کنند تا در قیامت نیز در دوزخ جاویدان شدند .

ص: 158

پرسش : چگونه است که گاهی می گویند احادیث را به قرآن عرضه کنید و گاهی قرآن را به احادیث ؟

پاسخ : در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به آنها محکومات می گویند ، یعنی در معنا و مفهوم آنها هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد ؛ ولی در کنار آنها آیاتی هم هستند که به آنها متشابهات گویند ، در این صورت برای آشنایی با مفهوم آیه باید به روایات معتبر از معصومین علیهم السلام مراجعه کرد تا آیات را تفسیر و تأویل فرمایند .

از طرف دیگر ما آن دسته از احادیث را که به تأمل و دقت در صحت آنها نیاز است به آیات محکم قرآن ارجاع می دهیم ؛ به عنوان نمونه در احادیث متشابه در مورد خشونت امام علیه السلام به آیه « وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى » مراجعه نمودیم .

پرسش : در ضمن مطالب حدیثی نقل شد که همه حرام زاده ها به جهنم نمی روند ؛ پس اینکه حرام زاده ها نمی توانند امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست بدارند چگونه توجیه می شود ؟

پاسخ : اگر حرام زاده ای با خودش مبارزه نکند و انگیزه های گناه را از خودش دور نکند نمی تواند امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست بدارد ؛ اما اگر بعد از مبارزه با نفس ، نورانیتی در خود ایجاد کند ممکن است به درجه ای برسد که ولایت علی علیه السلام را نیز بپذیرد ، و البته استثنا هم نیست و ممکن است تعدادشان بیشتر از استثنا باشد . البته آنچه که مطرح شد کلام امام رضا علیه السلام

بود که در کتب معتبر نقل شده است .

پرسش : آیا تمام آیاتی که در قرآن به مفهوم انتظار آمده است منظور انتظار قائم است ؟

پاسخ :

پرسش : اگر قرار است که قاتلین امام حسین علیه السلام قصاص شوند و به قتل برسند پس چرا ما گریه می کنیم ؟

پاسخ : اگر خدای ناکرده فرزند کسی کشته شود و قاتل او هم قصاص شود آیا اولیای دم دیگر گریه نمی کنند ؟

قصاص به هر شکلی که باشد تشفی نفس و تسلی خاطر برای بازماندگان است ؛ ولی آیا آثار جنایت را محو می کند ؟ مخصوصاً آن جنایت بسیار عجیب و فجیع روز عاشورا که امام رضا علیه السلام درباره آن می فرماید :

« ان یوم الحسین قد افرح جفوننا » « روز شهادت امام حسین علیه السلام پلکهای چشم ما را زخم کرد » یعنی از شدت گریه ، پلکهای چشم ما زخم شده است ؛ و این عزاداری و گریه روش ائمه ما بوده است .

پرسش : آیا رجعت انسانها با همان سن و سالی است که از دنیا رفته اند ؟

پاسخ : شاید ، ولی حدیثی در این زمینه ندیده ایم . اگر چه در مورد قیامت آمده است که انسانها به همان شکل که از دنیا می روند ، در قیامت نیز محشور می شوند .

پرسش: اگر همه چهارده معصوم علیهم السلام از یک نورند، پس چرا در ضمن مطالب گفته شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از دیگر ائمه علیهم السلام افضل است؟

پاسخ: علی علیه السلام فرموده اند: «أَنَا عَبِيدٌ مِنْ عَبِيدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» من غلامی از غلامان پیامبرم. و ما شک نداریم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از علی علیه السلام افضل و علی علیه السلام از دیگر ائمه افضل است و درباره این مطلب احادیثی هم وجود دارد. غیر از اینها مگر قرار است تمام نورها با هم یکسان باشند، زیرا اگر چه نور از یک منبع صادر شود، باز هم ممکن است شدت و ضعف نیز داشته باشد.

پرسش: آیا نایب بر حق وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: خیر. زیرا نایب بر حق یعنی کسی که حضرت علیه السلام او را تائید کرده باشد. حال آنکه این ادعا را هیچ کس تائید و نقل نکرده است. در طول چهارده قرن تنها در مورد چهار نایب خاص تائیدیه از طرف امام علیه السلام آمده است، ولی پس از آن نایب کلی مطرح شده است و بدین لحاظ فرموده اند در زمان غیبت به راویان احادیث ما مراجعه کنید و من آنها را بر شما حاکم قرار دادم.

پرسش: اگر قرار است چهل روز قبل از قیامت در روی زمین حجت وجود نداشته باشد چگونه است که زمین ساکنانش را در کام خود فرو نمی برد؟

ص: 161

پاسخ: ما احادیث فراوانی داریم و برخی از آنها را نیز نقل کردیم که آخرین فردی که از دنیا می رود حجت خداست؛ و در اصول کافی نیز روایات فراوان داریم که اگر دو نفر در روی زمین باشند، یکی از آنها حجت خداست. در میان این دو، آنکس که بعد از دیگری از دنیا می رود، حجت خداست و بعد از آن است که چهل روز در روی زمین انسانی وجود ندارد که در کام زمین فرو برده شود.

پرسش: اگر از بین 30 هزار نفر دشمن در روز عاشورا تنها برخی از آنها مورد قصاص قرار می گیرند چگونه است که در زیارت عاشورا همه آنها مورد لعن قرار می گیرند؟

پاسخ: مقوله قصاص با لعن متفاوت است. ما بسیاری از انسانها را داریم که ملعون هستند اما قصاص بر آنها واجب نیست؛ و جهنمی هستند ولی حاکم شرع مجوز کشتن آنها را ندارد.

پرسش: آیا در زمان ظهور چاههای نفت خشک می شوند؟

پاسخ: [ناتمام!]

پایان جلسه هشتم

ص: 162

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم
على اعدائهم اجمعين

و بعد فقد قال عليه السلام : « إِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةَ وَتَسَعِ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكُهْفِ فِي كَهْفِهِمْ » . (1)

هنگامی که آقا بقیه الله علیه السلام ظهور می کنند در روزهای اول تمامی معجزات توسط ایشان انجام می شود ، زیرا کسانی که نمی
خواهند گول بخورند ، باید بدانند که ایشان حجت خداست و معجزه آخرین دلیل برای کسانی است که مدعی نبوت و یا امامت می شوند
؛ یعنی کاری که دیگران از

ص: 163

1- . بحار الانوار ، ج 52 ، ص 291 ؛ شیخ طوسی ، غیبت ، ص 474 .

انجام آن عاجز باشند .

معجزه شریطی دارد از جمله اینکه همراه با ادعا باشد زیرا ممکن است کسی اعمال خارق العاده انجام بدهد ولی مدعی نباشد اما اگر کسی ادعا کند و مطابق آن ، عملی که آن ادعا را اثبات کند انجام بدهد ، آن عمل دلیل صدق ادعای او خواهد بود . مثلاً آقا بقیه الله یک شاخه چوب خشک را در زمین بایر می کارد و آن چوب جوانه می زند ؛ و یا به مرغی که در آسمان پرواز می کند ، اشاره می فرماید و او می آید روی دست آقا می نشیند و با زبانی که مردم بفهمند به امامت ایشان شهادت می دهد . اینها از جمله معجزات عمومی و همه فهم است .

همچنین معجزات دیگری از جمله اینکه هر بیماری غیرقابل علاج را شفا می دهند ؛ و یا زمانی که از مگه به سوی پایتخت حکومتی خود یعنی کوفه حرکت می کنند به آن سپاه عظیم که حدود صد هزار نفر هستند دستور می دهد که هیچ آذوقه ای برندارید . حضرت سنگی را در اختیار دارند که در قرآن در داستان حضرت موسی از آن نام برده شده ، و نقل شده است هنگامی که موسی علیه السلام با عصا به آن سنگ زد ، دوازده چشمه از آن خارج شد و دوازده قبیله بنی اسرائیل از آن نوشیدند . حضرت مهدی علیه السلام در هر منزلی که می رسند آن سنگ را بر زمین می گذارند و دوازده چشمه از آن جاری می شود که هم نوشیدنی است و هم خوراکی .

از دیگر معجزات حضرت این است که سایه ندارد ؛ و یا هر زمانی که هوا گرم باشد ابری بر روی سر حضرت سایه می اندازد ؛ یا هنگامی که خروج می کند ابری روی سرش سایه می اندازد و از آن ابر ندا می شود : « هَذَا

علیه السلام خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ» (1) یعنی این مهدی آل محمد علیهم السلام است او را تبعیت کنید .

خلاصه مطلب یک جمله می شود که در روایات آمده است : معجزات همه پیامبران را دارد ؛ یعنی اگر از هر پیامبری معجزه ای صادر شده باشد ، امام زمان علیه السلام قادر به آن معجزه خواهند بود .

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که :

« ... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلَبِ الدَّهْرَ وَجَهَلَ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَيُنصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا وَيُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرْضَ الْبِلَادِ وَطُولُهَا ، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ ؛ وَتَصْطَلِحَ فِي مَلِكِهِ السَّبَاعُ ، وَتُخْرَجَ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَتُنزَلَ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَتُظْهِرَ لَهُ الْكُنُوزُ ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَائِفَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا ؛ فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَسَمِعَ كَلَامَهُ » . (2)

« تا زمانی که خدا مبعوث کند مردی را در آخر الزمان و در آن دنیای از هم پاشیده [از شدت خرابی و بی سامانی که علی رغم بالا رفتن دانش] ، جهالت مردم به اوج رسیده است

ص: 165

-
- 1- بحار الانوار ، ج 51 ، ص 81 ؛ الصراط المستقیم ، ج 2 ، ص 261 ؛ كشف الغمة ، ج 2 ، ص 470 .
 - 2- طبرسی ، الاحتجاج ، ج 2 ، ص 290 ؛ بحار الانوار ، ج 44 ، ص 20 ؛ همان ، ج 52 ، ص 280 .

خداوند او را با ملائکه تائید می کند و از یارانش محافظت می کند و با معجزاتش او را یاری می کند، و او را بر تمام اهل زمین پیروز می گرداند تا آنجا که همگی از روی میل و یا اکراه او را اطاعت کنند، و زمین را پر از قسط و عدالت و نور و منطق می کند. تمامی روی زمین (طول و عرض) در مقابل او خاضع می شوند، هیچ کافری باقی نمی ماند مگر اینکه ایمان می آورد و هیچ آدم بدی نمی ماند جز اینکه صالح می شود. درندگان در زمان او آستی می کنند. زمین گیاهانش را بیرون می فرستد و آسمان برکاتش را فرو می بارد. گنجها و دفینه ها برای او ظاهر می شود؛ و چهل سال بر شرق و غرب عالم حکومت می کند؛ خوشا به حال کسی که آن زمان را درک کند و فرمان او را اطاعت کند».

در حدیث دیگری می فرمایند:

«وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا» (1)

«هیچ بدعتی نیست مگر اینکه آن را نابود می کند و هیچ سنتی نیست مگر اینکه آن را اقامه و احیا می کند».

و در ادامه می فرمایند:

ص: 166

1- . بحارالانوار، ج 52، ص 339؛ همان، ج 55، ص 91؛ الارشاد، ج 2، ص 385؛ اعلام الوری، ص 462؛ روضة الواعظین، ج 2، ص 264؛ كشف الغمه، ج 2، ص 466.

« وَيُفْتَحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصَّبِينَ وَجِبَالَ الدِّيْلَمِ » (1)

« قسطنطنیه (استانبول) و چین و کوههای دیلم را فتح می کند » .

در حدیث دیگر که در آغاز سخن نقل نمودیم ، می فرماید :

« إِنَّ الْفَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةَ وَتَسَعِ سِنِينَ كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ » .

« همانا مهدی علیه السلام ، 309 سال فرمانروایی می کند همچنانکه

اصحاب کهف در کهف خود درنگ نمودند » .

« يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا وَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا » .

« زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شده است و شرق و غرب زمین را برای او فتح می کند » .

در حدیث دیگر می فرماید :

« وَيُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتٌ وَنُورٌ وَبَيَانٌ » (2).

« پس مهدی علیه السلام در هنگام شب در مکه ظهور می کند در حالی که پرچم ، لباس ، شمشیر ، نشانه ها (معجزات) و نور و قدرت

ص: 167

1- . همان .

2- . الصراط المستقیم ، ج 2 ، ص 225 .

بیان رسول الله را در اختیار دارد» .

درباره یاران حضرت نیز احادیثی آمده است از جمله :

« لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلماً وَجوراً حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ اللهُ إِلَّا مُسْتَخْفِياً » (1).

« زمین پر از جور و فساد می شود تا آنجا هیچکس بجز در خفا نمی تواند نام خدا را ببرد » .

این عبارت ممکن است بدین معنا باشد که شرایط به گونه ای می شود که هیچکس خدا را نام نمی برد ، یا اینکه اوضاع بگونه ای می شود که هیچ کس خدا را آنگونه که بایسته و شایسته است نمی تواند بخواند .

در ادامه می فرماید : « ثُمَّ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجوراً » (2)

« آنگاه خداوند قوم صالحی را می آورد که زمین را پر از عدل و داد می کنند چنانکه پر شده است از ظلم و جور » .

در احادیثی از طالقان بحث شده است که در آنجا گنجهایی برای خدا وجود دارد که آنها از جنس طلا و نقره نیست بلکه طبق متن حدیث می فرماید : « رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ » (3)

« مردان مؤمنی هستند که خدا را آنچنانکه شایسته است شناخته اند و ایشان

ص: 168

1- . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 117 ؛ طوسی ، الامالی ، ص 382 .

2- . همان .

3- . بحارالانوار ، ج 57 ، ص 229 ؛ منتخب الانوار ، ص 44 .

یاران مهدی علیه السلام هستند» .

البته این شناخت در حق معرفت تعارضی با عبارت « ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ » ندارد بلکه اینها به آن اندازه که یک انسان می تواند خدا را بشناسد به خداوند معرفت پیدا کرده اند .

در حدیث دیگر می فرمایند :

« أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الرَّأْدِ » (1)

« اصحاب مهدی علیه السلام جوانند و کهنسال در آنها وجود ندارد

مگر به اندازه سر مه چشم و به اندازه نمک در غذا » .

از امام صادق علیه السلام در مورد یاران حضرت مهدی علیه السلام پرسیدند و ایشان اوصاف آنها را ذکر فرمودند ؛ سپس راوی پرسید که آیا فقط اینان در روی زمین مؤمن هستند ؟ فرمودند : خیر ، « وَلَكِنْ هَذِهِ الَّتِي يَخْرُجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُمْ النَّجْبَاءُ وَالْقُضَاءُ وَالْحُكَّامُ ، وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ يَمَسُحُ اللَّهُ بَطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يُشْتَبَهُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ » (2)

« اینان گروهی اند که مهدی علیه السلام در بین آنها ظهور می کند ؛ اینان نجیبان ، قاضیان و حاکمان (فرماندهان) قوم هستند و کسانی اند که در دین خدا فقیه هستند و خدا سینه ها و پهلوهای اینان را مسح می کند و چیزی برای ایشان مشتبه نمی شود » ، یعنی خداوند به اینان دانش و بینشی می دهد که هیچ امری برای

ص: 169

1- . شیخ طوسی ، غیبت ، ص 476 ؛ بحار الانوار ، ج 52 ، ص 333 .

2- . طبری امامی ، دلائل الامامة ، ص 310 .

آنها شبهه ناک نمی شود .

در روایت دیگری در تفسیر آیه « اَیْنَمَا تَكُونُوا یَأْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِیْعًا » (1) می فرمایند :

« یَجْمَعُ اللّٰهُ لَهُ اَصْحَابَهُ وَهُمْ ثَلَاثَمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ اَهْلِ بَدْرِ یَجْمَعُهُمُ اللّٰهُ لَهُ عَلٰی غَیْرِ مِیْعَادٍ » . (2)

« خداوند اصحابش را که سیصد و سیزده نفر و به تعداد اصحاب بدر هستند ، بدون وعده قبلی برای آن حضرت حاضر می گرداند » . یعنی تا پیش از این وعده ای برای خروج نداشته اند و طبق روایات ، اینان در خانه های خود خوابیده اند که یکمرتبه در نیمه های شب اینها را از بسترشان می برند ؛ عده ای با طئی الارض و عده ای سوار بر ابر ، آنگونه که در جلو چشم مردم در نیمه های شب در مکه جمع می شوند و صبح در خدمت امام علیه السلام هستند .

در حدیث دیگر آمده است که ابرها دو گونه اند ابرهای با صدا و بی صدا ، و خداوند حضرت سلیمان را در انتخاب ابرهای با صدا و بی صدا مخیر کرد و او ابر بی صدا را انتخاب نمود ، اما ابری که یاران حضرت مهدی علیه السلام اختیار می کنند ابرهایی است که با رعد و برق و غرش همراهند ، و آن یاران سوار بر این ابرها خود را به مکه معظمه می رسانند . در تعبیر دیگری در احادیث آمده است که اینان مانند ابرهای پائیزی ، تکه تکه در

ص: 170

1- . سوره بقره ، آیه 148 .

2- . تأویل الایات ، ص 87 ؛ [احادیث دیگر هست ولی با اندکی اختلاف و بدون « عده اهل بدر » ، البته به شکلهای دیگر « عده اهل بدر » وجود دارد ولی غالباً بدون « علی غیر میعاد »] .

اطراف پراکنده اند تا در نهایت در مکه جمع می شوند .

در حدیث دیگری می فرماید :

« رَهْبَانُ اللَّيْلِ وَأَسَدٌ بَالْتِهَازٍ فَيَفْتَحُ اللَّهُ لِلْمَهْدِيِّ أَرْضَ الْحِجَازِ وَيَسْتَخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي السَّجْنِ مِنْ بَنِيهَاشِمِ وَتَنْزِيلُ رَايَاتِ السُّودِ الْكُوفَةَ » .

« اینها شب زنده دارانند و شیران روز ، و خداوند سرزمین حجاز را برای حضرت مهدی علیه السلام فتح می کند و حضرت هر کس از بنی هاشم (سادات) در زندان باشد آزاد می نماید ، و پرچمهای مشکی بر کوفه وارد می شود » .

این دو عبارت نشان می دهد که تا آن زمان همچنان سادات مورد ظلم و تعدی هستند ؛ تعبیر پرچمهای سیاه نیز عمدتاً مربوط به اهل خراسان است ولی این تعبیر در زمان ائمه بسیار گسترده بوده است و حتی افغانی ها را نیز شامل می شده است .

ولی اجمالاً این است که عده ای از خراسان با پرچمهای مشکی برای مقابله با سپاه سفیانی به کوفه وارد می شوند .

در ادامه حدیث آمده است :

« فَتَبَعْتُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ إِلَى الْإِفَاقِ وَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ » . (1)

ص: 171

1- . سیوطی ، المعروف الوردی فی اخبار المهدی . این کتاب ضمن کتاب الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است .

« این سپاهیان برای بیعت با حضرت مهدی علیه السلام حاضر می شوند و ایشان سپاهیان را به اطراف و اکناف جهان می فرستد و خداوند به دست او استانبول را فتح می کند » .

در ضمن حدیثی آمده است که تعداد هر لشکری کمتر از ده هزار نفر نیست . امام علیه السلام در مورد تعداد لشکریان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید که تا تعداد آنها به « عقِد » نرسد حرکت نمی کنند . پرسیدند که عقِد یعنی چه ؟ فرمودند : یعنی ده هزار نفر . هم اکنون نیز به کسی که ده هزار نفر را فرماندهی کند « العقید » می گویند . در برخی روایات تعداد لشکریان را دوازده تا پانزده هزار نفر ذکر کرده اند .

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداة تعداد کل سپاه حضرت مهدی علیه السلام را یکصد هزار نفر نوشته است که مانند ابرهای پائیزی بوده که خداوند آنها را در یکجا گرد می آورد .

در تفسیر آیه شریفه قرآن که می فرماید : « أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً »⁽¹⁾ « هر کجا باشید خداوند همه شما را گرد هم می آورد » ؛ احادیث فراوانی آمده است که این آیه در مورد اصحاب حضرت مهدی علیه السلام است که هر کجا باشند خداوند آنها را خدمت آن حضرت گرد می آورد .

در مورد گذشتگان از اصحاب که در خدمت ایشان هستند روایات فراوان آمده است از جمله در مورد حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است که ایشان در کنار بیت المقدس از آسمان به زمین می آید در حالی که آقا

ص: 172

بقیه الله علیه السلام آماده تکبیرة الاحرام نماز هستند . در این هنگام امام زمان علیه السلام کنار می روند و می فرمایند : « یا روح الله تَقَدَّمْ » حضرت عیسی علیه السلام می فرماید : « اِنِّی بُعِثْتُ وَزِیْرًا لَا اَمِیْرًا » (1) یعنی من به عنوان وزیر آمده ام و نه امیر . احادیث فراوانی آمده است که خداوند این امت را گرامی داشته است به اینکه امیرشان از خود ایشان است .

در غالب احادیث که از حضرت عیسی علیه السلام نام برده شده است مدت حضور ایشان در کنار حضرت مهدی علیه السلام چهل سال بیان شده است و مسلماً ایشان زودتر از آقا بقیه الله از دنیا خواهد رفت . احادیث فراوانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که می فرماید امتی که من در آغاز ، عیسی علیه السلام در وسط و فرزندان مهدی علیه السلام در پایان آن است هرگز ناامید نمی شود .

یکی دیگر از اصحابی که نامش در احادیث آمده ، یمانی است که از صنعاء - پایتخت یمن - می آید و بنابر نقل احادیث ، پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست .

همچنین شعیب بن صالح از منطقه طالقان که همراه سپاه خراسان به طرف کوفه می رود ؛ و دیگرانی که نامشان آمده است از جمله عقیل ، حارث ، جبیر بن خابُر .

در احادیث آمده است که 27 نفر از یاران حضرت علیه السلام از پیروان عالی رتبه حضرت موسی علیه السلام هستند که به اذن خدا و به فرمان بقیه الله زنده

ص: 173

1- [این حدیث اینگونه آمده است : قال نعیم بن جماد فی کتاب الفتن عن کعب : ینزل عیسی من السماء ... فیقول یا مسیح صل بنا فیقول بل صل انت باصحابک انما بعثت وزیراً ولم ابعث امیراً - الصراط المستقیم ، ج 3 ، ص 92] .

می شوند؛ هفت نفر اصحاب کهف، یوشع، مؤمن آل فرعون، حضرت سلمان، جناب ابوذر، ابودجانه - و او کسی بود که تا آخرین نفس در احد مقاومت کرد؛ سپس همسرش بود، و آخرین نفر علی علیه السلام بود که در مقابل سپاهیان کفر ایستاد - جناب مالک اشتر مفضل بن عمر، اسماعیل بن جعفر علیه السلام داوود رقی و دیگرانی که بنابر حدیث امام رضا علیه السلام نام همه آنها در کتاب (نامه ای) سر به مهر در خدمت آقا بقیه الله علیه السلام موجود است.

در مورد بانوانی که در خدمت آن حضرت هستند نیز احادیثی آمده است که تا پنجاه نفر تعبیر شده است ولی حدیثی که روشن تر است و از برخی از آنان نیز نام برده شده است حدیثی است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید و ایشان فرمودند که سیزده زن در خدمت آقا بقیه الله هستند و وظیفه ایشان همچون وظیفه زنان در سپاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است که خدمت رسانی به مجروحین است، از جمله فُتُوَا دختر رُشید هَجَری، (1) امّ ایمن که در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان اهل بیت علیهم السلام بود و در خدمت مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ایشان را یاری می داد؛ امّ ایمن همان کسی است که حضرت زینب علیها السلام را از واقعه کربلا آگاه نمود. در شب

ص: 174

1- . رُشید هَجَری از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بود . وقتی به دست زیاد بن ابیه دستگیر شد از او پرسید که آیا مولایت در مورد چگونگی کشته شدن گفت است ؟ فرمود : بله ایشان فرموده اند که تو دست و پا و زبان مرا می بُری . زیاد گفت : دست و پایت را می بُرم ولی زبانت را نمی بُرم تا سخن علی علیه السلام اشتباه باشد . فتوا پس از بُریدن دست و پای پدرش او را به خانه برد اما او در مسیر راه همه را برای شنیدن ملاحم و فتن که از علی علیه السلام شنیده بود دعوت کرد و در خانه به ذکر احادیث علی علیه السلام پرداخت ، تا آنجا که مأموران زیاد به خانه او ریختند و زبانش را نیز بریدند .

بیست و یکم رمضان که علی علیه السلام در بستر بود ، حضرت زینب علیها السلام در مورد سخنان او درباره کربلا از پدرش سؤال نمود و علی علیه السلام فرمود داستان همان است که امّ ایمن گفته است .

یکی دیگر از زنان حُبابه والدیه است که هشت امام معصوم را درک کرده است و هر امامی روی سنگ برای او مُهر زده اند ؛ سپس ام خالد احمصیه ، ام سعید حنفیه ، صیانه ماشده ، ام خالد جُهَنیّه که هر کدام در جنگها نقشهای مهمی را داشته اند . (1)

مطلب دیگر در مورد حضرت مهدی علیه السلام این است که ایشان از این 313 نفر بیعت می گیرند و می فرماید اگر آنچه را که می گویم به طور قطع و یقین عمل می کنید با من بیعت کنید : از میدان جنگ فرار نکنید ، دزدی نکنید ، عمل نامشروع انجام ندهید ، گناه نکنید ، عمل منکر و زشت انجام ندهید ، زر و سیم نیندوزید ، خوراک مورد نیاز مردم را احتکار نکنید ، به ناحق شهادت ندهید ، مؤمنی را تحقیر نکنید ، ربا نخورید ، در سختیها پایدار باشید ، شخص موحد و خداپرست را لعن نکنید ، لباس ابریشم و زرباف نپوشید ، خون حرامی نریزید ، فراری را دنبال نکنید ، امر به معروف و نهی از منکر کنید ، خاک را بالش خود قرار دهید (با زهد زندگی کنید) . (2) [این دستورات ظاهراً برای سپاهیان این 313 نفر باشد و الاً اینان منتخبینی هستند که یقیناً این اعمال را مرتکب نخواهند شد !!]

ص: 175

1- . اسامی این نه نفر در دلائل الامامه طبری امامی آمده است .

2- . به نقل از روزگار رهایی ، و عقد الدرر .

پرسش : آیا قیام حضرت مهدی علیه السلام 25 ذی الحجه است ؟

پاسخ : خیر . 25 ذی الحجة روز کشته شدن نفس زکیه است که پس از آن خداوند غضب می کند و برای 15 روز بعد یعنی دهم محرم به حضرت قائم علیه السلام اجازه قیام را می دهند .

پرسش : آیا حدیث « یملاء الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً » صحیح است ؟

پاسخ : تعبیر « بعد ما » در کتب و مدارک معتبر و قابل استناد وجود ندارد ؛ بجز دو مورد که یکی در « منتخب الاثر » و به نقل از « کفایة الاثر » است و علت آن نیز مغلوط بودن نسخه خطی « کفایة الاثر » بوده است . و دیگری در کتاب « سلام الله الكامل التام » است که عرض کردیم اولاً مأثور نیست (از امام معصوم نرسیده است) ثانیاً در ابتدا در کتاب « مصباح الزائر » نقل شده است ، که مرحوم محدث قمی آن را از « الکلم الطیب » نوشته سید علی خان کبیر آورده است ، و لذا دچار اشتباه شده اند . اما تاکنون حدیث دیگری که در کتب معتبر تعبیر « بعد ما » داشته باشد یافت نشده است .

پرسش : چگونه می شود که علی علیه السلام می فرماید : « انا عبدٌ من عبید محمد صلی الله علیه و آله وسلم » ، ولی در حدیث دیگری آمده است که در دوران رجعت تمامی پیامبران از آدم تا خاتم در خدمت علی علیه السلام حاضر می شوند .

پاسخ: این دو منافاتی با هم ندارد. در حدیث اینگونه آمده است که وقتی علی علیه السلام تشریف می آورند تمامی پیامبران که یکصد و بیست و چهار هزار نفر هستند رجعت می کنند و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرچم را به دست علی علیه السلام می دهد. در آن روز امیر قوم، امیرالمؤمنین علیه السلام است و تمامی پیامبران از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم زیر پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام پیش می روند. در ذیل آیه «لتؤمنن به ولتنصرنه» (1) احادیث و روایات متعددی در کتب تفسیری روایی وجود دارد و این مطلب را ذکر کرده که امیر همه ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام است و ایشان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را به دست می گیرند. علی علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید من رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را یاری کردم و خداوند از تمام پیامبران تعهد گرفته که مرا یاری کنند؛ و روزی خواهد رسید که آنها زیر پرچم من به یاریم برخیزند.

پرسش: اگر کتابی با عنوان چهل حدیث در مورد حضرت مهدی علیه السلام

از اهل سنت نقل شده است معرفی کنید؟

پاسخ: کتابهای چهل حدیث فراوانی از اهل سنت نقل شده است از جمله اربعین ابونعیم اصفهانی صاحب حلیة الاولیاء.

برای تحقیق بیشتر به «کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام» (2) می توان مراجعه نمود که در آنجا کتابهای اهل سنت جدا شده است و اربعینات نیز مستقلاً فهرست شده است.

ص: 177

1- آل عمران / 81.

2- به قلم استاد مهدی پور.

پرسش : جهت آشنایی با علائم ظهور قطعی و غیر قطعی مأخذی را معرفی کنید .

پاسخ : کتابهای « نوائب الدهور » آیت الله میرجهانی ، « یأتی علی الناس زمانٌ » ، « معجم الفتن و الملاحم » از جمله کتابهایی است که قبلاً معرفی کرده ایم ولی کسانی که به کتابهای بیشتری نیاز دارند می توانند به « کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام » مراجعه نمایند که تمامی مشخصات آنها در آن ذکر شده است .

پرسش : چرا درباره آقا امام زمان علیه السلام این همه اختلاف نظر وجود دارد ؟

پاسخ : اختلاف نظر معمولاً در تمام مسائل وجود دارد و شاید مسئله ای نباشد که در آن اختلاف نظر نباشد مثلاً برای بررسی در مورد تاریخ ولادت علی علیه السلام 36 قول آمده است که مشهور همه آنها 13 رجب است .

علت این اختلافها فراوان است از جمله آتش زدن کتابخانه های بسیار مهم و ارزشمند مثل کتابخانه شیخ طوسی که در هزار سال قبل حدود 80 هزار جلد کتاب داشته است .

پرسش : در مورد علمای امت در توفیق شریف غیر از « حجت » کلمه « حاکم » نیز آمده است ؟

پاسخ : هر دو تعبیر آمده است ، در جایی می فرمایند : « فَأَنَّهْم حُجَّتِی »

عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ (1) و در حدیثی هم هست که می فرمایند: « انی جعلتهم حاکماً ». (2).

پرسش: شیطان را چه وقت نابود می کنند؟

پاسخ: [ناتمام]

پایان جلسه نهم

ص: 179

1- . وسائل الشیعه، ج 27، ص 140؛ بحار الانوار، ج 2، ص 90؛ همان، ج 53، ص 180؛ همان، ج 75، ص 380؛ الاحتجاج، ج 2، ص 469؛ اعلام الوری، ص 452؛ الخرائج، ج 3، ص 1113؛ غیبت طوسی، ص 290؛ کشف الغمه، ج 2، ص 531؛ کمال الدین، ج 2، ص 483؛ منتخب الانوار، ص 122.

2- . [این حدیث در CD نور نبود ولی احادیثی هست که می پرسند در هنگام اختلاف نظر اصحاب چه کار کنیم امام علیه السلام می فرماید: ینظران الی من کان منکم ممن قد روی احادیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً فاذا حکم بحکم ...] 15 مورد یافت شد به عنوان نمونه: مستدرک، ج 17، ص 311.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف انبيائه و افضل سفرائه و على آله الهداة المهديين المنتخبين المنتجبين و اللعن الدائم
على اعدائهم اجمعين

و بعد فقد قال عليه السلام : « يُقِيمُ الرَّاياتِ وَيُظْهِرُ الْمُعْجِزَاتِ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ » .

امشب آخرین جلسه این سلسله مباحث است که در کتابخانه ارزشمند

و تخصصی مهدویت ، خدمت شما عزیزان ارائه می گردد . در شش جلسه آغازین درباره احادیث شبهه ناک در مورد « خشونت و خونریزی » در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطالبی مطرح گردید ، دو جلسه نیز درباره « انتقام » و « منتقم » و احادیث مربوط به آن صحبت به میان آمد ؛ شب گذشته درباره برخی معجزات و چگونگی حاضر شدن یاران ، گرد شمع

وجود حضرت بقیه الله علیه السلام سخن گفتیم؛ امشب را که آخرین فرصت از این سلسله جلسات است اختصاص داده ایم به پایتخت حکومتی حضرت علیه السلام، که امیدواریم نتیجه آنها مورد توجه دوستان قرار بگیرد و همگی مشغول عنایت آقا بقیه الله علیه السلام قرار بگیریم.

پایتخت حکومتی و مرکز فرماندهی آقا بقیه الله علیه السلام مسجد کوفه و محل اقامتی ایشان مسجد سهله است.

در روایات فراوانی که در مورد خروج حضرت علیه السلام از مکه و حرکت ایشان به کوفه به ما رسیده این تعبیر بسیار آمده است:

« يُقِيمُ الرَّايَاتِ وَيُظْهِرُ الْمُعْجَزَاتِ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيُبْرِئُ الْأَكْمَهَ

وَالْأَبْرَصَ » (1).

پرچمها را به اهتزاز در می آورد معجزات را از خود نشان می دهد مردگان را به اذن خدا زنده می کند و آن بیماریهایی که در دنیا علاج نداشتند به عنایت الهی شفا می دهد.

آنچه که از روایات بر می آید این است که یاران حضرت علیه السلام از اطراف و اکناف جهان به مکه معظمه آورده می شوند؛ یارانی که به تعبیر برخی احادیث « يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ » هستند یعنی بر روی آب راه می روند؛ و برخی از مردم که ایشان را می بینند می گویند: اگر اصحابش اینگونه هستند پس خودش چگونه باید باشد؟

اجمالاً اینکه حضرت مهدی علیه السلام پس از خروج فتوحاتی می کنند از

ص: 181

1- . [در CD نور نبود] .

جمله هند، سند، چین ترک، دیلم، خزر بابل، روم و...؛ سپس حضرت علیه السلام به قدس برمی گردند و آنجا منتظر می مانند تا دجال خروج کند سپس بعد از نابودی دجال به کوفه پایتخت دولت کریمه باز می گردند.

در کوفه مسجدی به نام مسجد سهله وجود دارد که شبهای چهارشنبه عده ای از شیعیان برای عرض ارادت در آنجا جمع می شود. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند:

« يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ » (1)

« گویی من با چشم خود می بینم که مهدی علیه السلام با اهل و عیالش وارد مسجد سهله می شوند ».

در احادیث دیگری نیز آمده است که مسجد سهله محل اقامت اولاد حضرت علیه السلام است:

« أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ »

« مسجد سهله محل اقامت و نزول آقای ماست هنگامی که با اهلش قیام کند » (2).

ص: 182

1- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 413؛ بحار الانوار، ج 52، ص 317؛ همان، ص 376؛ همان، ج 97، ص 435؛ راوندی، قصص الانبياء، ص 14.

2- کافی، ج 3، ص 495؛ التهذيب، ج 3، ص 252 و...، در فصلنامه انتظار ش 6، حدود 20 روایات و 50 ویژگی برای مسجد سهله و 40 تشرف در مسجد سهله نقل نموده ایم که برای مطالعه بیشتر می توان به آن رجوع نمود.

خواهد بود. این مسجد از لحاظ قدمت آنقدر در جایگاه رفیع قرار دارد که یکی از چهار موضع است. (1) و از آنجا که این مسجد محل ورود

امیرالمؤمنین علیه السلام به کوفه بوده و پنج سال آن حضرت در آن مسجد خطبه و نماز خوانده است و ورود آقا بقیه الله علیه السلام نیز آنجا خواهد بود اینگونه از مقام و مرتبه ای همچون حرمین شریفین و حرم امام حسین علیه السلام برخوردار شده است.

در احادیث آمده است که هنگام ورود حضرت مهدی علیه السلام مسجد اعظم کوفه با این همه وسعت، برای جمعیت و انجام امور آن حضرت کفایت نمی کند لذا دستور می دهد مسجدی بسازند که هزار در ورودی و خروجی دارد. از جمله مساجدی که ساخته می شود عبارتند از مسجدی در ظهر کوفه (نجف) با هزار در، مسجدی در رُوحا با پانصد در، مسجدی در رهبه با پانصد در.

در مورد عظمت مسجد کوفه احادیث زیادی آمده است از جمله:

« نِعْمَ الْمَسْجِدُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَأَلْفُ وَصِيٍّ » . (2)

ص: 183

1- . این چهار موضع عبارتند از مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام که مسافر اگر چه قصد ده روز نکند در آن چهار موضع نمازش را کامل می خواند.

2- . کافی، ج 3، ص 492؛ الفقیه، ج 1، ص 231؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 251؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 407؛ بحار الانوار، ج 80، ص 377؛ همان، ج 97، ص 397، ثواب الاعمال، ص 30؛ جامع الاخبار، ص 70.

« چه مسجدی است مسجد کوفه ، که هزار نبی و هزار وصی در آن نماز گزارده اند . »

و یا اینکه هر رکعت نماز واجب در آن مسجد ثواب هزار رکعت ، و هر رکعت نماز مستحبی ثواب پانصد رکعت نماز دارد ؛ در احادیثی نیز آمده است که هر نماز واجب ثواب یک حج و هر نماز مستحبی ثواب یک عمره دارد .

در عظمتش همین کافی است که امیرالمؤمنین علیه السلام پنج سال در آن مسجد خطبه خوانده و نماز گزارده است ؛ و بسیاری از خطبه های نهج البلاغه در همین مسجد خوانده شده است . (1)

ص: 184

1- . اخیراً یکی از بزرگان غرب نوشته بود که اگر علی علیه السلام یکبار دیگر در مسجد کوفه خطبه بخواند ما غربی ها آنقدر در آن مسجد حاضر می شویم که جایی برای شما شرقی ها باقی نماند . یکی از کسانی که در زمینه زندگی امامان علیهم السلام و مکتب شیعه تحقیقات انجام داده است استاد سلیمان کتانی است که اخیراً از دنیا رفته است . او یکی از علمای نامی و بسیار فاضل عالم مسیحیت بود . در حدود 35 سال قبل در یک مسابقه علمی معتبر ، بهترین کتاب را در مورد علی علیه السلام نوشت و برنده آن مسابقه شد ، نام کتابش « الامام علی علیه السلام مقراص و مطراس » بود . همچنین کتابهای دیگرش در مورد حضرت زهرا با نام « فاطمة الزهراء و طرّ فی ----- » ، در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با نام « محمد شاطی ء و سحاب » و سپس کتابهای دیگری در مورد دیگر ائمه علیهم السلام تا آخرین اثرش که در مورد امام موسی بن جعفر علیه السلام بود که قبل از فوتش منتشر شد . این مطلب بدین لحاظ بیان شد که بدانیم غربیان چقدر تلاش می کنند و چقدر در تحقیقات خود پیشرفت دارند و از طرف دیگر بدانیم که ما چقدر مقصریم . یکی دیگر از کسانی که در مکتب تشیع مطالعات فراوان انجام داده شخصی است به نام هانری کُربن . مرحوم علامه طباطبایی می گوید من از ایشان پرسیدم که شما در عالم مسیحیت در هنگام راز و نیاز با خدا چه مطالبی را می گوئید ؟ هانری کربن در جواب می گوید که هم دعاهای مسیح و هم آنچه که به زبان جاری می شود ، ولی من ادعیه امام دوازدهم شیعیان را می خوانم ، و همه آنها را جمع آوری کرده ام و هر روز یکی از آنها را می خوانم . مرحوم علامه طباطبایی می گوید پرسیدم چرا ؟ او گفت زیرا دعاهایی که از زبان عیسی علیه السلام جاری شده مربوط به دو هزار سال پیش است ولی اینها دعای امام عصر علیه السلام است و اگر ما خدا را می خوانیم شایسته تر است که به زبان امام زمان او را بخوانیم . او در شهر سوربن فرانسه متولد شد ، همان شهری که برخی از شیعیان برای تحصیل رفتند و ضعیف الاعتقاد باز گشتند . هر سال دو ماه به ایران می آمد و در بازگشت یافته های خود را برای جهان ارائه می کرد . سی سال قبل گفته بود که من یک فیلسوفم و دریافته بودم که حتماً باید بین خالق و مخلوق واسطه فیض باشد . اما در عالم یهود و مسیحیت این واسطه از بین رفته بود در بین مسلمانان نیز وضع بدتر بود زیرا آنان پیامبر خود را آخرین پیامبر می نامیدند و بعد از او کسی را به عنوان واسطه فیض قبول نداشتند ، یعنی 1400 سال است واسطه فیض وجود ندارد . اما هنگامی که به ایران رفتم و با علامه طباطبایی آشنا شدم ایشان گفتند که شما اشتباه کرده اید زیرا هر لحظه واسطه فیض در روی زمین هست ؛ چرا که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، امیرالمؤمنین علیه السلام و سپس امامان دهگانه و در نهایت امام عصر علیه السلام واسطه فیض هستند و ایشان زنده است و آخرین کسی که از دنیا برود حجت خداست . هانری کربن این مطلب را به عنوان بشارت از تلویزیون فرانسه به عالم عرضه نمود و گفت اکنون فهمیدم که تنها دین حق ، اسلام و تنها مذهب صحیح ، تشیع است . و چون گفته بود که علم نمی تواند با دین مخالف باشد زیرا علم یافته های بشر از عالم تکوین است و دین بیانات پروردگار در عالم تشریح است و بین تکوین و تشریح نمی تواند تضاد وجود داشته باشد لذا اعلام کرد که یافته های اعتقادی با علم موافق است .

کوفه از روز دوازدهم رجب سال 36 ه. ق. پایتخت بوده است یعنی از

ص: 185

زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام برای مقابله با اتفاقات پیش آمده در بصره و جنگ جمل، محل اقامتش را از مدینه به کوفه منتقل نمودند، و کوفه را به عنوان محل اقامت دائمی انتخاب نمودند و دوران حکومتشان نیز همگی در کوفه بوده است. پایتخت بودن کوفه از آن زمان متصل است به حکومت آقا بقیه الله علیه السلام، و طبق روایات فراوان در زمان رجعت نیز پایتخت حکومت ائمه علیهم السلام، کوفه خواهد بود.

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظهور می کنند، بانگ آسمانی به گوش می رسد که: « بقیه الله خیر لکم »؛ همزمان آقا برای مردم خطبه می خواند که: « اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَيْكُمْ » (1).

اولین کسی که با بقیه الله علیه السلام بیعت می کند حضرت جبرئیل است و سپس بقیه تبعیت می کنند و این عمل سه شبانه روز طول می کشد.

سپس از آنجا با ده هزار نفر به سوی مدینه منوره حرکت می کنند و بعد از انجام اصلاحاتی، مجدداً به مکه برمی گردند و سپس با صد هزار نفر به طرف کوفه رهسپار می شوند.

در حدیث آمده است:

« دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَبَيْتُ مَالِهِ وَمَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الزَّكَاةُ الْبَيْضُ » (2).

ص: 186

1- . کمال الدین، ج 1، ص 330.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 11.

« محل حکومت آقا بقیه الله شهر کوفه ، و محل دادرسی و قضاوتش مسجد اعظم کوفه ، محل تقسیم ثروت‌های عمومی و غنایم اسلامی مسجد سهله ، و محل خلوت و مناجات ایشان تپه های سفید نجف اشرف است » .

در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است :

« ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُ عَلَى نَجْفِهَا ثُمَّ يَفْرُقُ الْجُنُودَ مِنْهَا إِلَى الْأَمْصَارِ » . (1)

« سپس از مکه به سمت کوفه حرکت می کند و روی تپه های نجف (2) مستقر می شوند ، سپس لشکریانش را از آنجا به تمام کشورها می فرستد » .

امام باقر علیه السلام در حدیث مشابهی می فرماید :

« كَاتَى بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يُفَرِّقُ »

ص: 187

-
- 1- « يسير من مكة حتى ياتي الكوفة فينزل على نجفها ثم يفرق الجنود منها الى الامصار » كشف الغمه ، ج 2 ، ص 463 « همان ... فی الامصار » الارشاد ، ج 2 ، ص 379 .
 - 2- نجف یعنی تپه یا بلندی ، که البته در زمان گذشته مسکونی نبوده و همیشه به « ظهر کوفه » یعنی پشت کوفه تعبیر شده است . در اینگونه احادیث به نجف اشاره شده است زیرا در آن زمان دریاچه ای معروف به « بحر النجف » بوده که البته اکنون اثری از آن نیست ، ولی مکانی به همین نام وجود دارد .

« گویی با چشم خود می بینم که قائم علیه السلام بر نجف کوفه وارد شده در حالی که از مکه به سوی آنجا آمده است با پنج هزار از ملائکه، که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و مؤمنان پیشاپیش حضرت حضور دارند، و ایشان سپاهیان را به تمام کشورها می فرستد .

امام باقر علیه السلام در وصف مسجد کوفه می فرماید :

« لَمْ يَعْثِ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ وَفِيهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ

وَفِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَالْقَوْمُ مِنْ بَعْدِهِ وَهِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ « (2).

هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینکه در آنجا نماز خوانده است، عدالت خدا در آنجا ظاهر می شود و کسی که قائم به عدالت خواهد بود در آنجا اقامت خواهد کرد و کسانی که بعد از آن حضرت به عدل قیام خواهند نمود نیز در کوفه اقامت خواهند کرد، محل سکونت پیامبران و اوصیا و صالحین، در رجعت آنجا خواهد بود .

ص: 188

-
- 1- بحار الانوار، ج 53، ص 336؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 250؛ كشف الغمه، ج 2، ص 463؛ منتخب الانوار، ص 190 .
 - 2- التهذيب، ج 6، ص 31؛ وسائل الشیعه، ج 5، ص 355؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 416؛ بحار الانوار، ج 53، ص 148؛ همان، ج 97، ص 440؛ روضة الواعظین، ج 2، ص 410؛ کامل الزیارات، ص 30؛ کتاب المزار، ص 4 .

برای جمع بندی و کوتاه شدن کلام ، چند مشخصه از اوضاع دنیا پس از ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام را به اختصار بیان می نمائیم :

- کار به جایی می رسد که شمش طلا را به مردم می دهند و کسی نمی پذیرد .

- احدی مورد ستم قرار نمی گیرد .

- تمام ویرانه ها آباد می شود .

- جهان در آسایش و آرامش قرار می گیرد .

- همگان خوشنود می شوند .

- ندای اسلام همه جا طنین می اندازد .

- فرهنگ به بالاترین حدّ خود می رسد

- حسد و حيله از بین مردم رخت برمی بندد .

- کینه توزی از دلها ریشه کن می شود .

- تبهکاران نادم می شوند .

- امتیازهای طبقاتی از بین می رود .

- همه بی نیاز می شوند .

- کسی زکات را نمی پذیرد .

- همه گردنکشان تسلیم می شوند .

- زمین از لوٹ دشمنان اهل بیت علیهم السلام پاک می شود .

- پرچم توحید در همه جا به اهتزاز درمی آید .

در این چند شب درباره تشرفات مکرراً سؤال شده است لذا امشب به دو تشریف اشاره می نمایم ، تشرفاتى که اگر چه ادعا نشده است ولی

برای مردم

ص: 189

تشریح سید بحر العلوم

سید بحر العلوم از لحاظ جایگاه شخصیتی در مکانی است که مرحوم کاشف الغطاء شیخ جعفر کبیر ، هر وقت خدمت سید می رسید تحت الحنک عمامه اش را باز می کرد و با آن گرد کفشهای سید را پاک می کرد .

در اینجا مقام شامخ سید بحر العلوم و تواضع این مرجع جهانی عالم تشیع شناخته می شود ، عالمی که کتاب « کشف الغطاء » ایشان یکی از کتابهای مرجع و مهم فقهای شیعه است .

صاحب « جواهر » که شاگرد شاگرد سید بحر العلوم است هنگامی که از ایشان یاد می کند ، نام سید با عبارت « صاحب الکرامات الباهره » به کار می برد ، یعنی آنقدر کرامات آن مرد ظاهر و روشن بوده که شخص دقیقی مثل صاحب جواهر او را اینگونه یاد می کند .

مرحوم محدث قمی در « فوائد الرضویه » ، مرحوم نوری در « مستدرک الوسائل » ، مرحوم خیابانی در « ریحانة الادب » ، از بسیاری از بزرگان نقل می کنند که تشرفات مرحوم سید بحر العلوم به حد تواتر رسیده است یعنی نیاز به مدرک و سند ندارد . اما یک پرسش ممکن است پیش آید و آن اینکه اگر سید خودش در مورد تشرفاتش چیزی نگفته است ، و ما طبق احادیث می گوئیم هر کس که ادعا کند آن را تکذیب کنید ، چگونه بوده که این مطالب به دست ما رسیده است ؟

صاحب « مفتاح الکرامه » سید جواد عاملی متوفی 1226 ه . ق . می گوید :

من شبی به سوی حرم علی علیه السلام عازم بودم دیدم که استاد سید بحرالعلوم از دروازه شهر بیرون رفت . پشت سر ایشان راه افتادم که در این تاریکی شب اتفاقی برای ایشان نیفتد . آنقدر رفتم تا دیدم ایشان وارد مسجد کوفه شد ؛ من هم وارد شدم . در آنجا چراغی نبود که ایشان متوجه حضور من بشود . دیدم که ایشان به مقام آقا بقیه الله علیه السلام رفتند ، و من در فاصله کمی از آنجا قرار گرفتم ، کسی هم آنجا نبود . ناگهان دیدم که ایشان با آقا صحبت می کند . من آقا را نمی دیدم ولی دقیقاً صدای آن حضرت را می شنیدم .

او این جمله را نقل می کند که آقا به سید بحرالعلوم می فرمود : شما در احکام شرعیه به امور ظاهریه مکلف هستید و وظیفه ندارید که به احکام واقعیه عمل کنید ، چون دسترسی ندارید .

قبلاً نیز عرض کردم که وقتی شیخ مرتضی انصاری رساله اش را چاپ کرد ، در صفحه اول آن نوشت که در زمان غیبت کبری از باب اکل میته عمل به این رساله جایز است . پس چون دست ما به مولا نمی رسد باید بدین شکل عمل نمائیم ، ولی اگر با ایشان ارتباط مستقیم وجود داشت دیگر لازم نبود که ببینیم تلاش این مرجع بعد از 60 سال چه بوده است ، بلکه آنچه از زبان حجت خدا به ما می رسد حکم خدا بود .

درباره تشرفات و داستانهای مربوط به آنها باید بگویم که قریب 99 درصد مدعیان ، شیادان و دروغگویان هستند و ما باید این مطالب را تذکر دهیم تا در دام آنان نیفتیم .

در همین شهر اصفهان ، کسی هست که هر هفته می آید و ادعای مهدویت می کند و سیدی را به عنوان مسیح ، و زنی را به عنوان مریم معرفی

نموده است. پس هنگامی که در چنین شهری که این همه علما و جوانان متدین وجود دارند این مسائل دیده می شود، باید بسیار دقت نمود و مردم را هوشیار کرد.

در شهر قم نیز کسی بود که از تهران هفته ای یک روز می آمد و ادعا می کرد که امروز آقا چنین فرمودند. و بدین وسیله طلبه های جوانی را که به دنبال سیر و سلوک بودند دور خود جمع کرده بود.

ما با عرفان واقعی و با صاحبان آن مخالف نیستیم بلکه وظیفه داریم که جوانان طالب سیر و سلوک و مشتاق را با اینگونه دام ها و دروغگویان آشنا سازیم و به آنان هشدار دهیم.

یکی دیگر از تشرفات بسیار جالب مربوط به علامه بم است. ایشان شخصیت بزرگواری بود که حدود 8 سال قبل از دنیا رفت و در همان شهر و در حرم امام زاده زید در کنار ضریح به خاک سپرده شد. من خیلی تلاش کردم که به بم سفر کنم و از خودش بشنوم، ولی موفق نشدم. خوشبختانه از یکی از طلبه هایی که به آن شهر سفر می کرد درخواست کردم، و ایشان سخنان علامه بم را ضبط کرد و من آنچه از صدای ایشان شنیدم نقل می نمایم.

این مرحوم در حدود 60 سال قبل با تعدادی از مؤمنین بم به زیارت خانه خدا رفته است. او نقل می کند که شخصی را دیده است که روزی بعد از نماز صبح در مسجدالنبی برخاسته و پشت به ستون ابولبابه ایستاده و حدود یک ساعت در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام پدر بزرگوار امیرالمؤمنین بدگویی کرده است، و نعوذ بالله ادعا کرده که او کافر بوده است. اینها در آنجا بسیار رنج بردند ولی توان صحبت نداشته اند،

همچنانکه الآن نیز شیعیان در آنجا نمی توانند در این موارد سخنی بگویند .

سپس به منزل بر می گردند و قرار می گذارند که شب بعد ، هیچکس نخوابد و همه به آقا بقیه الله علیه السلام متوسل شوند بلکه آن حضرت مشکل را به صلاحدید خودشان رفع نمایند . چرا که در چند قدمی ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عموی ایشان این همه اهانت شده است .

آن شب را بیدار می مانند و قبل از نماز صبح به مسجدالنبی می روند و بعد از انجام نوافل ، منتظر می شوند تا نماز صبح را بجا آورند . علامه بم می آید و در مقابل ستون ابولبابه می ایستد تا در آنجا محلی برای نماز پیدا کند و بعد از نماز نیز به عباداتش مشغول باشد .

ایشان می گوید وقتی نماز تمام شد ، دیدم یک آقای بزرگوار ، نورانی ، با عظمت و باجلالت برخاست و همانجا که آن مرد ، دیروز سخن گفته بود ایستاد ، و در مورد فضایل حضرت ابوطالب علیه السلام بسیار سخن گفت ، و همه اش فرمودند جدم ابوطالب . ابیات فراوانی نیز از اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام که دلیل بر ایمان واقعی او بود خواندند و ایمان ابوطالب را اثبات کردند . و فرمودند که اگر جدم ابوطالب مؤمن نبود ، مادرم فاطمه بنت اسد - جزء « سابقات الی الایمان » بودند و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود که بین این دو جدایی بیندازد . (1)

علامه می گوید که متوجه شدم که توسل ما به نتیجه رسیده است و مطمئن شدیم که آن آقا ، حضرت بقیه الله علیه السلام است .

ص: 193

1- . رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم طبق آیه شریفه ، زنانی را که مردانشان ایمان نیاوردند از آنها جدا کردند .

لذا گوشه عباى ایشان را محکم گرفتم که اگر حرکت کند از او جدا نشوم .

او می گفت که چند نکته بسیار مهم را احساس کردم یکی اینکه صدا بطور مساوی تقسیم می شد و نفرات آخر مسجد و نفرات خارج از مسجد همانگونه می شنیدند که ما می شنیدیم ، و دیگر اینکه احدی در وسط خطبه از جایش بلند نشد که برود یعنی سیطره و تصرف بدینگونه بوده است .

علامه می گفت وقتی خطبه تمام شد یک مرتبه دیدم آقا نیست ؛ مشتم محکم بود ولی عبا در دستم نبود . به هر حال به منزل برگشتیم و دیدم که همه همسفران درباره مطالبی که آقا فرموده بود سخن می گفتند ، گفتم : مگر شما عربی بلدید ؟ گفتند : آقا فارسی سخن می گفت .

این مطلب تأیید همان قضیه بانگ آسمانی است که می گویند هر کس آنرا به زبان مادری خودش می شنود ، و علامه بزرگوار خودش آن را مشاهده کرده بود .

ص: 194

پرسش : از کجا بدانیم مورد عنایت آقا بقیه الله هستیم؟

پاسخ : این مطلب برنامه مشخصی ندارد ولی عنایات و توفیقاتی که نصیب انسان می شود از جمله خواندن دعای عهد ، نمازهای نافله ، عبادات خالص و ... نشان دهنده عنایات آن حضرت است .

پرسش : آیا 313 نفر هم می میرند؟ اگر می میرند چه کسانی جایگزین آنها می شوند؟

پاسخ : طبیعی است که ایشان نیز می میرند ، و طبق انتخاب حضرت جایگزین می شوند . در کتاب غیبت طوسی در مورد سی نفر که همیشه در خدمت آقا هستند احادیثی آمده است . مرحوم علامه مجلسی نیز در مورد اینها بحث کرده که هر کدام از آنها که می میرند ، یک نفر به انتخاب آقا جایگزین او می شود .

پرسش : آیا درست است که اگر هر جوانی 20 ساله باشد ولی دینش را خوب نشناخته باشد توسط آقا گردن زده می شود؟

پاسخ : مسلماً دروغ است و ما در جلسات قبل در مورد توبه و شرایط آن مفصلاً توضیحاتی بیان نموده ایم .

پرسش : قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حجت خدا چه کسی بوده است؟

پاسخ : حجت همیشه ادامه داشت و آخرین وصی حضرت ابراهیم

خلیل الرحمان ، حضرت ابوطالب علیه السلام بود ، و این مطلب به صراحت در احادیث ائمه علیهم السلام آمده است . قبل از ایشان نیز حضرت عبدالمطلب علیه السلام حجت بوده ، و به همین وسیله ودایع نبوت به دست آقا رسیده است .

پرسش : آیا این تحقیقات در زمان حضرت هم ادامه دارد ؟

پاسخ : در روایات آمده است که در آن زمان چادر می زنند و کلاسهای آموزش قرآن - آنگونه که حضرت می خواهند - در بین مردم دائر می شود .

پرسش : چه کسانی رجعت نمی کنند ؟

پاسخ : طبق احادیثی که مطرح نمودیم فقط بهترین ها و بدترین ها رجعت می کنند ، لذا افراد بینابین رجعت ندارند .

همچنین افرادی که طبق آیه قرآن می فرماید : « وَحَرَامٌ عَلَىٰ أَهْلِ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ » (1) یعنی هر منطقه ای که به عذاب الهی از دنیا رفته اند ، آنها هم رجعت ندارند .

پرسش : آیا معراج جسمانی بوده است ؟

پاسخ : قطعاً اینگونه بوده و ما شک نداریم . یکی از بهترین کتابها در این زمینه از آیت الله ناصر مکارم شیرازی است با نام « همه می خواهند بدانند » ؛ و در آن کتاب تمامی موارد شک و شبهه و پرسشهای مربوط به

ص: 196

معراج مفصلاً توضیح داده شده است .

پایان جلسه دهم

ص: 197

كمال الدين، شيخ صدوق، دار الكتب الاسلاميه، قم، 1395 هـ . ق

الارشاد، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، 1413 هـ . ق

التهذيب، شيخ طوسي، دارالكتب الاسلاميه، تهران، 1365 هـ . ش

الصراط المستقيم، على بن يونس نباطى بياضى، كتابخانه حيدريره نجف، 1384 هـ . ق

كشف الغمه، على بن عيسى اربلى، مكتبة بنى هاشمى، 1381 هـ . ق

منتخب الانوار، على بن عبدالكريم نيلى نجفى، چاپخانه خيام قم، 1401 هـ . ق

وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى، مؤسسه آل البيت، قم، 1409 هـ . ق

قصص الانبياء، قطب الدين راوندى، بنياد پژوهش آستان قدس، 1409 هـ . ق

مستدرک الوسائل، محدث نورى، مؤسسه آل البيت، قم، 1408 هـ . ق

كتاب المزار، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، 1413 هـ . ق

كامل الزيارات، ابن قولويه قمى، انتشارات مرتضويه، نجف، 1356 هـ . ق

روضه الواعظين، محمّد بن حسن نيشابورى، انتشارات رضى، قم

بحار الانوار، علامه مجلسى، مؤسسه الوفاء، بيروت - لبنان، 1404 هـ . ق

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

